

# زندگی با آینه‌ها

دفتر دوم: امت پیرروز

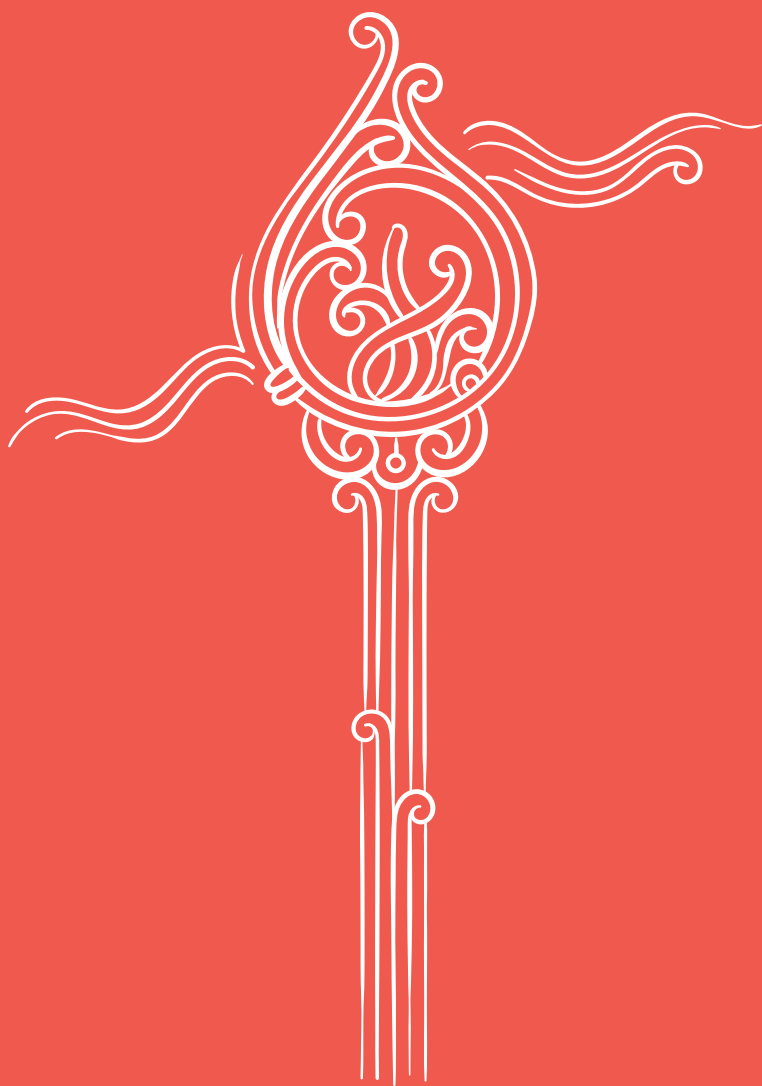


# زندگی بر رنگ جفاکان

تئیین زندگی ساز. آایه مقاومت برای بانوان







# زندگی با آینه‌ها

زندگی به رنگ جهاد

تبیین زندگی‌ساز ۱۰ آیه مقاومت برای بانوان



## زندگی با آیه‌ها «زندگی به رنگ جهاد»

تبیین زندگی‌ساز ۱۰ آیه مقاومت برای بانوان

نویسنده: سید مقدم حیدری

طراح جلد: سید محمد موسوی

صفحه‌آرا: هادی عبدالمالکی

ناشر: انتشارات تلاوت

چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

نوبت و سال چاپ: اول / اسفندماه ۱۴۰۳

تیراژ: ۱۰۷۰۰۰ جلد | قیمت: ۱۰۷۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۱۰۱-۰۳-۶

شماره مرکز پخش (فروشگاه بصائر)

۰۹۱۲۸۰۸۸۱۲۴ \_ ۰۲۱۶۶۹۵۶۰۹۵



پیش‌گفتار ..... ۹

**جلسه اول:** ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ﴾ ..... ۱۵

چرا پیام بر ﷺ، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را محکم‌کاری نکرد؟ ..... ۱۷

آیه‌ای که توپ را در زمین مردم انداخت ..... ۱۷

برای اجرای اسلام هم توپ در زمین مردم است ..... ۱۹

نقش بانوان در برقراری عدالت اقتصادی ..... ۲۰

**جلسه دوم:** ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ ..... ۲۳

کتابی با حرف‌های تمام‌نشدنی برای همه ..... ۲۵

الگوی رابطه با خودی و غیر خودی ..... ۲۶

آیا بهتر نیست با همه مهربان باشیم؟ ..... ۲۶

یک قاعده‌ی ناب انسان‌شناسانه ..... ۲۷

دین تولید دشمنی نمی‌کند؛ صرفاً دشمنی‌هایت را مدیریت می‌کند ..... ۲۹

راه‌کاری برای انتخاب سیاست‌مردان دل‌سوز ..... ۳۰

تکنیکی که بعید است از مشاورها و روان‌شناس‌ها بشنوید ..... ۳۱

**جلسه سوم:** ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ ..... ۳۳

نمونه‌ای از دشمنی‌الکی بی‌خود ..... ۳۵

- ما پدرکشتگی دیرینه و عمیقی با یهود داریم..... ۳۶
- نیم‌نگاهی به تاریخ..... ۳۶
- جنگی بین مؤمنان و بنی‌اسرائیل..... ۳۷
- مرور سخنان عجیب و رمزآلود حضرت امام علیه السلام..... ۳۸
- سال‌های آخر این جنگ را جدی بگیرید..... ۳۹
- جلسه چهارم: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ»..... ۴۱**
- اشتباه شایع در تلاوت قرآن..... ۴۳
- قرآن، کتابی پر از اطلاعات ناب..... ۴۴
- دشمن‌شناسی، معرفتی ضروری برای زن و مرد..... ۴۵
- دشمن ول‌کنی دشمنی نیست..... ۴۶
- پاشنه آشیل ما ندانستن این واقعیت است..... ۴۸
- زنان هم نقش دارند..... ۴۸
- حواس‌مان باشد که هدف دشمن بی‌دین کردن ماست..... ۴۹
- نقش زنان در مرزداری از سبک‌زندگی اسلامی بیش از مردان است..... ۵۰
- جلسه پنجم: «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ»..... ۵۳**
- یک قاعده‌ی کلی مهم..... ۵۵
- قانون پایستگی رنج و لذت..... ۵۶
- فرق سبک کار خدا با طاغوت و شیطان در برخورد با زنان..... ۵۸
- خدا با صداقت و واقع‌بینی با زنان سخن گفته است..... ۵۹
- خوشی‌های تلخ، ره‌آورد تمدن غرب..... ۶۰
- جلسه ششم: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقْتَلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُتِنٌ مَّرْصُوفٌ»..... ۶۱**
- در احساسات دینی، زنان تواناترند..... ۶۳
- اسلام، دینی احساساتی..... ۶۳
- خدا بر سر احساسات ما شوخی ندارد..... ۶۵
- پای ثابت گزارش ما به اهل بیت علیهم السلام..... ۶۷
- خدا مجاهدان را دوست دارد..... ۶۸
- جلسه هفتم: «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبَدُّلًا»..... ۷۱**
- زیباترین تصویرسازی دنیا..... ۷۳
- برگردیم به ۱۳۹۰ سال قبل!..... ۷۴



- ۷۶ ..... وصف نماز آن روزهایت
- ۷۸ ..... وصف تلاوت قرآنت
- ۷۹ ..... وصف احیا گرفتنت
- ۸۰ ..... وصف جهاد آن روزهایت
- ۸۰ ..... وصف توبه و استغفار
- ۸۱ ..... این فرض خیالی، کاملا واقعی است
- جلسه هشتم: ﴿فَأَسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾ ..... ۸۳**
- ۸۵ ..... قرآن منبعی برای شناخت جهان
- ۸۵ ..... راه سخت است و طولانی
- ۸۶ ..... خدا زود همه چیز را به نفع خوبان و صالحان تمام نمی‌کند
- ۹۰ ..... سبک زندگی زنانه، صحنه‌ی جنگ است
- جلسه نهم: ﴿وَأَلُوْا أَسْتَقِمُّوْا عَلٰی الطَّرِيْقَةِ لَأَسْقِيَنَّهْم مَّاءً غَدَقًا﴾ ..... ۹۳**
- ۹۵ ..... آثار خوب دین‌داری، با استقامت ظاهر می‌شود
- ۹۵ ..... دنیا مایکروویو نیست
- ۹۶ ..... هر رشد و تغییری زمان می‌برد
- ۹۹ ..... سبک زندگی فست‌فودی ضد استقامت است
- جلسه دهم: ﴿وَلْيَنْصُرَنَّ اللهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللهَ لَقَوِيٌّ عَزِيْزٌ﴾ ..... ۱۰۱**
- ۱۰۳ ..... نتیجه‌ی جنگ بین حق و باطل معلوم است
- ۱۰۳ ..... جام جهانی از آن ماست
- ۱۰۵ ..... راه کارهای غلط‌انداز خدا
- ۱۰۶ ..... خدای ما همان خدای مادر موسی است
- ۱۰۷ ..... خدای مادر موسی برای زنان چه راه‌کارهایی دارد؟
- ۱۰۸ ..... استراتژیک‌ترین جای دنیا
- ۱۱۰ ..... نقشه‌ی راه خدا برای موفقیت زن
- ۱۱۲ ..... شرط خدا برای نصرت
- منابع ..... ۱۱۵**









قرآن معجزه است، و یکی از شؤون اعجازش جامعیت منحصر به فرد و عجیب و غریب آن است. خدا فرمود: ما کتاب را بر تو نازل کردیم تا همه چیز را بیان کند؛ «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ». این «همه چیز» یعنی چی دقیقاً؟! آیا همه‌ی فرمول‌های علمی را می‌شود از این کتاب بیرون کشید؟! آیا تمام رشته‌ها و سرفصل‌ها و تخصص‌ها را پوشش می‌دهد؟! آیا هر حرف متقن علمی درستی که کار بشر را راه بیندازد، سرنخش در قرآن هست؟! قطعاً به این راحتی نمی‌شود چنین ادعایی کرد. ولی حداقل از ظاهر بعضی از آیات و روایات می‌توان چنین چیزی برداشت کرد.

می‌توانیم تخفیف بدهیم و بگوییم این «همه چیز» یعنی هر آن چه که به هدایت ما مربوط است. ولی این هم خیلی ادعای بزرگی است! چون اصلاً کم نیست چیزهایی که به هدایت بشر مربوط است. تمام قوانین، نظام‌ها، ساختارها، سیاست‌ها، کلهم اجمعین به هدایت ما مربوط است. یعنی هر کدام از این‌ها را که عوض کنی، اوضاع فرق می‌کند. با تغییر قوانین و نظام‌ها و ساختارها و سیاست‌ها، نسل‌ها جور دیگری تربیت می‌شوند، هنجارها عوض می‌شوند، فرهنگ جامعه تحت تأثیر قرار می‌گیرد، و خب این‌ها به هدایت مربوط است دیگر. یعنی باز همان شد. باز سر از جامعیتی درآوردیم که باور نکردنی است!

حماد اللخام از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: به خدا قسم ما می‌دانیم در آسمان‌ها و زمین و بهشت و جهنم و بین این‌ها چه خبر است. روای می‌گوید: این را که شنیدم بهت‌زده شدم. آن‌گاه امام صادق علیه السلام سه بار تکرار کرد و فرمود: این‌ها در کتاب خدا هست، این‌ها در کتاب خدا هست، این‌ها در کتاب خدا هست؛ «إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ» بعد این آیه را تلاوت فرمود: «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ»<sup>۱</sup>. و بعد فرمود: این‌ها از کتاب خداست که بیان همه چیز در آن است. و باز درآمد: بیان همه چیز در آن است! «نَحْنُ وَاللَّهِ نَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا فِي الْجَنَّةِ وَمَا فِي النَّارِ وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ قَالَ فَنَبِهتُ [فَهَبْتُ] أَنْظُرْ إِلَيْهِ قَالَ فَقَالَ يَا حَمَّادُ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ إِنَّهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ»<sup>۲</sup>

چقدر تکرار و تأکید کرد امام صادق علیه السلام بر این واقعیت که این علوم در کتاب خدا هست و این که قرآن «تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» واقعا تبیین‌کننده‌ی همه چیز است! چرا این همه تأکید و تکرار کردند؟ لابد چون برداشت مردم از قرآن چنین چیزی نبود. الآن هم نیست! اگر هر دانش‌جوی مسلمانی برای حل مسائل پژوهشی خودش، در کنار منابع مرسوم به قرآن هم مراجعه می‌کرد، اگر مدیران سیاسی ما در کنار فکر و پژوهش و مشورت و سیاست‌ورزی، گاه و بی‌گاه به قرآن مراجعه می‌کردند یا راجع به مسائل گوناگون کشور، سفارش پژوهش قرآنی می‌دادند؛ اگر پدران

۱. همان.

۲. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۲۸.



و مادران ما برای پیدا کردن راه حل جدید برای تربیت فرزندان‌شان یا حل روابط زناشویی‌شان با کنج‌کاوی به قرآن مراجعه می‌کردند و ایده و الهام می‌گرفتند؛ اگر هر کسی هر سؤال برای پیش می‌آمد در کنار دیدن سایر منابع یا پرسیدن از کسانی که بلد کارند، از سر کنج‌کاوی به قرآن هم مراجعه می‌کرد، آن‌گاه روزانه حرف‌ها و نکته‌های تروتازه و ناب و گره‌گشایی از دل قرآن استخراج می‌شد. و آن‌گاه شواهد زنده بودن، معجزه بودن، فعال و حاضر جواب بودن قرآن چنان زیاد می‌شد که در ده‌ها جلد کتاب هم نمی‌گنجید. و آن وقت ده‌ها و صدها دوره‌ی قرآن‌شناسی و آموزش تکنیک‌های بکارگیری قرآن از در و دیوار حقیقی و مجازی جامعه‌ی ما سرازیر می‌شد! اگر این اتفاق می‌افتاد دیگر قرآن یک کتاب تزئینی یا تشریفاتی نبود، بل که جدی‌ترین وسیله‌ی زندگی مسلمانان بود و پای ثابت و وسایل هم‌راه مردم می‌شد. در آن صورت این کتاب مقدس را فقط مؤمنین با خود هم‌راه نمی‌بردند - که الآن مؤمنین هم چندان نیازی به قرآن ندارند و راحت بدون قرآن به زندگی خود ادامه می‌دهند - بل که حتی کسانی که مذهبی نیستند هم نه از سر ایمان و تعبد، بل که با نگاه کارکردگرایانه و منفعت‌طلبانه و کنج‌کاوانه قرآن را هم‌راه خود می‌داشتند و روزانه هرازگاهی به آن مراجعه می‌کردند و به شکل‌های مختلف و روش‌ها و تکنیک‌های گوناگون می‌خواندند و بکارش می‌گرفتند.

ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام بارها سعی کردند با بیان همین نکته، کنج‌کاوی ما را نسبت به قرآن تحریک کنند. فقط نگفتند قرآن بخوانید یا فلان سوره را بخوانید که اجر و ثوابش چنین و چنان است. گاهی از انبوه اطلاعاتی که در قرآن نهفته است سخن گفتند، تا بل که کنج‌کاو بشویم و از سر کنج‌کاوی قرآن بخوانیم.

اجازه دهید چند روایت تقدیم‌تان کنم. به گمانم این روایات در طول تاریخ اسلام نه در حوزه و نه در دانش‌گاه چندان جدی گرفته نشد. البته به



این سادگی‌ها هم نمی‌شود جدی‌شان گرفت. لابد نگاه کنج‌کاوانه به قرآن کمی سخت است، که به راحتی پیدا نمی‌شود و به سادگی به کسی نمی‌دهند توفیقش را. ولی خود شما خواننده‌ی محترم روایات را بخوانید و ببینید بر اساس این روایات چه نگاهی باید به قرآن داشت و چگونه باید تلاوتش کرد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند عزوجل قرآن را به این صورت نازل کرد که بیان هر چیزی در آن باشد. به خدا قسم حتی یک چیز که بنده به آن نیازمند باشد را فروگذاری نکرد. به خدا قسم هیچ چیزی که بنده‌ای بگوید کاش این موضوع هم در قرآن بود، نیست مگر این که خدا راجع به آن موضوع هم قرآن نازل کرده است؛ «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ وَاللَّهِ مَا تَرَكَ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعَبْدُ حَتَّىٰ وَاللَّهِ مَا يَسْتَطِيعُ عَبْدٌ أَنْ يَقُولَ لَوْ كَانَ فِي الْقُرْآنِ هَذَا إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ»<sup>۱</sup>.

قبول بفرمایید که هیچ وقت در جامعه‌ی ما قرآن را در این حد و اندازه معرفی نمی‌کنند، یا حداقل تلقی ما مسلمانان از قرآن هرگز در این حد از جامعیت نیست. تنزلش داده‌ایم به یک کتاب موعظه و نصیحت و همین؛ چیزی مثل گلستان سعدی که مجموعه‌ای از موعظه‌ها و داستان‌ها و حکمت‌هاست. در حالی که قرآن اصلاً چنین چیزی نیست. بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام قرآن کتابی است که هر چقدر کارمان کوچک و ریز باشد می‌تواند کمک‌مان کند. و هم چنین هر چقدر مسئله‌ی ما بزرگ و تمدنی و کلان باشد، باز می‌تواند راه‌گشا باشد. کتابی است که برای همه و در همه‌ی موضوع‌های مورد نیاز حرف دارد. شما به هر مسئله‌ای که فکر کنی، قرآن می‌تواند آن فکرت را بارور کند، یا تعدیل کند، یا اوج بدهد، یا نظرت را به چیزهایی که از دیدت پنهان بود جلب کند. چون معجزه است، و با این که کتاب خیلی قطوری نیست، جنسش جور است.

۱. المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۷.

این قدر این ویژگی قرآن و واقعیتی که داریم درباره اش حرف می‌زنیم دور از ذهن است، و این قدر باورش سخت است که هر چه از این روایت‌ها بخوانیم، باز تعجب خواهیم کرد و می‌گوییم: یعنی این قدر؟ یعنی تا این حد؟! امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مسئله‌ای نیست که دو نفر بر سرش اختلاف داشته باشند، مگر این که سرنخی در قرآن درباره اش هست، ولی عقل مردم به آن نمی‌رسد؛ «مَا مِنْ أَمْرٍ يَخْتَلِفُ فِيهِ اثْنَانِ إِلَّا وَ لَهُ أَضْلٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ لَكِنْ لَا تَبْلُغُهُ عُقُولُ الرِّجَالِ»<sup>۱</sup>. جمله‌ی آخر امام، قطعاً نهی از کنج‌کاوی نیست، چون خود قرآن به تدبر در قرآن امر فرمود. احتمالاً به این معنی باشد که هر چه شما از قرآن مطلب استخراج کنید، باز چیزهایی هست که از عقل و نظرتان دور مانده است. که اگر عقل‌تان را تقویت کنید، دُر و گهرهای تازه‌ای می‌توانید کشف کنید، ولی باز به تهش نمی‌رسید، و هم چنان عقل‌تان قد نمی‌دهد کلش را بیرون بکشید. راهش این است که هر سؤالی مسئله‌ای نیازی چیزی داشتیم، اول به قرآن مراجعه کنیم. شاید آن مسئله از آن مسائل دور از دست‌رس عقل‌مان نبود. شاید هم بود؛ کسی چه می‌داند؟ ولی به هر حال اگر زیاد در قرآن کنج‌کاوی کنیم، نکاتی را برای مان رو خواهد کرد که قبلاً رو نمی‌کرد.

از شوون اعجازی قرآن شاید این باشد که از دل فردی‌ترین آیات قرآن می‌شود نکات سیاسی و تمدنی کلان استخراج کرد، و از دل سیاسی‌ترین آیات، ریزترین و فردی‌ترین نکات را بشود فهمید. نکات و سرنخ‌های علوم مختلف را شاید لابلای داستان‌های قرآن بتوان یافت. و از آیات مربوط به رودها و دریاها شاید کسی توانست سرنخ‌های حقوقی و روان‌شناسی بیابد. مثل زمین‌شناس‌ها باید حفاری کرد و گشت و گشت، تا چیزی پیدا کرد. و از کرامت قرآن بعید است کسی در آیاتش کنج‌کاوانه بگردد و هیچ چیزی کاسب نشود.

این کتاب، تلاشی بسیار ناچیز و نگفتنی در این راستا، آن هم در ده آیه‌ی قرآن است فقط. ده آیه‌ی جهاد و مقاومتی که معمولا مردانه تفسیر و معنی می‌شود، اما خواستیم این بار نگاه زنانه به آن‌ها بیندازیم. و حاصلش شد چیزی که در دستان شماست. البته با این قید که جوری نوشته شد، که مناسب مبلغان باشد. از این رو نه صرفا داستانی و منبری شد، و نه کاملا تحلیلی و علمی از آب درآمد. چون کار نسبتا سختی بود و کننده‌اش ناقابل، قطعاً اشکال و گیر و گور، زیاد دارد.

از دوست و برادر عزیزم جناب آقای حجت الإسلام و المسلمین رضا رضای رحمتی تشکر می‌کنم که با حسن ظن و لطف همیشگی‌شان میان‌جی شدند و بنده را معرفی کردند. از برادر گرامی جناب حجت الإسلام و المسلمین حمیدرضا محمودخانی تشکر می‌کنم که اگر پی‌گیری و دل‌سوزی و راه‌نمایی‌شان نبود، این کار به انجام نمی‌رسید. از مرکز راه‌بری و هم‌آهنگی بانوان و تیم محتوایی خوب‌شان با مدیریت سرکار خانم دکتر طالبی کمال تشکر را دارم که نقدها و ملاحظات‌شان بسیار سودمند و راه‌گشا بود. و در آخر از هم‌سر عزیزم تشکر می‌کنم که در این چند روز، مثل همیشه هم‌راهم بود و حتی بعضی از کارها و مسئولیت‌هایم را فداکارانه بر عهده گرفت، تا بیش‌تر وقت داشته باشم و راحت‌تر بنویسم.

و سلام و درود و صلوات بی‌پایان خدا بر مادران و هم‌سران و دختران شهدای اسلام، به ویژه سرور بانوان اهل بهشت و مادر مقاومت و جهاد، حضرت صدیقه‌ی کبری، فاطمه‌ی زهرا و دخترشان عقیله‌ی بنی‌هاشم حضرت زینب کبری علیها السلام باد که معلم جهاد و مقاومت به همه‌ی مردان و زنان امت اسلام، بل که جامعه‌ی بشری‌اند.

سید مقدم حیدری

۲۴ بهمن ۱۴۰۳



## جلسه اول

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ  
وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ﴾

سوره حدید، آیه ۲۵

ما پیامبرانمان را با دلایل‌های روشن فرستادیم. همچنین،  
کتاب‌های آسمانی را فرستادیم و دین را که معیار سنجش  
است تا مردم قیام به عدالت کنند. و آهن را (که در ساختن  
تجهیزات نظامی و غیرنظامی به درد می‌خورد)، آفریدیم.





## سُورَةُ الْحَدِيدِ

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ  
 وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ  
 بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَيَلْعَلَهُمُ اللَّهُ مِنْ بَيْنِصْرِهِ وَرُسُلُهُ  
 بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ  
 وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ  
 وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٦﴾ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِمْ  
 بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا  
 فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابِيسَ  
 يُتَدَعَوْنَ مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ  
 فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ  
 وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ  
 وَءَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَّحْمَتِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ نُورًا  
 تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٨﴾ إِنَّمَا يَلْعَلَهُمُ  
 أَهْلُ الْكِتَابِ الْأَقْدَرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ  
 الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

## چرا پیام بر علیه، ولایت امیرالمؤمنین علیه را محکم کاری نکرد؟

تاریخ پیام بر علیه را که انسان می خواند، حرصش می گیرد که چرا گاهی حضرت علیه با منافقان شل می گرفتند و تار و مارشان نکردند؟ چرا حضرت علیه که بهانه هم داشت، منافقینی را که بعدها به اسلام خیانت کردند، ریشه کن نکرد؟! چرا آبروی شان را نبرد و رسوای شان نکرد؟ چرا بعد از جنگ تبوک که بعضی از منافقین قصد ترور پیام بر علیه را داشتند، ایشان اعدام شان نکرد؟!

تاریخ حکومت امام علی علیه هم دیگر بدتر جگر آدم را خون می کند. منافقین بد جور جولان می دادند و کارشکنی می کردند و کافی بود حضرت علیه با چند نفر زیرمیزی می بست و چند نفر را هم گردن می زد که فتنه بخوابد و کار جمع شود، اما نکردند.

پیام بر علیه می توانست مثل پادشاهان عالم، کاری بکند که مسلمانان در برابر کار انجام شده قرار بگیرند و خلافت امیرالمؤمنین علیه بدون مانع و مزاحم سامان یابد. چرا نکرد؟ خود امیرالمؤمنین علیه هم می توانست بعد از رحلت پیام بر علیه جوری پیش دستی کند و زهر چشم بگیرد که احدی خیال مخالفت و خیانت به سرش نزند. آن ها پیش دستی کردند و کارشان گرفت. خب خود امیرالمؤمنین علیه پیش دستی می کرد که کار ولایتش بگیرد! چرا نکرد؟!

## آیه ای که توپ را در زمین مردم انداخت

علت، آیه ای مورد بحث ماست. خدا فرمود: پیام بران را با نشانه ها و قرائن روشن که نشان می دهد بر حق اند و از جانب خدایند به همراه کتاب و میزان فرستادیم، نه برای این که عدالت را اقامه کنند؛ بل که تا مردم را راه نمایی

۱. در این کتاب، برخی واژه ها از جمله پیام بر، هم سر، هم راه، ره بر، بل که، خوش حال، فروش گاه، به تر، سخن ران و نظایر آن، با رسم الخطی متفاوت از شیوهی متداول نگارش شده اند. این انتخاب، بر اساس سلیقه و سبک نویسنده صورت گرفته است.

کنند و خود مردم آستین بالا بزنند و کمر همت ببندند و کار را تا برقراری کامل عدالت پیش ببرند. پیام بران و اوصیا علیهم السلام، پادشاه و طاغوت نیستند که به هر قیمتی بخواهند حکومت کنند. و حکومت پیام بران علیهم السلام و رهبران الهی علیهم السلام هم مثل حکومت پادشاهان نیست که به هر قیمتی بخواهند اوضاع را کنترل کنند و کشور را آباد کنند. مسئولیت پیام بران علیهم السلام و رهبران الهی هدایت مردم است. یعنی این مردم اند که باید خوب شوند؛ نه صرفاً کوچه و خیابان شهر. مردم اند که باید به سوی احسن تغییر کنند؛ نه صرفاً شاخص های اقتصادی کشور، آن هم بدون هیچ دخالتی از سوی مردم.

این مردمند که باید حکومت اسلامی را برقرار کنند و این مردمند که باید مواظب این حکومت باشند و از آن نگه داری کنند. و از این روست که می بینی آن جا که وظیفه ی مردم است، پیام بر علیهم السلام و علی علیهم السلام کوتاه آمدند و یکی دو قدمی عقب نشستند و نخواستند خلأ نقش مردم را پر کنند، چون نباید پر کنند. این بار، بار مردم است که اگر زیر بارش نرفتند، باید بار به زمین بخورد نه این که امام بجای مردم بردارد. سنت الهی چنین مقرر شده است که جامعه روی سعادت را با اراده و تلاش و بصیرت و صبر و جهاد فی سبیل الله می بیند؛ نه با خور و خواب و انداختن توپ در زمین رهبران جامعه.

نه پیام بر علیهم السلام نه امیر المؤمنین علیهم السلام هیچ کدام لشکرکشی نکردند تا زمام حکومت را به زور و با چنگ و دندان بگیرند. بل که به هدایت مردم پرداختند و آن گاه منتظر شدند تا مردم رشد کنند و به عقل بیایند و دودستی حکومت را به آن ها تقدیم کنند.

و درست پس از برقراری حکومت پیام بر علیهم السلام و امیر المؤمنین علیهم السلام جنگ ها تحمیل شد، تا خدا ببیند مردم تا کجا حاضرند از ولایت پیام بر و امام دفاع کنند. انقلاب اسلامی ما هم همین طور. ۱۵ سال مردم مبارزه کردند و شهید دادند و زندانی کشیدند و شعار دادند و اعلامیه پخش کردند، تا

انقلاب پیروز شد. و فردای پیروزی فتنه‌ها یکی پس از دیگری کلید خورد و یکی دو سال بیش‌تر نگذشت که جنگ تحمیلی شروع شد تا عیار مردم محک بخورد و خدا ببیند این مردم چقدر جدی پای کار نظام اسلامی ایستادند. نقشه‌ی کار می‌طلبد ره‌بر جامعه‌ی دینی پا به پای ظرفیت و بصیرت و اراده و عزم مردم پیش‌برود؛ نه بیش‌تر. و باری را که قرار است مردم بردارند، خودش بر ندارد. خدا هم قانون حاکم بر مقدرات بشر را این‌گونه مقرر فرمود که: مردم تا خودشان را تغییر ندهند، سرنوشت‌شان عوض نمی‌شود؛ ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾<sup>۱</sup>.

### برای اجرای اسلام هم توپ در زمین مردم است

بعد از برقراری نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی و اجرای احکام اسلامی باز کار دارد. این بار هم باز مردم باید از خود ظرفیت نشان دهند و پای کار اجرای اسلام بایستند و در این مسیر صبر کنند، وگرنه نمی‌شود.

حکایت مسیر سختی است که شناخت و بصیرت می‌خواهد و صبر. هم باید هم‌دیگر را به پیمودن راه حق توصیه کرد و بصیرت هم‌دیگر را زیاد کرد، و هم باید به صبر توصیه کنیم هم‌دیگر را، چون مسیر چندان راحتی در پیش نداریم.

تلقى ما از امیرالمؤمنین علیه السلام این است که ایشان بسیار قاطعانه حکومت می‌کردند و با هیچ‌کسی رودربایستی نداشتند و حق و عدالت را به‌ترین وجه اجرا کردند. در حالی که خود حضرت حدود ۳۰ مورد از بدعت‌ها و کجی‌ها را شمردند و فرمودند: اگر این‌ها را درست می‌کردم و به اصلش بازمی‌گرداندم، مردم تاب نمی‌آوردند و لشکر از هم می‌پاشید!<sup>۲</sup>

۱. رعد: ۱۱.

۲. کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۷۲۰.



الآن هم امام زمان عجل الله فرجه منتظر ماست که ظرفیت و شناخت و صبر و همت مورد نیاز را برای حکومت شان پیدا کنیم. تا اگر بخواهد عدالت و حق و قوانین اسلام را به صورت حداکثری اجرا کند، مردم تاب بیاورند و جامعه از هم نپاشد.

### نقش بانوان در برقراری عدالت اقتصادی

ما برای تحقق عدالت اقتصادی همه‌ی توپ را در زمین حاکمیت و دولت می‌اندازیم؛ در حالی که این طور نیست. مسئولیت سنگین دولت جای خود، اما ما مردم هم نقش‌های زیادی داریم، بل که بر اساس این آیه‌ی قرآن بار اجرای عدالت بر دوش مردم است. در ضمن دولت را هم ما انتخاب می‌کنیم. بخشی از این بار هم بر عهده‌ی خانم‌هاست. مثلاً مصرف خانگی را خانم‌ها مدیریت می‌کنند. به نظرتان همین که شما خانم‌ها با وسواس و تعصب تولید ایرانی را انتخاب کنید و جنس خارجی را تا می‌شود نخرید، چقدر اقتصاد کشورمان رونق می‌گیرد و چقدر سفره‌ی کارگر ایرانی‌مان بزرگ‌تر می‌شود؟! شاید آن جنس خارجی زیباتر و حتی شاید به‌تر باشد؛ ولی برای رسیدن به قدرت اقتصادی و بعدش به عدالت اقتصادی باید خودمان هم گاهی از بعضی از زیبایی‌ها و کیفیت‌ها چشم‌پوشیم و از کارگر و تولیدکننده‌ی ایرانی حمایت کنیم. شاید فلان کالای خارجی ما را بیش‌تر خوش‌حال کند و به دل‌مان بیش‌تر بچسبد یا به دکور خانه‌ی ما بیش‌تر بنشیند یا به تن‌مان بیش‌تر بیاید. ولی برای رسیدن به شادی عمیق‌تر خود و جامعه‌ی خودمان باید از این خوشی‌ها گذشت تا به آن خوشی رسید. قطعاً جامعه‌ای که بانوانش خارجی‌پسند و مارک و برندپسندند با جامعه‌ای که بانوانش مصرف داخلی را می‌خرند و برای کارگر مادری و خواهری می‌کنند، فرق است. این شما باید که می‌توانید جلوی چشم و

هم چشمی را بگیرید. و این شما باید که می‌توانید جلوی مصرف‌های غلط و زیان‌بار را بگیرید.

شما اگر به هم‌سرتان اصرار کنید و از او بخواهید که شما را به این مال‌ها و فروش‌گاه‌های بزرگ ببرد تا از آن‌جا خرید کنید، این کار را خواهد کرد. ولی اثر این کار، چیزی نیست جز این که سرمایه‌داران را سرمایه‌دارتر، و فاصله‌ی طبقاتی را بیش‌تر، و ما را از عدالت دورتر و دورتر خواهد کرد. اما اگر از یک مغازه‌ی معمولی خرید کنید، یک آدم معمولی مثل خودمان را کمک کردیم که لقمه‌نانی برای زن و بچه‌اش ببرد. اگر از مغازه‌ی سرک‌وچه‌ی خودمان لبنیات و تخم‌مرغ و خوراکی بگیریم، کمکش کردیم که اجاره‌ی خانه و مغازه‌اش را بدهد، یا قسط مدرسه و ماشینش را بدهد یا کمکش کردیم کفش و لباسی برای زن و بچه‌اش بخرد. اما اگر از این فروش‌گاه‌های بزرگ شهر خرید کنیم، آن سرمایه‌دار را کمک کردیم که یک برج دیگری بخرد و یک ماشین مدل بالای دیگری بگیرد و یک سفر خارجی تفریحی دیگر برود. فرهنگ خرید و مصرف ما خیلی تعیین‌کننده است.



سوزه‌های سخن



خاطره شهید



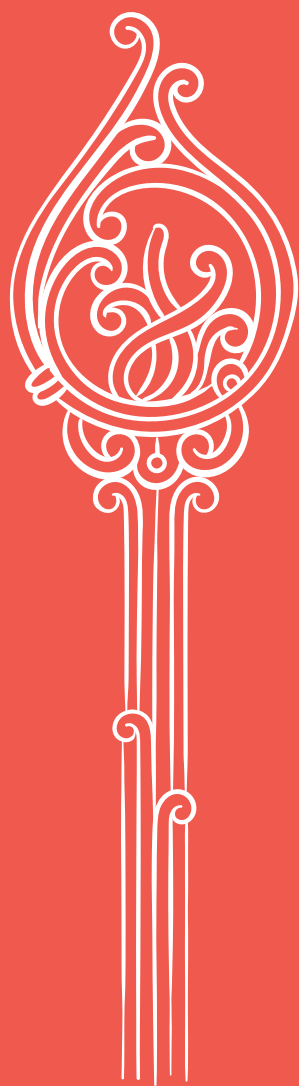
پویانمایی



یادگست صوتی



تبیین آیه



## جلسه دوم

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ  
عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾

سوره فتح، آیه ۲۹

محمد پیامبر خدا و همراهانش، در برابر دشمنان  
بی‌دین سرسخت‌اند و با خودشان مهربان.





## سُورَةُ الْفَتْحِ

مُحَمَّدَ رَسُولَ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ  
تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ  
فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْبَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي  
الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَفَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى  
عَلَى سَوْفِهِ ۖ يُعْجِبُ الزَّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ  
ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾

## سُورَةُ الْحُجُرَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ۖ وَاتَّقُوا  
اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا  
أصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ، بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ  
لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ  
يَعُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ آمَتَحَنَ  
اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ  
يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

## کتابی با حرف‌های تمام‌نشدنی برای همه

نکته‌ی عجیبی درباره‌ی قرآن از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: خداوند متعال کتاب صادقش را بر شما نازل کرد که هم احوال شما در آن است و هم احوال پیشینیان و آیندگان. و هم احوال اوضاع آسمان در آن است و هم زمین، که اگر کسی بیاید و این دانش‌ها را برای تان رو کند تعجب خواهید کرد؛ «إِنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ كِتَابَهُ الصَّادِقَ النَّازِلَ فِيهِ خَبْرُكُمْ وَ خَبْرُ مَا قَبْلَكُمْ وَ خَبْرُ مَا بَعْدَكُمْ وَ خَبْرُ السَّمَاءِ وَ خَبْرُ الْأَرْضِ فَلَوْ أَتَاكُمْ مَنْ يُخْبِرُكُمْ عَنْ ذَلِكَ لَعَجِبْتُمْ»<sup>۱</sup> شاید بشود از این حدیث چنین برداشت کرد که تمام علوم انسانی و تجربی در قرآن هست. علوم انسانی همه سراسر درباره‌ی گذشته و حال و آینده‌ی جامعه و انسان حرف می‌زنند، و علوم تجربی هم درباره‌ی زمین و آسمان و هر چه در زمین و آسمان هست. پس با هر زاویه دید و هر نیاز و تخصص و گرایش می‌شود در قرآن کنج‌کاوی کرد و به چیزهایی رسید. اما نکته این است که معارف مورد نیاز بشر، در قرآن پخش است و همه‌ی آیات را باید با کنج‌کاوی خواند. ما سوره‌ی خاصی برای تربیت فرزند نداریم، چه این که سوره‌ی خاصی برای همسررداری نداریم، و همین طور سوره‌ی خاصی برای دشمن‌شناسی نداریم. این معارف در سراسر قرآن پخش است و حالا حالاها باید گشت و جستجو کرد. فردی‌ترین نکته‌ی مورد نیاز یک انسان درون‌گرا را شاید در گوشه‌ی یک آیه‌ی اجتماعی و سیاسی پیدا کنید. و لطیف‌ترین اشاره‌ی مورد نیاز یک زن در همسررداری اش را شاید در آیه‌ی جنگ و قتال یافتید. با هم چنین زاویه‌های دیدی اگر در قرآن کنج‌کاوی و حفاری کنیم، تازه می‌فهمیم عجب کتاب معرکه‌ای است و تازه عاشقش می‌شویم.



## الگوی رابطه با خودی و غیر خودی

رابطه‌ی یاران و هم‌راهان پیام‌بر ﷺ با مؤمنان و کافران الگویی دارد. می‌فرماید: کسانی که هم‌راه پیام‌برند با خودی‌ها مهربان‌ند و با کافران سرسخت. همه را به یک چشم نمی‌بینند. بله؛ با آن‌هایی که خورده حساب شخصی دارند مدارا می‌کنند، اما با دشمنان مکتبی خیر! قرآن درباره‌ی کافرانی که دشمن‌کینه‌توز مسلمانان‌ند، هرگز توصیه به مدارا نکرده است. توصیه به مدارایش درباره‌ی دشمنی‌های شخصی است. اما با دشمنان اسلام و مسلمین باید طبق این آیه رفتار کرد و به دشمن امان نداد.

## آیا به‌تر نیست با همه مهربان باشیم؟

امروز از در و دیوار فضای حقیقی و مجازی جامعه‌ی ما از این حرف‌ها زیاد می‌شنویم که آدم باید همه را دوست داشته باشد؛ دلش برای همه بسوزد؛ با همه خوب باشد؛ با همه مهربان باشد و از این حرف‌ها. این حرف‌ها را چه کسانی می‌زنند؟ همان‌هایی که احیانا برای زن و بچه‌ی مردم غزه دل نمی‌سوزانند؛ همان‌هایی که اگر سیل و زلزله‌ای حتی در ایران اتفاق بیفتد شاید آن قدرها دل‌شان به درد نیاید؛ همان‌هایی که وقتی حاج قاسم به شهادت رسید، خون‌شان به جوش نیامد و برای‌شان مهم نبود؛ همان‌هایی که سال‌گرد حاج قاسم و حتی شهدای کرمان را بی‌خیالی طی می‌کنند و در عوض برای جان‌باختگان حادثه‌ی هواپیمای اوکراین هی سال‌گرد می‌گیرند، آن هم با فحش و نفرین! همان‌هایی که اگر خطری برای کشور پیش بیاید، آن قدر مهربان نیستند که سینه سپر کنند و خود را فدای مردم کنند؛ همان‌هایی که پایش بیفتد حاضرند بدترین فحش‌ها را نثار هم‌وطن‌شان کنند که مثل خودشان فکر نمی‌کند؛ همان‌هایی که هرگز برای همه مهربان نبودند و نیستند، اما به وقت «مرگ بر آمریکا» و

«مرگ بر اسرائیل» تازه یادشان می‌افتد که: ای وای مهربانی! بیایم با همه مهربان باشیم!

## یک قاعده‌ی ناب انسان‌شناسانه

بگذارید یک قاعده‌ی ناب انسان‌شناسانه تقدیم‌تان کنم. لابه‌لای این گفتگوهای مان اگر کمی انسان‌شناسی و معرفت‌نفس‌گیرمان آمد، به‌ترین دُر و گهری است که شکار کرده‌ایم. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: معرفت‌نفس به‌دردبخورترین دانش است؛ «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَعْظَمُ الْمَعَارِفِ»<sup>۱</sup>. از آن معارفی است که هر مقدارش گیرمان آمد، به همان اندازه هم خدا را شناختیم، هم دیگران را، و هم دین را و هم علت بسیاری از رفتارها و برخوردها را. اساساً آدم حکیم می‌شود با معرفت‌نفس.

آن قاعده‌ی ناب انسان‌شناسانه از این قرار است که: ای انسان! خدا روح و جان تو را به‌گونه‌ای آفریده که نمی‌توانی همه را دوست داشته باشی و دشمنی نکنی. نور بی‌سایه نداریم. همین که نور و یک شیء دیگری باشد، سایه هم هست. صرفاً می‌شود زاویه‌ی نور و آن شیء را تغییر داد و سایه را مدیریت کرد. اما سایه هست. دل ما دقیقاً به همین صورت طراحی و کدگذاری شده است که نصفش دوستی و نصف دیگرش دشمنی باشد. این پیکربندی و ساختار دل من و شماست. تو هر که را دوست داشته باشی، با دشمنانش بد خواهی شد. به هر چه عشق به ورزی، نسبت به نقطه‌ی مقابلش نفرت پیدا خواهی کرد. علی علیه السلام را دوست داشته باشی، دیگر نمی‌توانی دشمنانش را هم دوست داشته باشی. برای امنیت کشورت اگر حساس باشی، آن‌گاه هر که این امنیت را تهدید کند، نمی‌توانی تحمل کنی. عشق، دشمنی می‌آورد. چوپان، عاشق گله‌ی خویش است و از این رو می‌خواهد سر به تن گرگ

نباشد. اما فعال محیط زیست، کل چرخه‌ی اکوسیستم را دوست دارد، و در نتیجه‌ی گرگ را هم دوست دارد. اما به شدت دشمن شکارچی‌های غیرقانونی است. اگر هوادار تیم فلان باشی، طبیعتا کوری می‌خوانی برای تیم بهمان. هر کسی بسته به زمین بازی‌اش رقیب و دشمنی دارد و غضبش را خرج او می‌کند. حسی از دشمنی و غضب و کینه در من و شما هست که باید یک جور خرج شود. و از آن طرف حسی از محبت و مهربانی و علاقه و دوست داشتن هم هست که یک جور باید خرج شود.

بودند و هستند کسانی که با عنوان قشنگ «اسلام رحمانی» و بهمانی، خواستند فتیله‌ی برائت و دشمن‌ستیزی و «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» را بکشند پایین. اما همان‌ها کم نفرت‌پرانی نکردند در جامعه. همان‌ها کم توهین و فحش و لیچار بار این و اون نکردند. همان‌ها کم دست‌به‌یقه نشدند با این و آن.

رکورد توهین به منتقدین خودش را همان رئیس جمهوری زد که دم از اسلام رحمانی می‌زد، و با جنگ و دعوا با دشمن مخالف بود، و می‌خواست از در آشتی و لبخند وارد شود! جالب نیست؟! سخن‌رانی داریم که چنان‌آش شوری پخت از «همه را دوست داشته باشیم» و «هیچ کس را لعن و نفرین نکنیم» و «برای همه خوب بخواهیم» که حتی راضی نبود کسی برای شمر و حرم‌له عذاب ابدی بخواهد! نسبت به اسرائیل و آمریکا و بدترین جنایت‌کاران امروز بشر هم چندان حرفی از ایشان نشنیدیم. حالا فکر می‌کنید آیا ایشان واقعا با همه مهربان‌ند؟ آیا سخن‌رانی‌هایشان بدون هیچ‌گونه غضب و نفرت و برائت است؟! به هیچ وجه. اتفاقا توپ و باروت سخن‌رانی‌هایشان الی ما شاء الله است، ولی نسبت به نمازخوان‌ها، حج‌رفته‌ها، باحجاب‌ها، انقلابی‌ها و مسئولین نظام! به همین جالبی و خوش‌مزگی!

می‌دانید چرا؟ چون این خلقت و فطرت خداست که همه در جنگ‌ند؛ ولی هر کسی میدان جنگ خودش را دارد. هر کسی خاک‌ریزش را یک جا

می‌ریزد و بر اساس همان می‌جنگد. نداریم کسی را که با همه خوب باشد و همه را دوست داشته باشد. گفت: گشتیم نبود، نگرد نیست!

### **دین تولید دشمنی نمی‌کند؛ صرفاً دشمنی‌هایت را مدیریت می‌کند**

یادتان نرفته است که امیرالمؤمنین علیه السلام معرفت نفس را به دردبخورترین دانش دانستند. چه راست گفتند! ما همین یک نکته و قاعده را از وجود انسان که فهمیدیم، دربی به روی مان باز شد برای شناخت به‌تر دین. حتما شنیده‌اید که می‌گویند: دین تولید نفرت و دشمنی و جنگ و دعوا می‌کند! نخیر قربان! حیات بشر با نفرت و دشمنی و جنگ و دعوا آمیخته بود و هست. و اتفاقاً کافران و بی‌دینان خیلی بیش‌تر گردوخاکِ جنگ را بلند کردند تا دین داران. دین صرفاً آمده این جنگ و دشمنی و نفرت موجود را جهت داده و مدیریت کرده است؛ همین!

فتیله‌ی جنگ و جهاد و برائت و دشمنی با کفار را پایین می‌کشیم که چه بشود؟! که جنگ و دعوا از بین برود و در صلح زندگی کنیم؟ انگار جنگ و دعوا تقصیر دین است! و آیا تو فکر می‌کنی که دیگر جنگ و دعوا نخواهی کرد؟! حتما خواهی کرد، اما دیگر نه با دشمن، بل که با دوست خواهی جنگید. این دنیا، عالمی پر از قاعده‌های بی‌برو برگرد است و لا یمکن الفرار من حکومت این قاعده‌های عالم!

خدا می‌گوید: ای انسانی که نیروی دشمنی در وجودت نهادینه شده است و تو الا و لا بد جنگ و دعوا خواهی کرد، بیا دشمنی‌هایت را مدیریت کنم و جهت بدهم. بیا زمین جنگ و دعوایت را این‌گونه که می‌گویم قرار بده و و این جایی که می‌گویم خاک‌ریزت را بچین. اگر نخواستی، اشکالی ندارد ولی بدان تو از چنگ جنگ فرار نخواهی کرد، بل که صرفاً از جنگ درست سازنده‌ی فی سبیل الله در خواهی رفت و در دام جنگ برای طاغوت



خواهی افتاد. فکر نکن کافرانی که برای خدا نمی‌جنگند از جنگ خلاصند، خیر آنها هم می‌جنگند؛ اما برای طاغوت؛ «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ»<sup>۱</sup>

بگذارید آیه‌ی مورد بحث‌مان را یک بار دیگر ترجمه کنیم. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»<sup>۲</sup> محمد ﷺ رسول خداست، و کسانی که هم‌راه اویند هر چه دشمنی و نفرت و کینه در وجودشان هست، بر سر دشمنان کافر خالی می‌کنند. آن وقت دیگر برای خودی‌ها هیچ چیزی جز مهربانی و محبت باقی نمی‌ماند که خرج کنند. یاران و هم‌راهان رسول خدا ﷺ دوتا کار انجام نمی‌دهند. بل که چون خیلی مسلمانان و هم‌وطنان و خودشان را دوست دارند و به آنها مهربانند، نسبت به دشمنان اسلام و مسلمین سرسخت شدند. و چون هر چه دشمنی و غضب دارند آن‌ور خرج کردند، برای خودی‌ها چیزی جز مهربانی و دل‌سوزی در دل‌شان نمانده است.

### راه‌کاری برای انتخاب سیاست‌مردان دل‌سوز

بر اساس این قاعده، اگر بخواهیم در انتخابات‌ها دل‌سوزترین و مهربان‌ترین نامزد را نسبت به مردم تشخیص بدهیم و به او رأی بدهیم، باید ببینیم چه کسی از همه بیش‌تر نسبت به دشمنان سرسخت است. ببینیم کیست که یک ذره روی خوش به آن‌ها نشان نمی‌دهد. حضرت امام از بس در برابر دشمنان ما قاطع بود، از همه بیش‌تر برای مردم دل‌سوزی کرد و مهرش هم از همه بیش‌تر در دل مردم نشست. حاج قاسم عزیز ما از بس در برابر دشمن سفت ایستاد و نقشه‌هایش را یکی یکی خنثی کرد، نسبت به مردم از هر مسئول دیگری دل‌سوزتر و مهربان‌تر بود و مردم هم

۱. نساء: ۷۶.

۲. فتح: ۲۹.

از همه بیش‌تر دوستش می‌داشتند. در خیمه‌گاه امام حسین علیه السلام آن کسی که از همه بیش‌تر دل از بچه‌های حسین و همین‌طور سینه‌زنان حسین علیه السلام برد، همان کسی است که زهر چشمش از همه بیش‌تر توی دل دشمن را خالی کرد. حضرت عباس علیه السلام را می‌گوییم.

### تکنیکی که بعید است از مشاورها و روان‌شناس‌ها بشنوید

اگر داستان‌های شهدا را خوانده باشید، می‌بینید شهدا با زن و بچه و فک و فامیل و دوست و آشنای‌شان خیلی مهربان بودند. اصلاً از سر همین مهربانی و دل‌سوزی زیاد است که آدم می‌رود خود را فدای دیگران می‌کند. چرا این‌قدر مهربان شده‌اند؟ چون هر چه کینه و دشمنی در وجودشان بود بر سر آمریکا و دشمنان خالی کردند و تمامش کردند همه‌اش را. طبیعتاً برای این‌ور جز مهربانی نمی‌ماند.

از این تکنیک استفاده کنید برای زندگی‌تان. بیاید با دشمنان اسلام و مسلمین و کشورمان ایران، دشمنی کنید؛ هر جوری که بلید و می‌توانید. با خودمان عهد ببندید که هر وقت توانستیم، به آن‌ها ضربه بزنیم و کم‌کار نگذاریم. می‌دانید چه خواهد شد؟ آن وقت با همسر و فرزندان مان مهربان‌تر خواهیم شد. آن وقت راحت از عیوب و قصور و تقصیر هم‌سران مان خواهیم گذشت. آن وقت سر هر چیزی با شوهر و زن هم‌سایه و جاری و مادرشوهر و خواهرشوهر دعوی‌تان نخواهد شد، چون دعوای‌تان را جای دیگری کردید و دیگر تمام شد و رفت.

مثلاً شما با انگیزه‌های مختلفی می‌توانید حجاب را رعایت کنید. یکی از انگیزه‌ها و نیت‌هایی که امروز و در این سال‌ها فراهم است، پوشیدن حجاب از لجاج دشمن است. اگر لجاج‌بازی وجودتان را این‌جا خرج کنید، آن‌گاه برای شوهر و بچه و خانواده و دروهم‌سایه، لجاج‌بازی کم می‌آورد و قهرامهربان خواهید بود.



فرزندان تان را دشمن ستیز بار بیاورید. مثلاً برای راه‌پیمایی‌ها اهمیت قائل شوید و پای‌بند باشید به مشارکت خانوادگی تا اهمیتش را درک کنند. یا مثلاً هر وقت دولت مردان آمریکا و اسرائیل را در تلویزیون می‌بینید، لعنتی نفرینی چیزی نثارشان کنید. مثلاً هرازگاهی در حضور بچه‌ها برای نابودی‌شان دعا کنید. یا این‌که اگر یک جنس خوب آمریکایی دیدید، نخرید. این دشمنی را خودتان داشته باشید و به بچه‌های تان منتقل کنید. فکر می‌کنید این توصیه برای چیست؟! که پایه‌های نظام اسلامی تقویت شود؟! که منویات رهبری محقق شود؟! که راه شهدا ادامه پیدا کند؟! که آرمان‌ها پاس داشته شود؟! که مشتی محکم بر دهان دشمن کوبیده شود؟! که فلان شود که بهمان بشود؟! نه آقا! فعلاً حواس مان به این چیزها نیست و دودستی سفت چسبیدیم به زندگی شخصی خودمان. بچه‌های تان را اهل مبارزه با دشمن تربیت کنید نه برای این‌که سرباز نظام شوند و به شهادت برسند. که اگر رسیدند خوش به حال‌شان. بل‌که تا آمار طلاق کشور پایین بیاید! چون قرآن می‌گوید: یازان و هم‌راهان پیامبر ﷺ هر چه با کفار بدند، با خودشان خوبند. اگر بچه‌های ما با کفار بد بشوند، با خودشان خوب می‌شوند و بی‌خود و بی‌جهت بر سر هر چیزی دعوا نخواهند کرد. باورتان می‌شد این آیه برای خانواده و طلاق و مسائل خانوادگی هم حرف برای گفتن داشت؟! لابد تا قیامت فقط همین آیه کلی حرف تازه باز دارد، ولی ذهن کنج‌کاو می‌خواهد و قلب باصفا که کاش داشتیم.



سوزهای سخن



خاطر شهید



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه

## جلسه سوم

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا  
تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾

سوره مائده، آیه ۲

و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری  
نمایید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید.



## سُورَةُ الْمَائِدَةِ

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَلَةِ إِنِ امْرُؤٌ هَلَكَ  
لَيْسَ لَهُ وُلْدٌ وَهُوَ وَرَثَتُهُ وَأُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ رِثَتُهَا إِنْ  
لَمْ يَكُنْ لَهَا وُلْدٌ فَإِنْ كَانَتَا أَثْتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ  
وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ  
يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾

## سُورَةُ الْمَائِدَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ  
إِلَّا مَا تَلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنْ اللَّهُ  
يُحْكُمُ مَا يَرِيدُ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعِيرَ اللَّهِ  
وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا أَمْثِينَ الْبَيْتِ  
الْحَرَامِ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا  
وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوا عَنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ  
تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ  
وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

## نمونه‌ای از دشمنی الکی بی خود

از قدیم و ندیم مردم شهرها و روستاها، با هم دعواهای دیرینه و کینه‌های موروثی آبا و اجدادی داشتند. شهرهای کشور ما در یک زمانی، حدود ۲۰۰ سال پیش، عرصه‌ی جنگ بین حیدری و نعمتی بود. سه روز آخر ماه محرم، با خشونت به هم دیگر حمله می‌کردند. سر مسجد محل دعواها بود و گاهی اگر گروهی مسجد محل را می‌آزاست، آن یکی اگر می‌توانست، مانع‌شان می‌شد و علم و کتل‌شان را خراب می‌کرد. در بعضی از جاها دسته‌های محرم، صحنه‌ی تظاهرات زورآزمایی و رقابت حیدری و نعمتی بود. حتی پیش آمده بود که گروهی برای این که به لحاظ جمعیت از آن یکی کم نیاورد، از روستاهای مجاور کمکی می‌آورد. در تاریخ آمده که در بعضی از شهرهای کشورمان، دسته‌های زنجیرزنی محرم همیشه به دعوای خیابانی حیدری و نعمتی می‌کشید.<sup>۱</sup>

لابد آبا و اجداد، نسل در نسل، این دشمنی حیدری نعمتی را سینه به سینه منتقل کردند که سال‌ها برقرار ماند. کتب تاریخی چنین روایت کردند که به مسجد و حمام هم دیگر نمی‌رفتند و از هم دیگر چیزی نمی‌خریدند. لابد پدرها به فرزندها می‌گفتند از فلان مغازه‌دار چیزی نخر چون نعمتی است و آن یکی به بچه‌اش می‌گفت پیش فلان حمامی نمی‌روی چون حیدری است. حتی محله‌ها بر اساس همین دشمنی جدا شده بودند. مثلاً پنج محله‌ی شرقی شیراز برای حیدری‌ها بود و پنج محله‌ی غربی‌اش برای نعمتی‌ها. چهار محله‌ی شمالی شوشتر برای حیدری‌ها بود و هشت محله‌ی جنوبی‌اش برای نعمتی‌ها.<sup>۲</sup> ببینید چقدر این دعوای، اثر گذاشته بود بر روابط مردم، بر معاملات تجاری‌شان، بر چینش شهرهای‌شان، بر مراسم‌های‌شان و در یک کلمه بر سبک زندگی‌شان!

۱. یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ص ۲۸-۲۹.

۲. همان: ۱۶.



## ما پدرکشتگی دیرینه و عمیقی با یهود داریم

ولی خدا در قرآنش برای ما مسلمان‌ها دشمنی دیرینه و کینه‌توز و تاریخی معرفی کرد که از قبل از اسلام بود و تا کنون هم هست که ان شاء الله سال‌های آخرش باشد. و آن دشمن، قوم یهود یا به عبارت امروزی‌اش صهیونیست‌ها است. اگر این دشمنی و عداوت را جدی بگیریم تا کجای زندگی ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد؟! شما خواهان گرامی اگر بخواهید وارد این جنگ بشوید، چقدر سبک زندگی‌تان تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. اصلاً با شما خانم‌ها کار دارند یا خیر؟! و آیا شما نقش دارید یا خیر؟! قطعاً نقش دارید چون صهیونیست با همه‌ی امت اسلامی سر جنگ دارد، و این جنگ را همه با هم باید تجربه کنند و جلو ببرند.

## نیم‌نگاهی به تاریخ

کاری به یهودی‌های صلح‌جو که خوی استکباری و نژادپرستانه ندارند، نداریم. داریم از یهودی حرف می‌زنیم که بر اساس بعضی از شواهد تاریخی تلاش کردند پیام‌بر ما ﷺ به دنیا نیاید. بر اساس علوم و اطلاعاتی که داشتند ردّ رسول خدا ﷺ را از اجدادش زده بودند و تلاش کردند اجدادش را ترور کنند. هاشم پدر جدّ پیام‌بر ﷺ به صورت مشکوک در غزه از دنیا رفت و همان‌جا دفن شد. عبدالمطلب فرزند هاشم، نه سال در مدینه ماند و پس از آن با عمویش عبدالمطلب به مکه بازگشت که در راه مکه، مورد حمله‌ی یهودیان قرار گرفتند و به صورت معجزه‌آسا نجات یافتند. عبدالله پدر پیام‌بر ﷺ بارها هدف ترور یهودیان قرار گرفت و جان سالم به در برد. اصلاً جریان ازدواج عبدالله با آمنه از این قرار بود که پدر آمنه، وهب بن عبدمناف، دید جمعی از یهودیان عبدالله را دوره کرده‌اند و قصد کشتنش را دارند، ولی به صورت معجزه‌آسا نجات پیدا کرد. این صحنه را که پدر آمنه دید، فهمید که این جوان،

یک آدم معمولی نیست. و این شد که دخترش را به او داد تا با او ازدواج کند. حتی نقل شده که کاهنان یهودی، زنی را فرستادند و او هر روز به عبدالله پیشنهاد ازدواج می داد و او نمی پذیرفت. هدف شان این بود که نطفه‌ی پیام بر آخر الزمان در رحم این زن یهودی منعقد شود. ولی درست بعد از این که عبدالله با آمنه ازدواج کرد، دیگر پیشنهاد نداد. عبدالله پرسید: چرا دیگر پیشنهاد ازدواج نمی دهی. گفت: نوری که در پیشانی ات بود، دیگر نیست! چند ماه بعد از ازدواج عبدالله و آمنه، و در شرایطی که آمنه باردار بود، عبدالله در راه بازگشت از سفر شام، بیمار شد و باز به صورت مشکوک و مرموز در مدینه از دنیا رفت.<sup>۱</sup> و بعد از به دنیا آمدن پیام بر ﷺ دشمنی، ترور، نفوذ، توطئه و خباثت شان را ادامه دادند تا امروز.

### جنگی بین مؤمنان و بنی اسرائیل

البته یهودی‌های صهیونیست دشمن همه‌ی بشریت‌ند، ولی بیش‌ترین دشمنی را نسبت به مؤمنان دارند، به طوری که بنا بر گفته‌ی قرآن، هیچ کسی به اندازه‌ی آنها دشمن مؤمنان نیست. شاید چون بیش‌ترین خطر را همین مؤمنان برای قوم بنی اسرائیل دارند و همین بندگان صالح و مؤمن خدایند که در آخر الزمان طومار قوم بنی اسرائیل را در هم خواهند پیچید. قرآن به بنی اسرائیل خبر داد که دوبار قدرت پیدا می‌کنید و دوبار هم در زمین فساد می‌کنید و به قدرت بزرگی خواهید رسید. بار اول بندگان صالح ما به سراغ‌تان خواهند آمد و از پس توی خانه‌هایتان شما را در خواهند آورد. اما دفعه‌ی دوم که قدرت و ثروت پیدا کردید، این بار دمار از روزگارتان در خواهند آورد و روی‌تان را سیاه خواهند کرد و وارد مسجد الأقصی خواهند شد و هر آن چه بنا کردید با خاک یک‌سان خواهند کرد؛



۱. مهدی طائب، دشمن شدید، ج ۱، ص ۲۱۷-۲۱۹.

«وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لُتْفِيسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلِتَعْلَنَ أَعْلُوًا كَبِيرًا \* فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا \* ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا \* إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا»<sup>۱</sup>. در این آیات می‌فرماید: بندگان ما کار بنی اسرائیل را یک‌سره می‌کنند. و در آیه‌ی مورد بحث مان می‌فرماید: سرسخت‌ترین دشمن مؤمنان، یهود و مشرکان‌ند. خب طبیعتا هر کس که مؤمن است و می‌خواهد در جمع مؤمنان بماند، باید در این میدان وارد شود و کنار ننشیند و تماشاچی نباشد.

### مرور سخنان عجیب و رمزآلود حضرت امام علیه السلام

این سخنان حضرت امام علیه السلام درباره‌ی روز قدس که روز تجدید دشمنی ما با اسرائیل است در نگاه اول، بسیار تعجب‌برانگیز است. ولی وقتی اهمیت حضور در این مبارزه را می‌بینیم، به امام حق می‌دهیم که با چنین لحنی حرف بزند. فرمود: «روز قدس» یک روز جهانی است. روزی نیست که فقط اختصاص به قدس داشته باشد. روز مقابله مستضعفین با مستکبرین است... روزی است که بین منافقین و متعهدین امتیاز خواهد شد... روزی است که باید تمام مستضعفین را از چنگال مستکبرین بیرون بیاوریم... روز قدس روز اسلام است. روز قدس روزی است که اسلام را باید احیا کرد و احیا بکنیم، و قوانین اسلام در ممالک اسلامی اجرا بشود... روز قدس، روز حیات اسلام است... اسلام و تعالیم قرآن بر همه ممالک باید غلبه کند. دین باید دین الهی باشد، اسلام دین خداست؛ و باید در همه اقطار اسلام پیشروی کند. روز قدس، اعلام یک چنین مطلبی است، اعلام به این است

که مسلمین به پیش! برای پیشرفت در همه اقطار عالم. روز قدس فقط روز فلسطین نیست، روز اسلام است؛ روز حکومت اسلامی است. روزی است که باید جمهوری اسلامی در سراسر کشورها بیرق آن برافراشته شود... من روز قدس را روز اسلام و روز رسول اکرم می دانم... روز قدس روزی است که ما خواهیم فهمید چه اشخاصی و چه رژیمهایی با توطئه گره‌های بین المللی موافقت دارند و با اسلام مخالفت. آنهایی که شرکت ندارند مخالف با اسلام هستند، و موافق با اسرائیل. و آنهایی که شرکت کردند، متعهد هستند و موافق با اسلام و مخالف با دشمنان اسلام - که در رأس آنها امریکا و اسرائیل است. روز امتیاز حق از باطل است، روز جدایی حق و باطل است.»<sup>۱</sup>

### سال‌های آخر این جنگ را جدی بگیرید

حضرت آقا در سال ۹۴ فرمود: «اسرائیل ۲۵ سال آینده را نخواهد دید.» و در جای دیگری فرمودند: «امروز همه‌ی دنیای اسلام باید قضیه‌ی فلسطین را قضیه‌ی خود بداند. این کلید رمزآلودی است که درهای فرج را به روی امت اسلامی می‌گشاید.»<sup>۲</sup> پس لابد زمینه‌سازان ظهور، فعالان و میدان‌داران میدان مبارزه با اسرائیل‌ند. لابد امام زمان عجل الله تعالی فرجه تیم یاران خودشان را از میان کسانی انتخاب می‌کند که اهل مبارزه با اسرائیل بوده باشند. و احتمالاً چندان وقتی هم نمانده برای ما. باید بجنبیم که لااقل به ته‌دیگش برسیم.

هر چه راه‌پیمایی قدس و غیر قدس، علیه صهیونیست‌ها پیش می‌آید، دست بچه‌های تان را بگیرید و متلاطم‌تر کنید دریای تجمع‌های علیه اسرائیل را. حتی برای اهمیت مسئله دخترهای روزه‌دارتان را خیلی کوتاه و مختصر

۱. صحیفه‌ی امام، ج ۹، ص ۲۷۶-۲۷۹.

۲. بیانات در سومین کنفرانس حمایت از حقوق مردم فلسطین، ۱۳۸۵/۱/۲۵.



به راه‌پیمایی ببرید، که حداقل حضور کل اعضای خانواده ثبت بشود. در عوض کلی قربان صدقه‌شان بروید یا با هدیه‌ای از حضورشان تقدیر کنید. همین که با وسواس، مارک‌های کمک‌کننده به اسرائیل را جستجو می‌کنید و نمی‌گذارید شوهرتان بخرد، خانه‌ی خودتان را تبدیل کردید به سنگر مبارزه با اسرائیل. خوش به حال بانوانی که در این جنگ طوفان الاقصی پای کار می‌آیند و از طلاهای خود می‌گذرند، تا جبهه‌ی مبارزه با اسرائیل بیش‌تر بتواند مقاومت کند و روزهای بیش‌تری بتواند دوام بیاورد. خوش به حال زنی که در این روزهای نیاز جبهه‌ی مقاومت به پول و کمک، شوهرش را تشویق کرد که ماهانه مبلغی بپردازد. یا از بعضی از نیازهای کم‌تر ضروری‌اش گذشت تا پس‌اندازی ماهانه برای کمک به لبنان و غزه فراهم شود. همین که زن و شوهری با بچه‌های‌شان بنشینند و برای پرداخت کمک ماهانه به خانواده‌های بی‌پناه لبنانی و فلسطینی و سوری برنامه‌ریزی کنند، خود این مبارزه به حساب می‌آید. خدا را چه دیدی؟! شاید خدا این ایثار و نیت را پذیرفت و از این خانواده، سرباز و سرداری برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه قبول کرد. شاید خدا پذیرفت و از نسل و دودمان‌تان شهید قبول کرد.



سوژه‌های سخن



خاطره شهید



پویانمایی



پادکست صوتی



تیبین آیه

## جلسه چهارم

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا  
النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾

سوره بقره، آیه ۱۲۰

یهودیان و مسیحیان (منحرف) هیچ وقت از تو  
راضی نمی شوند؛ مگر اینکه دنباله رو دین شان و  
به طور کامل تسلیم خواسته هایشان شوی!



## سُورَةُ الْبَقَرَةِ

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۗ قُلْ  
 إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ ۗ وَلَئِنَّ آتِيتَهُمْ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي  
 جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۗ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١١٠﴾ الَّذِينَ  
 آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ ۗ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۗ وَمَنْ  
 يَكْفُرْ بِهِ ۗ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١١١﴾ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ حِجَابٌ  
 وَلَا يَكْفُرُونَ بِي ۗ أَنبَأْتُكَ عَلَىٰ مَا يَنْظُرُونَ ﴿١١٢﴾ وَأَتَقُوا يَوْمَ  
 لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا  
 شَفْعَةٌ ۗ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾ وَإِذْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُبُّهُ بِكَلِمَاتٍ  
 فَأَتَمَّهُنَّ ۗ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۗ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۗ قَالَ  
 لَا يَتَنَا لِعَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿١١٤﴾ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ  
 وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ ۗ وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ  
 وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ  
 ﴿١١٥﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ  
 مِنَ الشَّجَرَاتِ ۗ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ  
 فَأَمَّتَّعُهُ ۗ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ ۗ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١١٦﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

## اشتباه شایع در تلاوت قرآن

همان طور که آقایان گاهی وقتی قرآن می‌خوانند، فکر می‌کنند آیه مربوط به مسلمانان صدر اسلام است، یا با قشر خاصی از مردم کار دارد و به خودشان نمی‌گیرند، زنان هم خیلی وقت‌ها وقتی قرآن می‌خوانند فکر می‌کنند، آیه مربوط به مردان است و با آن‌ها کاری ندارد. خب این نگاه غلط است. شاید یکی از شوئون اعجاز قرآن این باشد که کتابی است صد درصد مردانه و صد درصد زنانه! کتابی است که هم به درد جوانان می‌خورد و هم سال‌مندان. هم برای عالمان حرف‌های ناب دارد هم جاهلان. هم برای مسلمانان صدر اسلام سودمند بود هم برای امروز. هم برای دنیا حرف دارد هم برای آخرت. هم به درد زندگی اجتماعی و سیاسی می‌خورد هم زندگی فردی.

فردی از امام رضا علیه السلام نقل کرد که ایشان از امام کاظم علیه السلام نقل کردند که مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و پرسید، چرا قرآن را هر چه می‌خوانیم و در درس مورد بحث قرار می‌دهیم تروتازه‌تر می‌شود؟ فرمود: چون خدا قرآن را برای زمان خاصی، یا برای مردم خاصی نازل نکرد. بنابراین قرآن در هر زمانی جدید است و برای هر قومی تا روز قیامت تروتازه می‌ماند؛ «إِنَّ رَجُلًا سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يَزْدَادُ عِنْدَ النَّشْرِ وَالِدِّرَاسَةِ إِلَّا عَصَاصَةً فَقَالَ لِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يُنْزِلْهُ لِرَمَانٍ دُونَ رَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ عَصٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»<sup>۱</sup>

زنان باید با چنین نگاه و زاویه‌ی دیدی آیات قرآن را تلاوت کنند و بخوانند که به عنوان زن و هم‌سر و مادر چه حرفی برای‌شان دارد و چه نقشی برای‌شان تعریف کرده است. باید کنج‌کاوانه بگردند که پیوست اختصاصی و زنانه‌ی پیام‌ها و نکته‌های آیات را پیدا کنند، حتی اگر آیه

درباره‌ی جنگ و جهاد باشد. کار نرفته و سختی است، ولی تک‌تک زنان مسلمان باید با قرآن بروند این راه را.

### قرآن، کتابی پر از اطلاعات ناب

نعمت فوق‌العاده‌ای را خدا با قرآن به ما داده است. قرآن فقط بیان احکام نیست. فقط بیان موعظه نیست. تنها کتاب بشارت و هشدار نیست. آن نعمت فوق‌العاده‌ای که در قرآن هست، و به این سادگی‌ها جای دیگر نمی‌توان پیدایش کرد، این است که در قرآن اطلاعات نابی هست درباره‌ی همه چیز؛ درباره‌ی دنیا، درباره‌ی آخرت، گذشته و تاریخ، قوانین حاکم بر عالم، درباره‌ی خودمان و درباره‌ی آینده. با این اطلاعات می‌توان درست انتخاب کرد و درست تشخیص داد و درست زندگی کرد.

یکی از آن اطلاعات فوق‌العاده مهم و حیاتی، اطلاعات درباره‌ی دشمن است. امروزه کشورها میلیاردها پول خرج می‌کنند تا بتوانند اطلاعات بیش‌تری از دشمن‌شان پیدا کنند. که بفهمند چه می‌کند؟ نقشه‌اش چیست؟ چه راه‌بردی دارد؟ کدام نقطه را هدف گرفته؟ نقطه‌ی ضعفش چیست؟ چه امکاناتی دارد؟ چگونه می‌شود خاموش کرد؟ چگونه می‌شود در آن نفوذ کرد؟ و چگونه می‌توان شکستش داد؟

و قرآن پر از آیاتی است که درباره‌ی دشمن صحبت می‌کند. از روحیاتش می‌گوید، از آرزوهایش، استراتژی‌هایش، از کینه‌اش، از نقاط ضعفش. و این آیات اگر چه شأن نزول‌شان درباره‌ی دشمنان پیام‌بر ﷺ است، اما در قرآن گنج‌انده و جاودانه شده‌اند تا معلوم شود دشمنان ما همه سر و ته یک کرباسند. این آیات راجع به دشمنان امروز ما هم صادق‌اند، وگرنه در قرآن نمی‌آمدند. قرآن جای معارف همیشگی است؛ نه موقتی. پس اگر در قرآن چیزی به دشمن نسبت داده شده است، لابد تا قیامت همان است که بود.

## دشمن‌شناسی، معرفتی ضروری برای زن و مرد

آیهی امروز، دارای اطلاعات فوق‌العاده مهمی درباره‌ی دشمن است. ولی قبل از این که به این اطلاعات بپردازیم، مطلبی را باید روشن کنیم. بعضی از خانم‌ها فکر می‌کنند تن‌ها مسئولیت‌شان، خانه‌داری و شوهرداری و بچه‌داری، آن‌هم به معنای بسیار عرفی و ساده و سطح پایین است. هم چنین نگاهی نه برای خانم‌ها فقط، بل که برای جامعه خطرناک است.

اسلام، فقط یک برنامه‌ی عبادی نیست. فقط هم یک برنامه‌ی زندگی نیست. اسلام یک حزبی است که می‌خواهد توحید را در سراسر دنیا پخش کند. اسلام حزبی است که تلاش می‌کند به صورت نرم و سخت، طاغوت‌های عالم را و سران کفر و شرک را سرنگون کند و عدالت و معنویت را در جهان برقرار کند. اسلام یک چنین دینی است. به همین خاطر است که در هر زمانی یک امام و رهبری دارد که جامعه‌ی دینی را رهبری می‌کند. خدا برای این حزب چشم‌انداز دارد و آن این است که روزی مستضعفان و مظلومان که اعضای این حزب‌اند، وارث قدرت و ثروت عالم می‌شوند و بساط سلطه و چپاول و ستم را برمی‌چینند؛ **﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾**<sup>۱</sup>. این دین، تمدنی ایجاد می‌کند که مثل ازدهای حضرت موسی علیه السلام دیگر مارها را می‌بلعد و نابود می‌کند. در کارزار رقابت بین ادیان و تمدن‌ها، روزی دین اسلام بر همه‌ی ادیان پیروز خواهد شد؛ گیرم کفار و مشرکین نخواهند و نپسندند؛ **﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾**<sup>۲</sup>. مسلمانان یک واحد تشکیل می‌دهند. با هم برادرند. نسبت به هم حقوقی دارند. رهبری دارند که سمت و سو، راه‌بردها، اولویت‌ها و سیاست‌ها را نشان‌شان می‌دهد. و



۱. قصص: ۵.

۲. توبه: ۳۳.

دشمنی دارند که برای شان خوابی دیده است که هر کدام از مسلمانان به فراخور توان و جای گاه شان کاری باید بکنند. در برابر هجمه‌ی دشمن دفاعی باید بکنند و در مقابل هم ضربه‌ای باید بزنند. ازین روست که قرآن امت اسلامی را حزب می‌نامد و این حزب را به خود خدا نسبت می‌دهد و پیروزی نهائی را سرانجام، از آن این حزب می‌داند؛ «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»<sup>۱</sup>.

و در این جنگ تمدنی تاریخی درازمدت، هم مردان مسلمان باید نقش ایفا کنند، هم زنان. قرار نیست همه سلاح به دست بگیرند. چه این که خود مردان هم لازم نیست، همه وارد میدان جنگ نظامی شوند. ولی همه باید در این حزب که خدا آن را حزب الله نامید، حضور داشته باشند و کاری بکنند. همه باید گارد خود را ببندند و آرایش جنگی بگیرند و عضویت در این حزب را حس کنند. همه باید شرایط این جنگ تاریخی را درک کنند و آن را لمس کنند و زندگی کنند. و همه باید دشمن را بشناسند تا بتوانند در رویش بایستند. این باید‌ها برای همه‌ی امت اسلامی و همه‌ی اعضای حزب الله است و زن و مرد نمی‌شناسد.

و هر چه این معارف اسلام ناب محمدی که اسلام انقلاب و جهاد و مقاومت است، به وسیله‌ی زنان جامعه در پس توی خانه‌ها جاگیر شود و از دامن مادران، به صورت زنانه و مادرانه و هم‌سرانه به جامعه تزریق شود، این جامعه مقاوم‌تر و انقلابی‌تر خواهد شد و به نقطه‌ی پیروزی نهائی نزدیک‌تر خواهد شد.

### دشمن ول کن دشمنی نیست

در این آیه که پای سفره‌اش نشستیم، خدا می‌گوید: یهود و نصاری - که



دشمنان سرسخت مسلمانان آن روز بودند و هم چنان هستند - از توی پیام برراضی نخواهند شد و ول کن دشمنی نیستند، مگر آن که به دین شان درآیی و اسلام را بی خیال شوی! می شود درکشان کرد و به آن ها حق داد! معارف جذاب و آتشین و پرنرژی و حیات بخش و عزت بخش و آزادی بخش اسلام، مگر به طاغوت ها، امنیت تاراج و چپاول و برده کشی و استثمار و استعمار می دهد؟! مگر طاغوتی که همه را برده و بزه می خواهد، می تواند دین اسلام را تحمل کند؟! آب اسلام و طاغوت ها عالم هرگز در یک جوی نمی رود و هرگز با هم کنار نمی آیند. در نتیجه حق با قرآن است؛ قرار نیست جنگ تمام شود، مگر این که ما بی خیال اسلام شویم که نمی شویم. تا ما مسلمانیم و قرآن و معارفش را سر دست گرفتیم، آن ها یقه ی ما را رها نخواهند کرد. جنگ، جدی تر و عمیق تر از این حرف ها است که فکر کنیم با مذاکره حل شود. سوء تفاهمی در کار نیست که بخواهیم با رفع سوء تفاهم برطرفش کنیم. مانع مزاحم موقتی در کار نیست که برطرفش کنیم و صلح برقرار شود. یک جنگ و درگیری عمیقی است که به درازای تاریخ است و ادامه دارد.

بی خود نیست که در سوره ی عصر، آمده که باید به راه حق، هم دیگر را توصیه کنیم و پشت بندش به صبر. چون این راه، سختی های تمام ناشدنی دارد. یکی از سختی هایش تمام نشدن جنگ بین حق و باطل است. چون نه ما ول کن عزت و استقلال و نفی طاغوتیم، نه طاغوت ول کن استکبار و سلطه طلبی اش. پس جنگ ادامه دارد. در آیه ی دیگری فرمود: حالا حالاها با شما می جنگند و ول کن نیستند، تا وقتی که شما را از دین تان برگردانند اگر بتوانند؛ ﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا﴾!



## پاشنه آشیل ما ندانستن این واقعیت است

سخن رانی‌های آقا و امام را ببینید؛ کاملاً منطبق بر این آیات قرآن است. هیچ وقت دشمنی آمریکا با ما را نتیجه‌ی یک سوء تفاهم نپنداشتند، چون هر روز قرآن می‌خوانند و از قرآن الهام می‌گیرند. ولی گاهی کسانی آمدند و طرح پایان دشمنی و رفع سوء تفاهم دادند و رأی آوردند. افرادی آمدند و گفتند: ما این کاره‌ایم! می‌رویم با آمریکا مذاکره می‌کنیم و کار را یک‌سره می‌کنیم و حلش می‌کنیم. ولی نتوانستند و حل نشد. و باز ما گاهی به کسانی رأی می‌دهیم که فکر می‌کنند دشمنی آمریکا با ما سرچیزهای جزئی است که می‌شود با مذاکره حل کرد. این شده پاشنه‌ی آشیل ما که مدام از آن ضربه می‌خوریم و آسیب می‌بینیم. به خاطر این نقطه‌ی ضعف، مدام گیر افراد ناکارآمدی می‌افتیم که به خاطر توهم و عدم واقع‌بینی، کشور را معطل یک مذاکره‌ی نافرجام و عقیم و بی‌نتیجه می‌کنند.

## زنان هم نقش دارند

زنان باید این چیزها را بدانند که به عنوان نصف جمعیت کشور، درست انتخاب کنند. باید بدانند این واقعیت را که بچه‌های‌شان را درست تربیت کنند. باید بدانند این واقعیت را که در جنگ فرسایشی ملت با دشمنان، کم‌نیاورند و نگذارند اعضای خانواده‌شان کم‌بیاورند. باید بدانند این را که بتوانند چراغ صبر ملت را گرم نگه دارند. چون با نیم‌نگاهی به متن زندگی و تاریخ انقلاب و تاریخ اسلام، می‌شود چنین ادعا کرد که ماشین پیش‌ران صبر و استقامت در جامعه، بانوان آن جامعه‌اند. حتی در میدان نبرد مردان هم نقش زن حیاتی است. اگر هم سران و مادران، بی‌تابی کنند و نگذارند فرزند و هم‌سرشان به میدان نبرد بشتابد، قطعاً و یقیناً این پرچم به زمین خواهد خورد. حضرت آقا فرمود: «قطعاً اگر چنانچه حضور

زن‌ها نبود، انقلاب پیروز نمیشد. من این را [بقطع می‌گویم]؛ بنده دیگر در متن مسائل انقلاب بودم. یعنی اگر در آن اجتماعات عظیم زن‌ها شرکت نمی‌کردند، انقلاب پیروز نمی‌شد. اگر زن‌ها می‌خواستند با شوهرهایشان، با فرزندان‌شان، با پسرانشان در این کار مخالفت کنند، همه چیز جور دیگری تمام می‌شد؛ در جنگ هم همین جور. انسان وقتی شرح حال این مادرها و همسرها را می‌خواند، واقعاً منقلب می‌شود؛ اینها بودند که این شجاعت‌ها را، این فداکاری‌ها را در دل‌های این جوان‌ها و این مردها زنده کردند.<sup>۱</sup>

این جنگ تمام نشدنی، فرسایشی است و باید زنان پایه‌پای مردان در آن صبر کنند و فریب وعده‌ی توهمی غیر واقع‌بینانه را نخورند. قرآن، هم از مردان توقع صبر کرد و هم از زنان. و هم به مردان صابر بشارت اجر داده و هم به زنان؛ «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»<sup>۲</sup>.

### حواس مان باشد که هدف دشمن بی‌دین کردن ماست

آن دشمنی که شبهه‌ی اعتقادی می‌سازد و منتشر می‌کند، تا ما را بی‌دین کند، مدل لباس هم برای مان طراحی می‌کند؛ سبک مهندسی و دکوراسیون خانه هم پیش نهاد می‌دهد؛ هنجار و عرف اجتماعی هم برای مان می‌سازد؛ فرهنگ سفره و غذا هم به ما القا می‌کند؛ فیلم و سریال و آهنگ هم برای گروه‌های سنی مختلف می‌سازد و به خوردمان می‌دهد؛ فضای اینستاگرام و یوتیوب را هم مدیریت می‌کند؛ روی سلبریتی‌های ما هم تأثیر می‌گذارد؛



۱. بیانات در دیدار شاعران و اساتید زبان فارسی - ۱۴۰۲/۰۱/۱۶  
۲. احزاب: ۳۵.

سبک زندگی ما را نم‌تغییر می‌دهد تا خروجی این سبک زندگی بی‌خدایی و بی‌حجابی و بی‌نمازی باشد. میخ‌ها را دانه دانه می‌کوبد تا تابوت مرگ دین ما را تکمیل کند. دشمن از هر هزار قدمی که برمی‌دارد، یک بارش شاید لو بدهد که هدفش چیست. اما قرآن عزیز ما دستش را رو کرد و خبرمان کرد که این دشمن تا بی‌دینتان نکند دست بردار نیست.

### **نقش زنان در مرزداری از سبک زندگی اسلامی بیش از مردان است**

در این هجمه‌ی همه‌جانبه‌ی دشمن، علیه دین و آیین ما، زنان جامعه بیش از مردان می‌توانند مرزدار سبک زندگی دینی باشند. خیلی فرق می‌کند خانه‌ای که مادرش پایه‌ی فیلم و سریال‌های کره‌ای و ترکیه‌ای و هالیوودی و بالیوودی باشد، که کم‌کم و نم‌نم نظام فکری مخاطب را عوض می‌کند، با خانه‌ای که مادرش پایه‌ی این فیلم‌ها نیست. خیلی فرق می‌کنند، بچه‌هایی که مادرشان روضه‌ی خانگی دوست دارد، با بچه‌هایی که مادرشان دوست ندارد. خانه را مادر می‌چرخاند و او اداره می‌کند. اگر او نتواند ماهواره را تحمل کند، پدر خانواده کوتاه می‌آید.

حساسیت‌های مادر برای بچه‌هایش واگیردار است. مادر وسواسی بچه‌های وسواسی تربیت می‌کند. و مادر تر و تمیز و مرتب و خوش‌دوق، دخترانش به او می‌روند و خانه‌دار خوبی می‌شوند. و همین‌طور مادری که به فرهنگ غرب حساسیت دارد، حساسیت‌هایش به فرزندانش نیز منتقل می‌شود.

گاهی باید مثل بعضی از خانواده‌های مسلمان آمریکایی و اروپایی کار کرد. آن‌ها همیشه حواس‌شان هست که کفر و شرک از در و دیوار شهر می‌ریزد. به همین خاطر خیلی خود را واکسینه می‌کنند. خیلی گارد خود را می‌بندند و مقیدند که خودشان در خانه برنامه‌های تقویتی و آموزشی

دینی برگزار کنند. اگر دشمنی با امکانات بالا تصمیم دارد که دین ما و فرزندان مان را بگیرد، پس ما باید با انگیزه و انرژی مضاعف مرزداری کنیم و از دین بچه‌هایمان در حد توان مان محافظت کنیم.

هر چه دشمن می‌سازد را به دید بدبینی باید دید، مگر خلافش ثابت شود. دشمنی که می‌خواهد بی‌دین مان کند، حتما برای کودکان مان نقشه‌ها دارد. اگر فیلم و کارتون ساخت، حتما منظوری دارد و خیرخواهانه چیزی نساخته است. راحت‌ترین کار برای تغییر یک ملت، به دست گرفتن تربیت کودکان آن‌هاست. و به همین خاطر یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های رسانه‌ای و سرگرمی دنیا، والت دیزنی است که از آن یهودی‌هاست. لابد کارتون‌ها را طوری می‌سازند که این کودک بعد از بیست سال، ذهنش برای دریافت مفاهیم و هنجارها و ارزش‌های غربی آماده‌تر باشد تا پذیرش معارف اسلام. خب نقش مادر خانواده این وسط چیست؟



سوزهای سخن



خاطره شهید



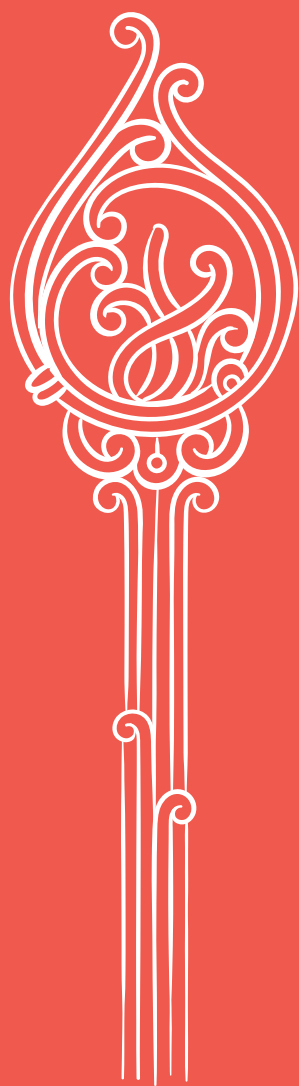
پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



## جلسه پنجم

﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ  
وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ﴾

سوره بقره، آیه ۲۱۶

چه بسا چیزی را دوست نداشته باشید، اما  
به نفعتان باشد. چه بسا هم چیزی را دوست  
داشته باشید، اما به ضررتان باشد.



## سُورَةُ الْبَقَرَةِ

كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا  
 شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ  
 لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٦﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ  
 الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ  
 اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ  
 أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ  
 يَقْتُلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ  
 يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ  
 حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ  
 النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٦٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ  
 هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ  
 اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٨﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ  
 قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ  
 مِنْ نَّفْعِهِمَا أَوْ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَكَ ذَلِكَ  
 يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿١٦٩﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

## یک قاعده‌ی کلی مهم

آیه‌ای که در محضرش می‌خواهیم توقف و تأملی کنیم، آیه‌ای است که علی‌رغم میل مسلمانان، به آن‌ها دستور جنگ می‌دهد. می‌فرماید: «کُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ». <sup>۱</sup> جنگ و کشتار بر شما نوشته شده است در حالی که می‌دانیم از آن بدتان می‌آید. این آیه بسیار مردانه به نظر می‌آید. ولی در ادامه‌ی آیه خداوند متعال پرده از قانون و قاعده‌ای برداشته است که همه‌ی انسان‌ها باید بدانند، وگرنه نمی‌توانند خوب زندگی کنند؛ چه رسد به بندگی. این قاعده را زنان اگر ندانند نمی‌توانند سختی‌های زنانه را تحمل کنند. و نمی‌توانند از سود و منفعت و برکاتی که خدا برای زنان جامعه در نظر گرفته است بهره‌مند شوند. خیلی چیزها از کف‌مان می‌رود؛ فقط به خاطر ندانستن این قاعده‌ی کلی حاکم بر نظام جامعه.

این قاعده از این قرار است؛ بسیاری از خوبی‌ها، خوشی‌ها، لذت‌ها و شیرینی‌های این دنیا، از مسیر سختی و تلخی و رنج می‌گذرد. این دنیا مثل شمال نیست که هم خودش زیباست، هم مسیرش؛ بل که مثل یک ده‌کده‌ی زیبا و خوش‌آب‌وهوا در قلعه‌ی کوه است که برای رسیدن به آن مسیر سربالا و بی‌آب‌وعلفی را باید طی کرد. برای شفا و به‌بودی داروی تلخ باید خورد. برای قوی شدن فشار و زنه را باید تحمل کرد. برای کسب مدرک بالا و کار خوب، سال‌ها باید درس خواند و شب‌بیداری کشید. برای ستاره‌ی فوتبال شدن، سال‌ها باید و دید و عرق ریخت. حتی اهداف بی‌ارزش از نگاه دینی و اخلاقی هم در این دنیا چنین‌ند. مثلاً اگر دختری بخواهد در رقص به جای‌گاه بلندی برسد، او هم نیاز به ساعت‌ها تمرین و زحمت دارد و سال‌ها باید به غذای اندکی بسنده کند و رسماً گرسنگی بکشد که وزنش بیش از حد مجاز، بالا نرود.



## قانون پایستگی رنج و لذت

در جای دیگری از قرآن، خدا بین خوشی‌ها و ناخوشی‌ها جدایی نینداخت؛ بل که این دورا در کنار هم توصیف کرد که همیشه دست در دست هم‌ند و ورد دل یک‌دیگر. فرمود: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»<sup>۱</sup> و به یک بار بسنده نکرد و دوباره تکرار کرد: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»<sup>۲</sup>. چنین نیست که پس از خوشی ناخوشی می‌آید و پس از هر ناخوشی، خوشی. بل که در کنار یک‌دیگرند، نه پی در پی هم. بار درهم‌ند که نمی‌توان به آسانی از هم‌دیگر سوای‌شان کرد.

آیه‌ای که در محضرش مهمانیم هم چیزی شبیه به این را می‌گوید. که خیلی وقت‌ها چیزی را دوست داری و از آن خوشت می‌آید، ولی به نفع نیست؛ برایت بدبختی دارد و کوفتت می‌شود. و در مقابل خیلی وقت‌ها از چیزی بدت می‌آید، ولی اتفاقاً برایت خوب است و خیرش را خواهی دید.

از آیات و روایات شاید بشود چنین برداشت کرد که خوبی و خوشی و آسانی بسته‌ای است که حتماً یکی دوتا تلخی و دشواری در کنار خود دارد. هم‌چنین بسته‌ی بلا و محنت هم تلخی محض نیست و یکی دوتا خوبی و شیرینی هم دارد. همه چیز تنظیم و بالانس است در این عالم. ما اگر قانون پایستگی ماده و انرژی را شنیده‌ایم، قرآن از پایستگی همه چیز سخن می‌گوید. کلاً همه چیز تنظیم است و حساب و کتاب دارد. فرمود: خدا برای هر چیزی حد و اندازه‌ای قرار داد؛ «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»<sup>۳</sup>. فرمود: ما هیچ چیزی را یلخی و مشت‌مشت نیافریدیم؛ بل که به اندازه آفریدیم؛ «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ»<sup>۴</sup>. لابد خوبی و خوشی و لذت هم چیزی است و در این دنیا به اندازه و دقیق، سهمیه‌بندی و تقسیم شده است. لابد ما نمی‌توانیم زیرآبی برویم و بیش‌تر



۱. انشراح: ۵.
۲. انشراح: ۶.
۳. طلاق: ۳.
۴. قمر: ۴۹.

از کوپن مان خوش باشیم و لذت ببریم. و همین طور قرار نیست بیش از حد و اندازهی کوپن مان بدبختی و رنج بکشیم. در دل همان رنج‌ها و مشقت‌ها و مصیبت‌ها خوشی‌هایی هست که حال مان را خوب می‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در هر جرعه و هر لقمه‌ای تیکه‌ای نَفَس بُرِیا گلوگیر وجود دارد؛ «مَعَ كُلِّ جُرْعَةٍ شَرَقُّ وَ فِي كُلِّ أَكْلَةٍ عَصَصٌ» بعد هم آب پاکی روی دست مان ریختند و پرده از یک قانون کلی برداشتند. فرمودند: در این دنیا به نعمتی نمی‌رسید مگر این که نعمتی از دست بدهید، و هیچ کسی یک روز عمر نمی‌گیرد مگر این که یک روز از عمرش را نابود کند، و در خوراکش هیچ چیزی زیاد نمی‌شود مگر این که از سهمیه‌ی رزقش کم شود (یعنی رزق مشخصی دارد و هر چقدر که خورد از سهمیه و کوپن رزقش بوده که باید بسوزاند تا استفاده کند) و هیچ چیزی برایش زنده نمی‌شود مگر این که چیزی از او بمیرد و هیچ چیزی برایش تازه نمی‌شود مگر این که یک چیزی از او کهنه شود، و هیچ خوشه‌ای از او نمی‌روید مگر این که خوشه‌ی دیگری از او درو شود و از پا بیفتد؛ «لَا تَتَّالُونَ مِنْهَا نِعْمَةً إِلَّا بِفِرَاقِ أُخْرَى وَلَا يُعَمَّرُ مَعَمَّرٌ مِنْكُمْ يَوْمًا مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا بِهِمْ آخَرَ مِنْ أَجَلِهِ وَلَا تُجَدَّدُ لَهُ زِيَادَةٌ فِي أَكْلِهِ إِلَّا بِنَفَادِ مَا قَبْلَهَا مِنْ رِزْقِهِ وَلَا يَحْيَا لَهُ أَنْزَلٌ إِلَّا مَاتَ لَهُ أَنْزَلٌ وَلَا يَتَجَدَّدُ لَهُ جَدِيدٌ إِلَّا بَعْدَ أَنْ يَخْلَقَ لَهُ جَدِيدٌ وَلَا تَقُومُ لَهُ نَابِتَةٌ إِلَّا وَ تَسْقُطُ مِنْهُ مَحْصُودَةٌ»<sup>۱</sup>.

دنیا این طوری است. هر چیزی را که بخواهی به دست بیاوری، باید از چیزی چشم‌پوشی. به قول صائب تبریزی «نشاط دهر به زخم ملامت آغشته است - شراب خوردن ما شیشه خوردن است این جا». هر نعمتی بخواهی بگیری، باید از یک نعمت دیگری دل بکنی. به هر لذتی بخواهی برسی باید رنجی را در کنارش تحمل کنی. بنابراین کاملاً منطقی است که بسیاری از تلخی‌ها، سختی‌ها، دشواری‌ها و ناپسند‌های این دنیا، به نفع باشد.

و جنگ و جهاد و مقاومت یکی از همین تلخی‌های دشوار است که بدون تحمل کردنش نمی‌شود به شیرینی قدرت و عزت رسید. در برابر دشمن زیاده‌خواه و متکبر اگر نایستیم و در میدان با او درنیفتیم، پررو می‌شود و در تهران، کوچه و خیابان ما را ناامن می‌کند. اگر عزت‌مندانه در میدان جنگ خون ندهیم، خون ما را ذلیلانه در کوچه و خیابان شهرمان می‌ریزد؛ بدون این که حماسه‌ای ساخته باشیم و تصویر عزت و شجاعت‌مان به دنیا و تاریخ مخابره شود. مقاومت، سختی و تلخی دارد، اما به گفته‌ی قرآن می‌ارزد به شیرینی‌های بعدش.

### فرق سبک کار خدا با طاغوت و شیطان در برخورد با زنان

خدا به زن‌ها چه می‌گوید؟ مثلاً حجاب را بر آن‌ها واجب می‌کند. که کار چندان آسانی نیست. چون حجاب فقط مصونیت نیست، محدودیت هم هست. اگر دختری بخواهد حجاب کامل خود را حفظ کند، نمی‌تواند سوپرستار شود. لااقل در بعضی از رشته‌های ورزشی نمی‌تواند قهرمان شود. حتی گاهی فروشنده و منشی و بازاریاب هم نمی‌تواند بشود. چون در بسیاری از این جور جاها دختری را می‌پذیرند که به قول خودشان با ظاهری آراسته و روابط عمومی بالا باشد. یعنی آرایش کرده باشد یا بسیار شل حجاب باشد، هم چنین اهل بگوبخند باشد و با مردان راحت باشد. حجاب کامل نمی‌گذارد زن دوچرخه سواری کند. حجاب کامل در تابستان پدر در می‌آورد. حجاب کامل نمی‌گذارد زن راحت بدود، راحت کوه‌نوردی کند، و حتی گاهی نمی‌گذارد از پله راحت بالا برود. حجاب نمی‌گذارد در هر عروسی و مهمانی‌ای که دختر دلش خواست شرکت کند. پس حجاب، هم سخت است و هم محدودیت دارد.

خدا بیش‌ترین و مهم‌ترین نقش زن را در خانه یعنی در هم‌سرداری و

بچه داری تعریف کرده است. که این هم برای بسیاری از زنان کمی سخت است. خیلی از زنان دوست دارند وارد بازار کار شوند. دوست دارند مستقل شوند. دوست دارند خودشان روی پای خودشان بایستند. دختر امروزی شاید دوست داشته باشد بعد از این همه درس خواندن وارد بازار کار شود و دستش توی جیب خودش باشد؛ نه این که زود شوهر کند و بچه بیاورد و از این همه هیجان و بروییای بیرون از خانه محروم شود. زندگی مجردی و کافه گردی دوستانه، بل که مهمانی‌های دخترپسری کیفی دارد برای خودش. ولی خدا از همه‌ی این خوشی‌ها محروم مان می‌کند.

ولی در عوض رسانه‌های غرب که رسانه‌های ولایت طاغوت‌ند، قشنگ‌تر با زنان حرف می‌زنند و این قدر محدودشان نمی‌کنند. خدا از آزادی نمی‌گوید اما غرب از آزادی می‌گوید. خدا به زن می‌گوید از شوهرت اطاعت کن، اما غرب تشویقش می‌کند که مستقل باشد. خدا زن را با حجاب محدود می‌کند، اما غرب می‌گوید هر جوری که دلت می‌خواهد بیوش و هر کاری که دوست داری انجام بده و هر شغلی را که می‌پسندی انتخاب کن و در آن مشغول شو.

### خدا با صداقت و واقع بینی با زنان سخن گفته است

ما اگر این قاعده‌ی عالم را ندانیم، فکر می‌کنیم که خدا دارد زنان را بدبخت می‌کند و غرب می‌خواهد خوش بخت شان کند. ولی برعکس است. خدا با صداقت با زنان سخن گفت و شیطان با دروغ و فریب. خدا واقع بینانه با زنان سخن گفت و غرب متوهمانه. خدا تلخی‌هایی را به زن پیش نهاد می‌دهد که بدون این تلخی‌ها و محدودیت‌ها خود زن، هیچ وقت زندگی خوشی در این دنیا نخواهد دید. سبک کار خدا منطبق بر قواعد حاکم بر عالم است. بنده‌ات می‌کند که بتوانی آزاد زندگی کنی. محدودت می‌کند

که کسی نتواند به اسارت بگیرد. بعضی از لذت‌ها را بر تو ممنوع می‌کند که بتوانی از خوشی‌ها و لذت‌های دل‌چسب و بدون آفت این دنیا بهره‌مند بشی. اما غرب درست برعکس عمل می‌کند. می‌گوید: آزاد باش. غافل از این که این آزادی آخر و عاقبتی جز اسارت و بردگی ندارد. می‌گوید: راحت باش و لذت ببر. ولی این لذت، سر از قرص اعصاب و قرص خواب‌آور و افسردگی و ناکامی در می‌آورد.

### خوشی‌های تلخ، ره‌آورد تمدن غرب

هر چه زیبایی زن دم دست‌تر و آشکارتر باشد، دودش در چشم خود زن می‌رود. آن وقت مردها احساس نیاز کم‌تری به ازدواج خواهند کرد. و هم‌چنین شوهران دل‌بستگی کم‌تری به زنان‌شان خواهند داشت. و آن‌گاه خانواده که امن‌ترین مکان زن است، فرو می‌پاشد و این زن است که از همه بیش‌تر آسیب خواهد دید. با بی‌حجابی رابطه‌ها آسان می‌شود که اتفاقی لذت‌بخش و خوش‌آیند است، ولی آن چه دیگر گیر نمی‌آید، رابطه‌ی پای‌دار است که از همه بیش‌تر زن به آن نیاز دارد.

زن اگر بخواهد مستقل شود و از زیر سایه‌ی مدیریت اقتصادی مرد در بیاید، باز این خانواده است که آسیب می‌بیند. چون خانواده با وابستگی و نیاز متقابل زن و مرد به هم دیگر سرپا می‌ماند. و هر چه زن و شوهر از یک‌دیگر مستقل‌تر شوند، به هم بی‌نیاز می‌شوند و آن وقت سرتقی‌بنای خانواده‌شان فرو می‌پاشد. حواس‌مان باشد که این تلخی‌های دین بی‌حکمت و لذت‌نیست، چه این که شیرینی‌های بی‌دینی هم بی‌آفت و بی‌نکبت نیست.



سوزة‌های سخن



خاطره شهید



پویانمایی



پادکست صوتی



تیبین آیه

## جلسه ششم

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ  
صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنِينَ مَرْصُومٍ﴾

سوره صف، آیه ۴

خداوند کسانی را که همچون سدی فولادین صف  
می‌بندند و در راهش می‌جنگند، دوست دارد.



## سُورَةُ الصَّفِّ

يَأَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ  
شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ  
بِهْتَنٍ يَفْتَرِيَهُ. بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي  
مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ  
﴿١٢﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ  
يَسُؤُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَبِئْسَ الْكُفَّارُ مِنَ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ﴿١٣﴾

## سُورَةُ الصَّفِّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ  
﴿١﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾  
كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ  
اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقِيمُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ  
بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ ﴿٤﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ  
تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٥﴾ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٦﴾  
تُذَوُّونَنِي وَقَدْ تَعَلَّمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا  
زَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

## در احساسات دینی، زنان تواناترند

گاهی دین درباره‌ی رفتار انسان سخن می‌گوید. مثلا نماز را واجب می‌کند. و گاهی درباره‌ی اندیشه و باور او می‌گوید: مثل این باور که خدا یگانه است و او خالق و رب ماست و همه‌ی ما به او باز خواهیم گشت و تا ابد یا در بهشت یا - پناه بر خدا - در جهنم زندگی خواهیم کرد. و گاهی در حوزه‌ی احساس سخن می‌گوید: مثل این که مؤمن علی علیه السلام را دوست دارد. یا هر که یک قطره‌ی اشک بر مصائب سیدالشهدا علیه السلام بریزد، بهشت بر او واجب می‌شود. کار که به احساس می‌رسد و صحبت از احساس مؤمن که می‌شود، زنان در نشان دادن این احساس، در فرهنگ‌سازی این احساس و در منتقل کردن این احساس به فرزندان‌شان توان‌مندتر و میدان‌دارترند. دلیلش هم روشن است، چون رابطه‌ی احساسی‌شان با فرزندان قوی‌تر است و خودشان احساساتی‌تر و عاطفی‌ترند.

## اسلام، دینی احساساتی

بعضی‌ها گمان می‌کنند در احساسات آزادند؛ همان طور که در انتخاب رنگ پیراهن و جوراب آزادند. این‌ها وقتی می‌خواهند بار مسئولیت را از سر خود باز کنند و توجیه کنند کارهای کرده و نکرده‌ی خود را، همه چیز را گردن دل‌شان می‌اندازند. با این بهانه که «دل است دیگر، دل که دست خود آدم نیست. از فلانی بدم می‌آید و دست خودم نیست. از این تیپ آدم‌ها بدم می‌آید. دست خودم که نیست.»! در حالی که انسان وقتی از احساسات خودش حرف می‌زند، پا گذاشته است وسط دین؛ یعنی جایی که دقیقا باید طبق الگوی دین عمل کند. ما همان طور که نسبت به اعمال و عقائدمان مسئولیم، نسبت به احساسات دل‌مان هم مسئولیم. قرار نیست فقط چشم و گوش‌مان جواب پس بدهد که چه دید و چه شنید. دل هم باید



جواب پس بدهد که از کی خوشش آمد و از کی بدش آمد؟ ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ  
 وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾<sup>۱</sup>.

قرآن، مؤمنین را که توصیف می‌کند، فقط به عمل و اعتقاداتشان اشاره نمی‌کند، بل که احساسات زیبای آن‌ها را هم به تصویر می‌کشد که در بستر دین و سبک زندگی درست دینی رشد کرده است. فرموده: وقتی سوره‌ی تازه‌ای نازل می‌شد، منافقین خشک بی‌ذوق، هیچ دل‌شان تکان نمی‌خورد و هیچ احساس افزایش ایمان نمی‌کردند و حتی مسخره‌کنان می‌پرسیدند کدام‌تان ایمانش با این سوره‌ی جدید زیاد شد؟ ولی مؤمنان هر بار که سوره‌ی جدید می‌آمد هم ایمان‌شان زیاد می‌شد و هم ذوق می‌کردند؛ ﴿وَإِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً فَمِثْمُورٌ مِّنْ يَقُولِ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾<sup>۲</sup>.

اسلام، کارخانه نیست که فقط برایش سر وقت آمدن و درست کار کردن مهم باشد، بل که برایش مهم است که دوست داشته باشی دین و احکام دینت را، دوست داشته باشی خدا و رسول ﷺ و اهل بیتش علیهم‌السلام را و دوست داشته باشی مؤمنان و خوبان و بندگان صالح خدا را. در توصیف مؤمنان بارها از احساسات‌شان گفت. از این که مؤمنان نسبت به هم حس برادری دارند؛ ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾<sup>۳</sup> و هم دیگر را دوست دارند؛ ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾<sup>۴</sup> و نه تنها هم‌شهری‌ها و هم‌وطن‌های خود را، بل که مهاجران مؤمنی را که به شهرشان پناه آوردند هم دوست دارند؛ ﴿يُحِبُّونَ مَن هَاجَرَ إِلَيْهِمْ﴾<sup>۵</sup>. مؤمنان فقط از خدا اطاعت نمی‌کنند و حساب نمی‌برند،

۱. اسراء: ۳۶.

۲. توبه: ۱۲۴.

۳. حجرات: ۱۰.

۴. توبه: ۷۱.

۵. حشر: ۹.

بل که به شدت دوستش دارند؛ **«وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»**.<sup>۱</sup> چه این که اولین شاخصه‌ی مؤمنین آخر الزمان که پایه‌های تمدن اسلامی بر شانه‌ی آن‌ها بلند می‌شود و کار امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ با نصرت این‌ها پیش می‌رود این است که رابطه‌ی احساسی و دلی با خدا دارند و دین‌شان خشک و بی‌احساس نیست؛ **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»**.<sup>۲</sup> فضای دین ما یک فضای رسمی و تشریفاتی نیست. برای همین خوبان روزگار که مؤمنان کاردرست و بندگان صالح خدایند، فقط الگوی ما نیستند بل که عزیز دل ما هم هستند. خود خدا فرمود که من مهرشان را در دل‌ها می‌اندازم؛ **«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»**.<sup>۳</sup> و سرانجام خدا مزد رسالت پیام‌بر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بر عهده‌ی احساسات ما گذاشت و آن را دوست داشتن و محبت کردن به اهل بیتِ پیام‌بر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار داد.

### خدا بر سر احساسات ما شوخی ندارد

بر خلاف تصور خیلی‌ها، حب و بغض شوخی بردار نیست. دل را باید هم‌واره تنظیم کرد، تا درست کار کند و عوضی مهر و قهرش نگیرد. وگرنه قلب را گناه‌کار حساب می‌کنند و مجازاتش هم به شدت سنگین‌تر است.

فقط از گیر جنگ و جبهه‌ی فی سبیل الله در رفتن عقوبت ندارد؛ طبق آیه‌ی قرآن همین که پدر و مادر، خانواده، فک و فامیل، سرمایه، کسب و کار و خانه‌های مان را از خدا و پیام‌بر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و جنگ و جبهه‌ی در راه خدا بیش‌تر دوست داشته باشیم، باید منتظر باشیم ببینیم خدا چه کارمان می‌کند و چه دماری از روزگارمان در می‌آورد؛ **«قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا**

۱. بقره: ۱۶۵.

۲. مائده: ۵۴.

۳. مریم: ۹۶.



أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ<sup>۱</sup> .

در دنیای زمخت و مثلاً در روابط خشک و خالی اقتصادی، شما چه با میل و چه بی میل قسطنت را بدهی کار تمام است، ولی در فضای دین چنین نیست. خدا خط قرمز بر نماز و انفاق منافقین می‌کشد، چون علاوه بر کفر به خدا و رسول، با بی‌میلی و اکراه نماز می‌خوانند و انفاق می‌کنند؛ **﴿وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ﴾<sup>۲</sup>**

گفت‌گوی هول‌ناکی را خدا بین جهنمیان و نگه‌بان جهنم روایت می‌کند. به او می‌گویند: کاری کن خدا ما را بکشد که عذاب تمام شود. او می‌گوید: نخیر هرگز؛ شما حالا حالاها در جهنم ماندنی هستید. چرا که ما پیام حق را نزدتان آوردیم، ولی بیش‌ترتان از آن بدتان آمده بود! **﴿وَنَادُوا يَا مَلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُفِرُونَ \* لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ﴾<sup>۳</sup>** گویا علت جاودانگی‌شان در جهنم این نیست که حق را نصرت نکردند؛ بل که به این خاطر است که بدشان آمده بود از حق و دوستش نداشتند. بسیاری از گناه‌ها موجب عذاب است، اما نه خلود در جهنم! اما احساسات کج و غلط، می‌تواند آدم را تا همیشه توی جهنم بیندازد. اگر کسی علی عليه السلام را نصرت نکند، گناه کرده و چوبش را خواهد خورد، اما معلوم نیست تا ابد باید در جهنم بسوزد. اما اگر کسی از علی بدش آمد چه؟! تا وقتی که مهر علی در دلش ننشیند محال است بوی یهشت را بشنود. این تیکه‌ی دین دیگر شوخی بردار نیست. برای همین یکی از دعاهای ثابت مؤمنان در خانه‌ی خدا این است که خدایا نگذار به دل‌مان دشمنی و کینه‌ای نسبت

۱. توبه: ۲۴.

۲. توبه: ۵۴.

۳. زخرف: ۷۷-۷۸.

به مؤمنان راه پیدا کند؛ ﴿وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾.<sup>۱</sup> چون این بد آمدن، مقدمه‌ی بد آمدن از راه و مرام مؤمنان است. و آن‌گاه رفته رفته از جمع مؤمنان بدمان می‌آید. کم‌کم از تیپ و ظاهرشان هم بدمان می‌آید. چند سال بعد می‌بینی کلا مسیرمان را از مسیر مؤمنان جدا شد.

### پای ثابت گزارش ما به اهل بیت علیهم‌السلام

در زیارت‌ها وقتی به خدمت اهل بیت علیهم‌السلام می‌رسیم و روبروی گنبد و ضریح‌شان می‌ایستیم، متن زیارت‌نامه‌های رسیده از خود حضرات‌شان لابد حکایت از چیزهایی می‌کند که برای خود آن‌ها مهم است. لابد اگر زنده بودند و به خدمت‌شان می‌رسیدیم از همین چیزها می‌پرسیدند و درباره‌ی همین موضوع‌ها از ما گزارش می‌خواستند. زیارت‌نامه‌ها را که مرور می‌کنیم می‌بینیم اعلام حب و بغض‌ها، پای ثابت گزارش‌های ما به اهل بیت علیهم‌السلام است. و یکی از آن پای ثابت‌ها اعلام محبت ما به شیعیان و اولیا و یاران‌شان است. «مُؤَالٍ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَائِكُمْ».<sup>۲</sup> در زیارت‌نامه‌ی امام زمان در سرداب عرض می‌کنیم: یا امام زمان هر که از شما بدش بیاید من هم دوستش ندارم و هر که شما دوستش دارید من هم دوستش دارم؛ «مَا قِتًّا لِمَنْ أَبْغَضَكُمْ وَ آدًا لِمَنْ أَحَبَّبْتُمْ»<sup>۳</sup> امام صادق علیه‌السلام به یکی از یاران‌شان یاد دادند که این طوری به خدا بگو و این طوری باش که: خدایا هر که را تو و پیام‌برت دوست می‌داری من هم دوستش دارم و هر که را تو و پیام‌برت دوستش ندارید من هم دوستش ندارم؛ «قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّبْتَهُ أَنْتَ وَ رَسُولِكَ وَ مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَهُ أَنْتَ وَ رَسُولِكَ».<sup>۴</sup>

۱. حشر: ۱۰.

۲. زیارت جامعه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۹۴.

۴. مصباح الشریعة، ص ۶۷.



## خدا مجاهدان را دوست دارد

خب احساسات نسل‌های نو به نوبه امت اسلامی را چه کسانی باید تنظیم کنند و این بار بر دوش کیست؟! به نظر شما تنظیم کردن احساسات و کوک کردن حب و بغض و مهر و قهر دل بچه‌های ما بر اساس دین خدا بیش‌تر یک کار آخوندی است یا مادرانه؟! آن کسی که احساسات قلبش از همه بیش‌تر برای کودک واگیردار است کیست جز مادرش؟!

خدا در این آیه‌ی شریفی که در محضرش نشستیم می‌فرماید: خدا مجاهدان فی سبیل الله را که در یک صف پشت سر هم مثل یک دیوار محکم ایستاده‌اند دوست دارد. لابد فقط جهاد کافی نیست، باید مجاهدان را هم دوست داشت، وگرنه کار اسلام و مسلمین پیش نمی‌رود. جامعه‌ی ما اگر بخواهد در راستای رسیدن به قله‌ی عزت و کرامتش جهاد و مقاومت کند، این کار سخت، گویا پیوستی از جنس احساسات و عواطف هم لازم دارد. مردم برای این که بتوانند این مسیر را ادامه بدهند و وسط راه نبرند، باید هم جهاد را دوست داشته باشند هم مجاهدان را؛ هم دفاع مقدس را باید دوست داشته باشند هم رزمنده‌ها و شهدا و جان‌بازان را. و هیچ کس به‌تر از مادر نمی‌تواند محبت چیزی را در دل بچه‌اش بکارد.

اگر مادری سال‌ها در کنار بچه‌هایش فقط فوتبال و سریال تماشا کرد و بیش‌تر سلبریتی‌ها را دنبال کرد، طبیعی است که بچه‌اش در آینده بجای حاج قاسم و سید حسن نصرالله، فلان سلبریتی را دوست داشته باشد و از او تأثیر بگیرد.

روز قیامت خدا همه‌ی هیجان‌ها و احساسات عمیق‌مان را که بروز دادیم نشان‌مان خواهد داد. و آن‌جا معلوم می‌شود که احساسات‌مان چقدر تنظیم بود و چقدر نبود. مردان جامعه باید اهل جهاد و مقاومت باشند. ولی حداقل کاری که یک زن در خانه باید بکند این است که وقتی

صحنه‌ی جهاد مجاهدان را در تلویزیون می‌بیند، زنانه و مادرانه محبتش را به آن‌ها ابراز کند، تا برق این محبت، بچه‌هایش را هم بگیرد. بین جوانی که جهاد و مجاهدان را دوست دارد، و جوانی که دوست ندارد تومنی نه قران فرق است. و جامعه‌ای که شهدا و رزمنده‌هایش را دوست می‌دارد و قدرشان را می‌داند، یکی دوتا سر و گردن از بقیه‌ی جامعه‌ها بالاتر و به قله‌ی عزت و عظمتش نزدیک‌تر است.

گاهی دست دختر و پسر و حتی هم‌سرتان را بردارید و به زیارت خانواده‌های شهدا بروید. همیشه بعد از این که دل‌تان گرفت و حوصله‌تان سر رفت، پیش‌نهاد گردش و بازار و پارک و بوستان و دور دور ندهید. گاهی دست بچه‌های‌تان را بگیرید و بروید گل‌زار شهدا. حضرت امام درباره‌ی گل‌زار شهدا می‌فرماید: «و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دل‌سوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود.»<sup>۱</sup> گاهی برای کودکان‌تان از قصه‌ها و خاطرات شهدا تعریف کنید. به هر حال مقاومت یک کشور، فقط در گرو ساخت سلاح و موشک و آموزش نظامی نیست. این چیزها را هم می‌خواهد که بخشی از بارش بر دوش بانوان است.



سوزدهای سخن



خاطره شهید



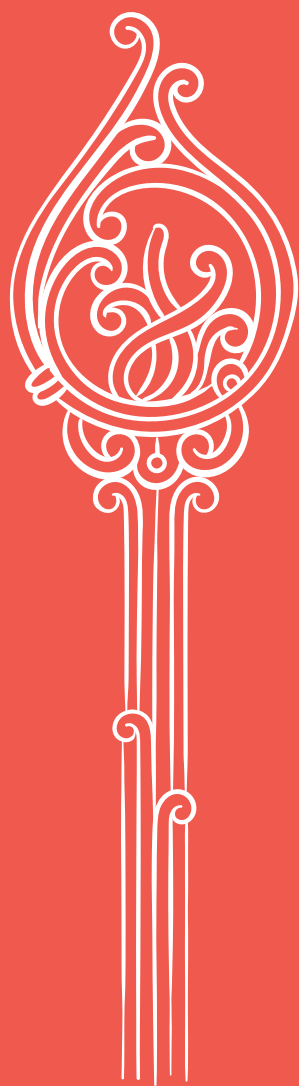
پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



## جلسه هفتم

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا  
اللَّهَ عَلَيْهِمْ فَمِنْهُمْ مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ  
مَّن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾

سوره احزاب، آیه ۲۳

در میان مؤمنان، رادمردانی هستند که بر سر عهدشان با خدا (برای فرار نکردن از میدان جنگ)، صادقانه ایستادند. برخی شان شهید شدند و برخی منتظر شهادت اند. اینان به هیچ وجه تغییر عقیده ندادند.





## سُورَةُ الْأَنْجُرِ

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن  
 قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا أَتِدْيَالًا ﴿٢٣﴾ لِيَجْزِيَ  
 اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِن شَاءَ أَوْ  
 يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٢٤﴾ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ  
 كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَىٰ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ  
 الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ﴿٢٥﴾ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِّنْ  
 أَهْلِ الْكِتَابِ مِّنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ  
 فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ﴿٢٦﴾ وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ  
 وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطُوعُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ  
 شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكِ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ  
 الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعَنَّ وَأَسْرَحَنَّ  
 سَرًا حَاجِمِيلًا ﴿٢٨﴾ وَإِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ  
 الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾  
 يٰ نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضْلَعْف  
 لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿٣٠﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

## زیباترین تصویرسازی دنیا

مربیان کسب پول و ثروت می‌گویند اصلا راهش این نیست که صبح تا شب فقط کار کنید و جان بکنید. بیش از هر چیزی باید خودت را به عنوان یک ثروت‌مند بالقوه ببینی و قبول داشته باشی و به آن نقطه اشتیاق سوزان داشته باشی. می‌گویند: ذهن‌تا را روی مقدار دقیق پولی که در نظر دارید، متمرکز کنید. با تمرکز با معطوف کردن توجه‌تان، افکارتان را به طرف این مقدار پول هدایت کنید تا واقعا شاهد ظاهر شدن فیزیکی این پول باشید. این کار را حداقل یک بار در روز انجام دهید.<sup>۱</sup> می‌گویند: بزرگان‌دیشان در خلق تصاویر مثبت، خوش‌بینانه و نویدبخش در ذهن خود و دیگران خبره‌اند.<sup>۲</sup> بعضی‌ها به خاطر اهمیت تصویرسازی، توصیه به نوشتن اهداف و آرزوها هم می‌کنند. نوشتن آرزوها و اهداف اولین قدم مهم به سمت دست پیدا کردن به آن‌هاست. اول به این دلیل که نوشتن آن‌ها مجبورتان می‌کند اهداف‌تان را تصویرسازی کنید. دوم به این دلیل که عمل نوشتن آن‌ها تعهدی نسبت به آن‌ها در شما ایجاد می‌کند.<sup>۳</sup>

ولی مؤمن هدف مهم‌تری دارد و آرزوی قشنگ‌تری در ذهن و دلش می‌پرواند. هویت مؤمن بسته عضویتش در جبهه‌ی حق است، نگرانی‌اش این است که نکند روزی توفیقش سلب شود و از راه به در شود و از جمع خوبان بیرونش کنند. و نکند در جنگ تمدنی و تاریخی اسلام و کفر، کنار بماند و هیچ نقشی نگیرد. این‌ها آرزوها و نگرانی‌ها و اشک‌های مؤمن است. اگر مرد است می‌خواهد خدمتی کند و باری بردارد و در میدان بجنگد و شهید شود. اگر زن است باز می‌خواهد در صحنه باشد و کاری بکند و سربازی در دامن خود تربیت کند و شهیدی تقدیم اسلام کند. در

۱. ناپلئون هیل، بیندیشید و ثروت‌مند شوید، ص ۹۴.

۲. دیوید جوزف شوارتز، جادوی فکر بزرگ، ص ۱۱۰.

۳. هنریت کلاوسر، بنویس تا اتفاق بیفتد، ص ۴۵.



این مسیر مردان و زنانی بر عهد خود ثابت قدم ماندند و گناه نکردند و عقب ننشستند و بی‌تابی نکردند و مجاهدت کردند، آن‌گاه بعضی‌ها به شهادت رسیدند و بقیه به انتظار شهادت چشم‌انتظار نشستند و هی آرزویش کردند و تصویرش را در ذهن پروراندند.

### برگردیم به ۱۳۹۰ سال قبل!

به رسم فیلم و سریال‌های تخیلی فرض کنید با ماشین زمان شما را برگردانند به حدود ۱۳۹۰ سال پیش! چشم باز می‌کنی و می‌بینی در کوفه‌ای و تاریخ، نیمه‌ی دوم دهه‌ی پنجاه هجری قمری است! حاکم مسلمین معاویه است و امام شیعیان امام حسین علیه السلام. و قرار است هر آن‌چه در تاریخ رخ داد، رخ دهد. با این تفاوت که این بار، تو شنونده و خواننده‌ی تاریخ نیستی، بلکه ناظر و حاضر و شاهد ماجرای و از آن بالاتر نقشی در حوادث هم ممکن است داشته باشی.

تو از آینده برمی‌گردی؛ از هیئت‌ها، عزاداری‌ها، سینه‌زنی‌ها، پرچم و علم و کتل‌ها، دهه‌های محرم و صفر، هیئت‌های هفتگی، زیارت عاشورا و اربعین، بین الحرمین و خیلی چیزهای دیگر؛ بی‌آنکه ذهنت پاک شود. دقیق همه چیز یادت هست و می‌دانی چه اتفاقی قرار است بیفتد.

در کوچه پس کوچه‌های کوفه قدم می‌زنی و حساب می‌کنی پنج - شش سال دیگر واقعه‌ی عاشورا است. درست پنج - شش سال دیگر امام حسین علیه السلام به گودی قتل‌گاه خواهد رفت و اهل بیت او را اسیر خواهند کرد و همین‌جا در همین شهر در همین کوچه و خیابان خواهند آورد. و تو نمی‌دانی در آن ساعت کجایی! آیا سرافراز و دست‌بسته در کاروان عزت اسرای کربلا در کنار حضرت زینب و رباب و سکینه و رقیه‌ای، یا محروم و ناکام و بدبخت، در کنار مردان و زنان کوفه، سرافکنده و ضعیف و ذلیل،

دستان بسته‌ی زینب علیها السلام را خواهی دید و هیچ غلطی نخواهی کرد. این سؤال یک لحظه هم نمی‌تواند رهایت کند.

اهل کوفه، خوب و بدشان همه آرام به زندگی روزمره خود ادامه می‌دهند. به هیچ کدامشان هم نمی‌آید که این قدر پست یا این قدر خوب باشد. دلت مثل سیر و سرکه می‌جوشد و روزها را تا روز عاشورای ۶۱ هجری با شمارش معکوس سپری می‌کنی.

نه می‌توانی عمر بن سعد و شمر را که راست راست در کوچه‌های کوفه راه می‌روند، سر به نیست کنی، و نه حیا اجازه می‌دهد به دست و پای حبیب بن مظاهر و مسلم بن عوسجه و حتی حر بن یزید ریاحی بیفتی و از خاک پایشان برای چشمانت سرمه برداری. گاهی که کوچه‌های کوفه خلوت می‌شد، وقتی از کنار درب خانه‌ی حبیب رد می‌شوی، درب خانه را می‌بوسی و خدا خدا می‌کنی کسی از اهل خانه یا ره‌گذری نبیند تو را! چقدر دوست داری با همه‌ی شهدای کربلا و هم‌سران‌شان در این شهر آشنا و رفیق شوی. اما حیف که خودشان هم چندان هم دیگر را نمی‌شناسند. فقط تویی که می‌دانی چه مردان و زنان پرقیمتی هستند در میان انبوه نامردان شهر.

آن چه می‌دانی که همان واقعه‌ی کربلاست و آن چه نمی‌دانی که سرنوشت تو در این واقعه است، خواب از چشمت ربوده است. هم امید به شهادت پای رکاب امام حسین علیه السلام بسیار شیرین و انرژی‌بخش است، و هم ترس از ناکامی و عدم توفیق و جا ماندن از کاروان شهدای کربلا بسیار جان‌گاز و هول‌ناک است. هیچ کدام از این امید و ترس رهایت نمی‌کنند و چه اشک‌ها که از چشمت نگرفته‌اند.

هر از گاهی تا فرصتی پیش می‌آید به کربلا می‌روی که فعلا نخلستان و بیابانی بیش نیست؛ به دشواری سعی می‌کنی موقعیت قتلگاه، زیر قبه‌ی

امام حسین علیه السلام، بین الحرمین، خیمه‌گاه و تل زینبی را تشخیص دهی. وای خدایا چند سال دیگر، جمع خوبان عالم، شب عاشورا همین جا جمع خواهد شد و آقا و سالارشان شهادتنامه‌شان را امضا خواهد کرد. از خود می‌پرسی: آیا من هم در این کاروان خواهم بود؟! آیا زینب مرا به جمع زنان و دختران حسین و یارانش راه خواهد داد؟ و راستی آنگاه که حسین علیه السلام بیعت و تکلیف را یکجا از یارانش بگیرد و راهیشان کند که بروند و تنهایش بگذارند، من چه بگویم؟ نمی‌دانم.

خودت هم سعی کن آن روزها را توصیف کنی؛ حدس بزن چه اتفاقی خواهد افتاد؟ زندگی‌ات چگونه خواهد بود؟ اوج دلهره و نگرانی و شوق و تمنا و خوف و رجا همه یک جا در دلت ریخته و فقط خدا می‌داند چقدر اشک می‌گیرد از آدم این احساسات متضاد.

سعی کن دعا و تمنای شهادت در رکاب امام حسین علیه السلام یا اسارت در کنار حضرت زینب علیه السلام از فکر و ذهن و قلبت جدا شود. مگر می‌شود؟ فرصت یکی از اصحاب الحسین علیه السلام شدن مگر چیز کمی است؟! قرار است با سلام بر اصحاب الحسین علیه السلام در زیارت عاشورا میلیون‌ها زائر محب اهل بیت علیه السلام رشد کنند و به کمال برسند. قرار است امام زمان عجل الله تعالی فرجه شب‌های جمعه زائر حسین و اصحابش از جمله تو باشد، می‌فهمی؟!

### وصف نماز آن روزهایت

تعریف کن ببینم نمازت چگونه می‌شود آن روزها! نمازت دیگر بهانه‌ای است تا با مناسبت و بی‌مناسبت تک‌آرزویت را با خدا مرور کنی؛ تو دیگر همه‌ی افعال و اذکار نماز را به همین بهانه و نگاه و با همین خوف و رجا می‌خوانی و انجام می‌دهی. این تنها معنای زندگی توست و همه چیز را همین جور معنی کنی.

«الله اکبر» که می‌گویی، تمنا و دعا و روضه خوانی ات شروع می‌شود؛ ای خدای بزرگی که سالاری چون حسین علیه السلام فدای تو شد... ای خدایی که از همه‌ی اسباب و مقدرات و قید و بندها بزرگتری و من حقیر و کوچک را هم می‌توانی تا مقام نصرت امام حسین علیه السلام بالا ببری.

«الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» ای خدای مهربانی که برای بعضی از بندگانت رحمت خصوصی یواشکی داری! بگو با کدام رحمت اصحاب امام حسین علیه السلام را انتخاب می‌کنی؟!

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» ای صاحب روز جزا و قیامت؛ ای کسی که طراحی کرده‌ای حسین علیه السلام بی سر وارد صحرای محشر شود تا همه بفهمند زینب چه بر سر نیزه‌ها دید! ای خدایی که در روز قیامت، حسین و اصحابش را به صورت ویژه و با هیئتی خاص محشور خواهی کرد، و همه‌ی شهدا در روز قیامت به مقام شهدای کربلا غبطه خواهند خورد.

«إِنَّا لَنَعْبُدُ وَإِنَّا لَنَسْتَعِينُ» خدایا می‌دانم که توفیقی گنده‌تر از هیکلم از تو می‌خواهم. می‌دانم گروه خونی‌ام به این حرف‌ها نمی‌خورد. می‌دانم این لقمه گنده‌تر از دهانم است. ولی از تو مایه گذاشته‌ام و امید به لطف تو بستم.

«أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» خدایا مرا به آن راه راست قشنگ و باصفا راهنمایی کن. همان راهی که آخرش زهیر بن قین و هم‌سرش را به آن راه هدایت کردی. راهی که چند سال دیگر، شب عاشورا به خیمه‌ی حسین بن علی علیه السلام منتهی می‌شود؛ راه خیمه‌گاه تا قتل‌گاه. من و هم‌سرم را به همین راه هدایت کن.

«صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» خدایا راه راستی که پاتق خوبان عالم است. و اساسا دلبستگی‌ام به آن راه به خاطر همان‌هاست. حسین و عباس و علی اکبرش همه آن‌جایند و یاران‌شان در کنار آن‌ها. انبیا و اولیا و اوصیا و دیگر شهدا هم جمع‌شان جمع است. راه کسانی که چند سال دیگر، شب عاشورا در یک خیمه کنار حسین علیه السلام جمع

می‌شوند و هر چه او اصرار می‌کند که بروید، نمی‌روند. چه راه باصفایی! در سلام نماز خصوصا آنجا که می‌گویی: «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» به وجد و شوق می‌آیی، چرا که تو و خوبان عالم در یک جمله کنار هم قرار گرفتند و مخاطب یک سلام. و در کنار این شوق و ذوق، تصور این که روزی از قافله‌ی خوبان عقب بیافتی و از آنها جدا شوی، مثل کابوسی وحشتناک پریشان‌ت می‌کند. گاه و بیگاه گریه می‌کنی و طبیعتا در هر زمان و زمینی، خصوصا در اوقات استجاب دعا فیلت یاد هندوستان کربلا می‌کند. نماز می‌خوانی به امید روزی که در نماز ظهر عاشورای امام حسین علیه السلام حاضر باشی و آخرین نمازت را آنجا بخوانی.

### وصف تلاوت قرآنت

قرآن که تلاوت می‌کنی باز با همین حس و حال می‌خوانی. سعادت نزد تو چیزی جز نصرت امام حسین علیه السلام نیست. شقاوت هم چیزی غیر از از دست دادن این توفیق نیست. حیا طیه همان است که قبل از شهادت، لقب اصحاب الحسین علیهم السلام بگیرد و چند صباحی در کنار زینبش نفس بکشی و روزشماری کنی برای فدای حسین شدن. کیف دنیا و آخرت همین است و بس. و هر چه داستان در قرآن می‌خوانی به شکلی برای تو یادآور داستان کربلا است. انگار مقتل می‌خوانی نه قرآن.

داستان بعثت حضرت موسی علیه السلام آتش به جانت می‌زند که موسی علیه السلام بی‌خبر و بی‌هیچ امید و حدس و گمانی با خانواده‌اش حرکت می‌کرد و راه را گم کرد، و آخر داستانش چه زیبا و باشکوه تمام شد؟! متنهای امیدش این بود که از آن آتش، چراغ‌راهی بسازد و بس، چه می‌دانست که خدا نقشه‌ها برایش کشیده بود و قرار بود، با خدا هم‌سخن شود و از این به بعد پیامبر کلیم الله شود!

داستان سحره‌ی فرعون را هم که می‌خوانی نمی‌توانی جلوی اشکت را بگیری. عجب تقدیری برایشان رقم خورد؟! عجب لطفی شامل حالشان شد؟! آمده بودند حال موسی را بگیرند، یک دفعه هم حال فرعون را گرفتند، و هم توفیق شهادت را! کلا هر لطفی که خدا به کسی کند، یاد لطفی می‌افتی که از خدا طلب داری؛ یاری امام حسین علیه السلام! و مثل همیشه های های گریه می‌کنی!

### وصف احیا گرفتنت

شب احیا نه مداح می‌خواهی و نه روضه‌خوان. خودت به اندازه‌ی کافی درد دل با خدا داری، به اندازه‌ی کافی آرزو و امید داری، به اندازه‌ی کافی ترس و خوف داری. دعای جوشن را مثل سرود نمی‌خوانی؛ هر اسمی بهانه‌ای برای تکرار همان چانه‌زنی همیشگی تو با خداست. هر صفتی فرصتی برای اصراری دوباره تجدید درخواست است. وقتی خدا را صدا می‌زنی منظور داری و همان نقطه را هی می‌زنی، تمرکز داری و ذهنت به چپ و راست نمی‌زند. آمده‌ای شب قدر یک چیز بگیری و بروی. **يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ** خواسته‌ی مرا هم بده **يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ** درسته من لیاقت ندارم و باید همین پایین مابین‌ها باشم، ولی درجه‌ی مرا به سطح اصحاب الحسین علیهم السلام بالا ببر **يَا غَافِرَ الْخَطِيئَاتِ** می‌دانم کلی گناه کردم که هر کدامشان کافی‌اند که مرا از این توفیق محروم کنند، ولی خب تو می‌توانی جوری این گناهان مرا ببخشی که دیگر هیچ مشکلی نباشد و به جایی بر نخورد **يَا مُعْطِي الْمَسْأَلَاتِ** خدایا من مسألات ندارم یک حاجت و درخواست دارم و آن را می‌دانی **يَا قَابِلَ التَّوْبَاتِ** خدایا توبه‌ی مرا قبول کن و آثار گناهم را هم از بین ببر و اجازه بده من هم به جمع یاران کربلا راه پیدا کنم **يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ** خدایا هر روز دارم از تو این حاجت را می‌خواهم و امشب شب قدر است





و حاجتم همان است که بود گوش کن يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ خدایا تو خوب می دانی چه می خواهم، خوب می دانی معنی این گریه هایم چیست يَا دَافِعَ الْبَلِيَّاتِ خدایا بزرگ ترین بلا برای من همین است که مرا از این توفیق بزرگ محروم کنی. این بلا را از من و خانواده ی من برطرف کن آقای من.

### وصف جهاد آن روزهایت

در آن سال های قبل از عاشورا هرزمینه ی کوچک و بزرگی را که برای جهاد مناسب می بینی، دریغ نمی کنی، بلکه خدا دلش بسوزد و بگوید عیبی ندارد، خیلی زحمت کشیده ای، باشد، بیا برو تو هم در صف اصحاب الحسین علیهم السلام قرار بگیر. به هر فقیری کمک می کنی بل که خدا راضی شود. هم سرت را هر روز خوش حال می کنی بل که خدا خوش حالت کند. هی از لباس و انگشتر و جواهرات و دوست داشتنی هایت دل می کنی و به این و آن می بخشی بل که بگیری از خدا آن چه را که می خواهی. بدون آن که چندان سخنرانی و دوره و کلاس درسی دیده باشی همین میل شدید و امید به نصرت امام حسین علیهم السلام تو را به تکاپو انداخته و خواب و قرار را از چشم و تنت گرفته است.

### وصف توبه و استغفار

و صد البته در آن سال ها بسیار استغفار می کنی. با خود می گویی: کسی چه می داند؟ شاید چند گناهی در صحیفه ی اعمالم هست که همان ها این توفیق بزرگ را از من خواهند گرفت. پس تا دیر نشده استغفار کنم و مانع زدایی کنم. بارها فرصت گناهی پیش می آید که فقط و فقط به خاطر جا نماندن از سفینه النجاة حسین علیهم السلام، خودداری می کنی و چشم می پوشی. و چنان چه به گناهی آلوده شوی زود توبه می کنی و بسیار استغفار و گریه می کنی بلکه خدا راضی شود و با این گناه توفیقت را نگیرد.

## این فرض خیالی، کاملا واقعی است

شاید بگویی بله خب من اگر به سال‌های قبل از عاشورا برگردم، آن وقت می‌توانستم این امید و انرژی را داشته باشم، ولی الآن دیگر نمی‌شود!

اتفاقا روزگار امروز ما، از جهتی شبیه‌ترین وضع به آن شرایط خیالی بازگشت به دوران قبل از عاشورا را دارد. ما امروز آینده را می‌دانیم. می‌دانیم که در آینده امام زمان ظهور خواهد کرد. و خدا را چه دیدی؛ شاید این آینده، بسیار نزدیک باشد. و می‌دانیم که این سال‌ها امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک دارد تیم یارانش را می‌بندد! می‌دانیم چند سال دیگر - دیر یا زود - ظهور می‌کند و افرادی به یاری او کمر خواهند بست! لابد شب‌های قدر این سال‌ها، شب‌های پذیرش و تقدیر سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک است! حتما شهدای قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک اولیای نعمت همه‌ی برکات حکومت جهانی او خواهند بود و در همه چیز شریک و سهام‌دارند!

این آگاهی‌های قطعی و بی‌برو برگرد کافی است که باعث شود بیشتر تقلا کنیم و بیشتر بخواهیم و التماس کنیم و گریه کنیم. خوف این صحنه‌ی روز قیامت در حدی شدید هست که بتواند خوراک ده‌ها ساعت گریه و اشک ما را تأمین کند. و آن این که روز قیامت ما را با بعضی از شهدای قیام جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک مقایسه کنند و ببینیم این شهید هیچ فرقی با ما نداشت الا این که بیشتر التماس می‌کرد و بیشتر از خدا می‌خواست و طبق آیه‌ی مورد بحث ما بیش‌تر انتظار کشید!



سوره‌های سخن



خاطره شهید



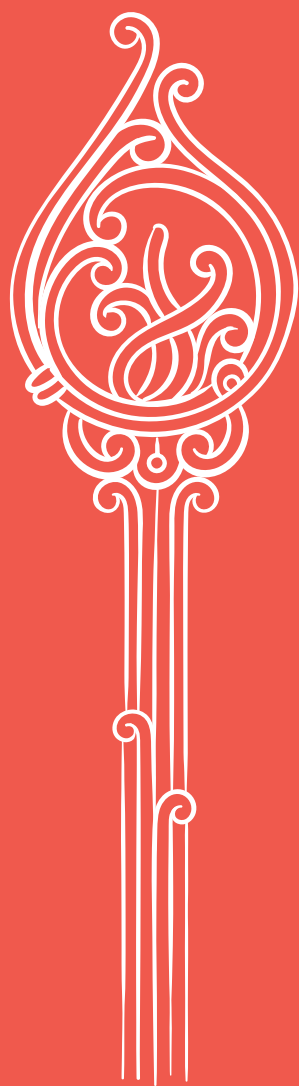
پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



## جلسه هشتم

﴿فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ﴾

سوره هود، آیه ۱۱۲

پس همان طور که مأموریت یافته‌ای، ثابت قدم باش. کسانی هم که با تو رو به سوی خدا آورده‌اند، ثابت قدم باشند.



فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ  
 آبَاءَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوفُونَ هُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ  
 ﴿١٠٩﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَأَخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ  
 سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ  
 ﴿١١٠﴾ وَإِن كُلاً لَمَّا لِيُؤْفِقَ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ  
 خَبِيرٌ ﴿١١١﴾ نَسْتَفِيزُ كَمَا أَمَرْتُمْ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا  
 إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾ وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا  
 فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ  
 لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَرُفُلًا مِّنَ  
 اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي  
 لِلذَّكِرِينَ ﴿١١٤﴾ وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ  
 ﴿١١٥﴾ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ  
 عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ  
 الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾ وَمَا  
 كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْبِحُونَ ﴿١١٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

## قرآن منبعی برای شناخت جهان

شناخت دنیا و قواعدش نگاه انسان را باز می‌کند. حکیمش می‌کند. قدرت تحلیل به او می‌دهد. آینده‌نگرش می‌کند. و در نتیجه کم‌تر حوادث دنیا غافل‌گیرش می‌کند و در مسیر بندگی و سربازی برای خدا نمی‌بُرد. چون جلو جلو می‌داند چه خبر است و چه خواهد شد.

چگونه می‌شود دنیا را شناخت؟ آیات قرآن منبع بی‌کران معارف هستی‌شناسی و دنیاشناسی است. وقتی قرآن می‌گویید: ما انسان را در رنج آفریدیم؛ «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»<sup>۱</sup> آدم خبردار می‌شود که دنیا خانه‌ی خاله نیست؛ بل که باش‌گاه تمرین و جای زحمت کشیدن و تحمل رنج است. می‌فهمد تا دنیا دنیا نیست و تا وقتی که در دنیا دارد زندگی می‌کند، قرار نیست درد و زحمت از بین برود. با همین آیه می‌شود فهمید در هر مرحله‌ای از مراحل زندگی که هستیم، آن مرحله هم‌راه بارنج است. دوران مجردی رنج‌هایی دارد. ولی دوران متأهلی هم رنج‌های خودش را دارد. بی‌کار که باشی رنج می‌کشی. شغل که پیدا کنی رنج‌های شغلت را باید تحمل کنی. بچه‌دار اگر نشوی سخت است. اما بچه‌داری هم کم‌دردسر و گرفتاری ندارد برای خودش. فقیر که باشی رنج فقر را باید تحمل کنی. ثروت‌مند که می‌شوی رنج‌های دیگری سراغت می‌آید که مخصوص ثروت‌مندهاست. وقتی آدم این را بداند از کوره در نمی‌رود. توقع زیادی از دنیا نخواهد داشت. وقتی مشکلی سراغش آمد به هم نمی‌ریزد، چون از اول می‌دانست قرار نیست زندگی بی‌دردسر پیش برود.

## راه سخت است و طولانی

این آیه‌ی شریفی که در محضرش هستیم به پیام‌بر ﷺ دستور استقامت می‌هد؛ هم به خودش و هم به پیروانش. نکته‌ی جهان‌شناسانه‌ی این

آیه این است که می‌فهمیم پس لابد راه، هم سخت است و هم طولانی. وگرنه نیازی به استقامت نداشت. لابد راه خدا و رسولش که همان صراط مستقیم است، از آن راه‌هایی است که گاهی خسته می‌کند آدم را. لابد از آن راه‌هایی است که خیلی‌ها وسطش می‌بزنند. لابد نتایج این راه فست‌فودی و زودبازده نیست و خون دل‌ها باید خورد در میانه‌ی کار.

از کجا فهمیدیم این را؟ از همین کلمه‌ی استقامت. باید این راه سخت و دراز باشد که استقامت می‌خواهد، وگرنه استقامت به چه کار آدم می‌آید؟ اگر در مسابقه‌ای بگویند باید تعادلت را حفظ کنی وگرنه می‌بازی، آدم می‌فهمد که لابد محیط مسابقه لیز یا متحرک یا مثلاً باریک است که نمی‌شود در آن راحت ایستاد و نیفتاد. و این که خدا به پیام‌برش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود هم تو و هم یاران و هم راهانت باید استقامت کنید، حکایت از این می‌کند که مسیر طولانی و سختی در پیش است.

### خدا زود همه چیز را به نفع خوبان و صالحان تمام نمی‌کند

در آیه‌ای خدا می‌فرماید: آیا فکر می‌کنید به راحتی می‌توانید بروید بهشت بدون این که اتفاق‌های گذشتگان برای شما بیفتد؟ دچار سختی‌ها و رنج‌ها شدند تا جایی که پیام‌بر و یاران مؤمنش یک‌صد صد از دند که پس کجاست این نصرت خدا؟! ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ سَسَّهُمْ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَوَلُّوا حَتَّىٰ يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ نَصْرُ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup>.

در صحنه‌ی جنگ و درگیری بین خوبان عالم با بدان عالم، البته که خدا تماشاچی نمی‌نشیند. قطعاً هوای مؤمنین را دارد و یاری‌شان می‌کند. ولی آهسته آهسته، و گاهی دیر، و گاهی در دقیقه‌ی نود، و گاهی بعد از این که به مو می‌رسد و نزدیک است پاره شود. و گاهی بعد از این که بعضی‌ها

ناامید می‌شوند و حتی بدبین و مرتد و گمراه می‌شوند. این مدل نصرت آرام و پیچیده‌ی خدا در همه‌ی عرصه‌ها جاری است. و ازین رو همه جا استقامت لازم است.

خدا رس حضرت نوح و یارانش را کشید تا نصرت‌شان داد و عذاب را بر قومش نازل کرد. امام صادق علیه السلام تعریف می‌کنند که حضرت نوح علیه السلام بالأخره از خدا درخواست عذاب برای قومش کرد - گویا شرایط حضرت نوح و اندک کسانی که به او ایمان آورده بودند خیلی سخت و دشوار و غیر قابل تحمل شده بود که چنین درخواستی حضرت نوح کرد. خدا در دو جای قرآن می‌فرماید: ما نوح و اهلش را از غم و غصه و اندوه بسیار شدید نجات دادیم؛ **﴿وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ﴾**<sup>۱</sup>. کرب یعنی اندوه شدید، و کرب عظیم نهایت شدت را می‌رساند.<sup>۲</sup> جای دیگری باز خدا همین تعبیر را درباره‌ی شرایط حضرت نوح و اهلش بکار برد؛ **﴿وَجَبَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ﴾**<sup>۳</sup>. در اقلیت بودن، دائم مورد هجمه قرار گرفتن، مسخره شدن و طعنه شنیدن، انگ و برچسب خوردن، منفور اکثریت بودن و مورد ظلم و آزار و اذیت قرار گرفتن شرایط را بسیار سنگین و طاقت فرسا کرده بود و این شد که جان‌شان به لب آمد و کار به جایی کشید که حضرت نوح علیه السلام درخواست عذاب کرد. حالا بقیه‌ی ماجرا را از زبان امام صادق علیه السلام بشنوید - خدا به او وحی کرد که هسته‌ی خرمایی را در زمین بکارد. وقتی رشد کرد و نخل شد و به بار نشست و از آن خورد، خدا قومش را عذاب خواهد کرد.

حضرت نوح علیه السلام این کار را کرد و اصحابش را هم در جریان گذاشت. - قاعدتا

۱. انبیا: ۷۶.

۲. علی اکبر قرشی بنائی، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۹۹.

۳. صفات: ۷۶.





۷ - ۸ سال باید صبر می‌کردند تا این نهال بزرگ شود و به بار بنشیند. در این هفت سال هم لابد اصحاب نوح علیه السلام به تبلیغ و تبشیر و انداز پرداختند و این که «این تو بمیری دیگر آن تو بمیری نیست» و این حرف‌ها. - بالأخره بعد از چند سال نخل به بار نشست و حضرت نوح، محصولش را چید و از خرماش میل کرد و به اصحابش هم خوراند. وقتی همه خوردند، اصحاب نوح علیه السلام گفتند: حالا نوبتی هم اگر باشد، نوبت وعده‌ای است که به ما دادی.

نوح خدا را صدا زد و از او خواست به وعده‌اش وفا کند. اما خدا به حضرت نوح علیه السلام وحی کرد که برای بار دوم این عملیات را تکرار کند! یعنی این پروسه‌ی هفت ساله را یک بار دیگر تکرار کند و وقتی خرما را چید و از آن میل کرد، عذاب را نازل خواهد کرد. نوح علیه السلام پاسخ خدا را به قومش رساند. - آب یخی بود که بر سرشان ریخت. بعد از این همه وعده و قرار و مدار و تحمل و سختی و تبلیغ کردن و از آبرو مایه گذاشتن و ریش گرو گذاشتن و کل کل کردن و کوری خواندن اصحاب نوح با جماعت کافر، حالا خدا آب پاکی بر دست‌شان ریخت و می‌خواهد این پروسه‌ی نه یکی دو روزه بل که هفت ساله را دوباره تکرار کنند! این که با چه رویی تکرار کنند هم بماند - این که شد، اصحاب نوح، سه گروه شدند. گروهی مرتد شدند - و گفتند پس معلوم شد از اولش هم سرکاری بود و کلاول معطل بودیم! - گروهی به نفاق رو آوردند - هم با این ور می‌پریدند هم با آن ور، دیگر سنگ حضرت نوح را سفت و محکم به سینه نمی‌زدند ولی آشکارا هم با او در نیفتادند. محافظه کار شده بودند و دیگر برای پیام بر خدا هزینه نمی‌کردند. - یک عده‌ای هم در کنار نوح ثابت قدم ماندند. بالأخره پروسه‌ی هفت ساله‌ی دوم هم به پایان رسید و نخل به بار

نشست و دوباره منتظر وعده‌ی الهی شدند و باز نوح از خدا درخواست کرد که پاسخ آمد: برای بار سوم، یک هسته‌ی دیگری بکارید. هر وقت نخل شد و به بار نشست و از آن خوردید، عذاب می‌آید! این بار آن دو گروه مانده

کنار حضرت نوح علیه السلام، یعنی ثابت قدم‌ها و منافق‌ها شدند سه گروه. عده‌ای ثابت قدم ماندند و عده‌ای مرتد شدند و عده‌ای نیم‌کش وسط ماندند. و این اتفاق ده بار افتاد و حضرت نوح علیه السلام ده نخل خرما کاشت و ده بار این پروسه را تکرار کرد! و هر بار آن گروه مانده به سه گروه تقسیم می‌شدند.

بعد از بار دهم عده‌ای از یاران خاص و مؤمن حضرت نوح علیه السلام به محضرش آمدند و گفتند یا نبی خدا! فرقی نمی‌کند؛ به وعده‌ات عمل کنی یا نکنی. تو نزد ما راست‌گویی و پیام‌بری فرستاده شده‌ای که در تو شک نمی‌کنیم؛ حالا هر چقدر که می‌خواهی این روند را تکرار کنی باز همان است. . . بعد از تقریباً هفتاد سال و چنین امتحان سخت و عجیب و غریبی و بعد از این که این یاران خاص، امتحان‌شان را پس دادند و ایمان راستین و فولادی‌شان را نشان دادند. . . وقتی این طور شد خدا عذاب را نازل کرد و نوح و اندکی از یاران خاصش را بعد از این که خالص شدند و تصفیه شدند و ناخالصی‌ها از آن‌ها جدا شد، سوار کشتی کرد و نجات‌شان داد؛ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلَ نُوحٌ عليه السلام رَبَّهُ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَى قَوْمِهِ الْعَذَابَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ يَغْرَسَ نَوَاهٍ مِنَ النَّخْلِ فَإِذَا بَلَغَتْ فَأَنْمَرَتْ وَ أَكَلَ مِنْهَا أَهْلُكَ قَوْمَهُ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ فَغَرَسَ نُوحٌ النَّوَاهِ وَ أَخْبَرَ أَصْحَابَهُ بِذَلِكَ فَلَمَّا بَلَغَتِ النَّخْلَةَ وَ أَنْمَرَتْ وَ اجْتَنَى نُوحٌ مِنْهَا وَ أَكَلَ وَ أَطْعَمَ أَصْحَابَهُ قَالُوا لَهُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ الْوَعْدَ الَّذِي وَعَدْتَنَا فَدَعَا نُوحٌ رَبَّهُ وَ سَأَلَ الْوَعْدَ الَّذِي وَعَدَهُ فَأَوْحَى إِلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ الْغَرَسَ ثَانِيَةً حَتَّى إِذَا بَلَغَ النَّخْلُ وَ أَنْمَرَ وَ أَكَلَ مِنْهُ أَنْزَلَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ فَأَخْبَرَ نُوحٌ عليه السلام أَصْحَابَهُ بِذَلِكَ فَصَارُوا ثَلَاثَ فِرْقٍ فِرْقَةٌ ارْتَدَّتْ وَ فِرْقَةٌ نَافَقَتْ وَ فِرْقَةٌ ثَبَّتَتْ مَعَ نُوحٍ فَفَعَلَ نُوحٌ ذَلِكَ حَتَّى إِذَا بَلَغَتْ النَّخْلَةَ وَ أَنْمَرَتْ وَ أَكَلَ مِنْهَا نُوحٌ وَ أَطْعَمَ أَصْحَابَهُ قَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهِ الْوَعْدَ الَّذِي وَعَدْتَنَا فَدَعَا نُوحٌ رَبَّهُ فَأَوْحَى إِلَيْهِ أَنْ يَغْرَسَ الْغَرَسَةَ الثَّلَاثَةَ فَإِذَا بَلَغَ وَ أَنْمَرَ أَهْلُكَ قَوْمَهُ فَأَخْبَرَ أَصْحَابَهُ فَافْتَرَقَ الْفِرْقَتَانِ ثَلَاثَ فِرْقٍ فِرْقَةٌ ارْتَدَّتْ وَ فِرْقَةٌ نَافَقَتْ وَ فِرْقَةٌ ثَبَّتَتْ مَعَهُ حَتَّى فَعَلَ نُوحٌ ذَلِكَ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ فَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ بِأَصْحَابِهِ الَّذِينَ

يَبْقُونَ مَعَهُ فَيَفْتَرِقُونَ كُلُّ فِرْقَةٍ ثَلَاثَ فِرْقٍ عَلَى ذَلِكَ فَلَمَّا كَانَ فِي الْعَاشِرَةِ جَاءَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ الْخَاصَّةِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالُوا يَا نَبِيَّ اللَّهِ فَعَلْتَ بِنَا مَا وَعَدْتَ أَوْ لَمْ تَفْعَلْ فَأَنْتَ صَادِقٌ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ لَأَنْشُكَ فَيْكَ وَلَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِنَا قَالَ فَعِنْدَ ذَلِكَ مِنْ قَوْلِهِمْ أَهْلَكَهُمُ اللَّهُ لِقَوْلِ نُوحٍ وَأَدْخَلَ الْخَاصَّ مَعَهُ فِي السَّفِينَةِ فَتَجَّاهُمْ اللَّهُ تَعَالَى وَنَجَّى نُوحًا مَعَهُمْ بَعْدَ مَا صَفَّوْا وَهُدِّبُوا وَذَهَبَ الْكَدْرُ مِنْهُمْ»<sup>۱</sup>

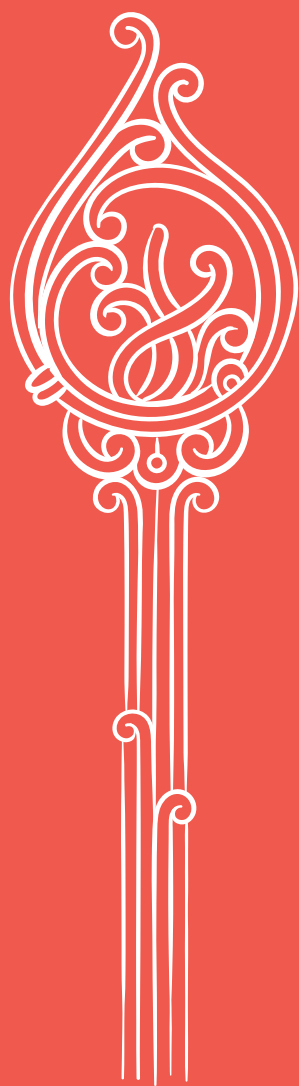
### سبک زندگی زنانه، صحنه‌ی جنگ است

امروز یکی از جنگ‌ها و صحنه‌های درگیری بین جبهه‌ی حق و باطل، عرصه‌ی سبک زندگی زنان است. اسلام شکوفایی و بالندگی و رشد و تعالی زن را جووری ترسیم می‌کند، و غرب جووری دیگر. هر کدام هم به روش خودش سعی می‌کند تعداد بیش‌تری از زنان را به سمت و سوی خودش بکشد. حجم بمباران سهم‌گین تبلیغاتی و رسانه‌ای غرب، زن موفق ایده‌آل را زنی نشان می‌دهد که اول و آخر به خودش فکر می‌کند و به خودش می‌رسد. عفاف و حجاب ندارد. زیبایی‌اش را به نمایش می‌گذارد. در روابطش آزاد است. به هر چه سنت و عرف و هنجار است، با دید بدبینی نگاه می‌کند و همه‌ی این‌ها را مانعی بر سر راه موفقیت خود می‌داند. نه سایه‌ی پدر را می‌خواهد نه سایه‌ی هم‌سر را. مستقل است. کارآفرین است. مدیر و صاحب شرکتی است که زیردستش مردان دارند کار می‌کنند. خانه‌داری و شوهرداری را مانع موفقیت‌هایش می‌داند، بنابراین تا می‌شود و تا می‌تواند ازدواجش را به تأخیر می‌اندازد و دم به تله نمی‌دهد. خلق و خوی مردانه دارد و عارش می‌آید تحت حمایت مالی پدر یا شوهرش باشد. خوش‌گذران است. پررو و بی‌حیاست و پایه‌ی مهمانی‌ها و گردش‌ها و مسافرت‌های دخترپسری است و بر خلاف امل‌های قدیمی ترسی از این کار ندارد. غرب، با هزار وسیله‌ی

رسانه‌ای این را دارد الگوی دختران ما می‌کند. و روزبه‌روز مقاومت بسیاری از دختران ما در برابر این الگو کم‌تر می‌شود. و متأسفانه روزبه‌روز خانواده‌های بیش‌تری نسبت به این الگو قانع می‌شوند.

در چنین فضایی دختر و زنی که می‌خواهد از حریم سبک زندگی درست اسلامی‌اش دفاع و محافظت کند قطعاً نیاز به استقامت دارد. گاهی زیر باران شبهه‌ها و طعنه‌ها و انگ‌ها و برچسب‌ها، دفاع کردن از منطق سبک زندگی درست یک زن مسلمان سخت می‌شود. گاهی اگر بین رفقای بگویی فلان جا نمی‌روم چون شوهرم نمی‌گذارد، مسخره‌ات می‌کنند. گاهی چون تعداد طرف مقابل بالاست و رسانه‌اش قوی است، لازم نمی‌بیند در میدان منطق با تو روبرو شود. همین که هو کند تو را کافی است. هنوز که هنوز است، دختر جوانی اگر پنج - شش بچه داشته باشد، حرف زیاد می‌شنود. فکر نکنید خدا زود وارد کار می‌شود و به همه‌ی اهل عالم نشان می‌دهد مسخره بودن و سست بودن فرهنگ غرب را. توقع نداشته باشید خیلی زود همه‌ی عالم بفهمد چقدر حجاب به نفع زن است و چقدر بی‌حجابی به ضررش اوست. گمان نکنید خدا زود باطل را رسوا می‌کند و پوچی منطقش را آشکار می‌کند. چند سال، یا چند ده سال، و شاید چند صد سال درنگ می‌کند تا مؤمنین قوی و ورزیده شوند در این جنگ طولانی و در این راه دشوار. آن‌گاه غبارها را می‌نشانند و پرده را کنار می‌زند و همه می‌فهمند حق با که بود و چه راهی درست بود. اما تا آن لحظه و حتی بعدش در میدان دیگر استقامت لازم است. و خدا می‌داند که چه خیرات و برکاتی در این سختی‌های مجاهدانه نهفته است.





## جلسه نهم

﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْجَوْنَ لِحَبْلِ الرَّحَمٰنِ أَكْثَرَ مِنْ أَكْثَرِ مَنْ ذَكَرْتُمْ وَالرَّحَمٰنُ عَلِيمٌ ذَكَاةً﴾

سوره جن، آیه ۱۶

اگر در راه درست پایداری کنند، حتماً آنان را با آبی  
گوارا و فراوان سیراب می‌کنیم.



## سُورَةُ الْحِجْرِ

وَأَتَا مِمَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِمَّا الْقَيْسُطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ  
 تَحَرَّوْا رَشَدًا ﴿١٤﴾ وَأَمَّا الْقَيْسُطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٥﴾  
 وَالْوَالِدَاتُ عَلَىٰ الْوَالِدِ وَالطَّرِيقَةُ لَأَشَقَّيْنَهُمَا غَدَاةً ﴿١٦﴾ لَنَفَيْتُهُمْ  
 فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ﴿١٧﴾ وَأَنَّ  
 الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾ وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ  
 يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ﴿١٩﴾ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ  
 بِهِ أَحَدًا ﴿٢٠﴾ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿٢١﴾ قُلْ إِنِّي  
 لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٢٢﴾ إِلَّا بَلَاغًا  
 مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ  
 خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ﴿٢٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَائِدَةً فَسَيَعْلَمُونَ  
 مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا ﴿٢٤﴾ قُلْ إِنْ أَدْرَىٰ أَقْرَبُ مَا تَدْعُونَ  
 أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ﴿٢٥﴾ عَلِيمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهَرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ  
 أَحَدًا ﴿٢٦﴾ إِلَّا مَنْ أَرْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ  
 يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ﴿٢٧﴾ لِيَعْلَمَ أَنْ قَدِ ابْتَغُوا رِسَالَاتِ  
 رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ﴿٢٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

## آثار خوب دین داری، با استقامت ظاهر می شود

باز در محضر آیه‌ی دیگری که پیام استقامت دارد نشستیم. در این جا هم شرط سیراب شدن از آب معرفت و برکت و نعمت و فراوانی، استقامت بر راه درست است. همان راهی که هر روز ده بار از خدا می‌خواهیم که ما را به آن راه هدایت کند و بر آن راه ثابت قدم نگه دارد؛ «**أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ**». <sup>۱</sup> از آیات قرآن می‌شود فهمید که تنها ادعای با خدا بودن و مسلمانی کافی نیست. آثار و برکات با خدا بودن، مثل امنیت، آرامش، برطرف شدن غم و غصه‌های ویران‌گرو و پایین آمدن شاخص‌های افسردگی همه در گرو استقامت بر این راه به دست می‌آید؛ «**إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ**». <sup>۲</sup>

## دنیا مایکروویو نیست

همه چیز این دنیا مرحله به مرحله و آرام پیش می‌رود. خود خدا می‌توانست این عالم را در یک لحظه ایجاد کند، اما فرمود در شش روز خلق کردم؛ «**إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ**». <sup>۳</sup> و خودش می‌داند که هر کدام از این روزها چقدر طول کشید. در روایتی حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ وقتی که از بهشت اخراج شد و به زمین فرود آمد، دویست سال گریه و زاری کرد و پس از آن توبه‌اش قبول شد و حالش خوب شد؛ «**فَلَبِثَ يَجَارٌ وَبِئْسَ عَلَى الْجَنَّةِ مَائِتِي سَنَةً**». <sup>۴</sup> بنی اسرائیل بعد از این که گوساله‌ی سامری را پرستیدند، محکوم به سرگردانی در تیه شدند و این دوره چهل سال طول کشید؛ «**قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ**». <sup>۵</sup> در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱. فاتحه: ۶.

۲. احقاف: ۱۳.

۳. اعراف: ۵۴.

۴. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۰.

۵. مائده: ۲۶.





آمده که حضرت نوح کشتی‌اش را در صد سال ساخت! «صنعها في مائة سنة». <sup>۱</sup> قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ هزاران کشته به جا گذاشت و نه تن‌ها تهران و قم، بل که اصفهان، شیراز، مشهد و تبریز را هم لرزاند. <sup>۲</sup> ولی انقلاب ۱۵ سال بعدش پیروز شد. بعد از انقلاب هم به سرعت فتنه‌های داخلی شروع شد. بعدش جنگ تحمیلی آغاز شد. بعدش تهاجم فرهنگی شروع شد. بعدش فتنه‌ها سنگین یکی پس از دیگری آمد. طراحی خداست. قرار نیست زود به قله برسیم و همه چیز تمام شود و برویم استراحت کنیم.

### هر رشد و تغییری زمان می‌برد

در زندگی فردی و خانوادگی هم همین است. یک عمر باید خون دل خورد و بچه‌داری کرد و آن‌ها را دانه دانه با صبر و حوصله تربیت کرد. تا یکی یکی بچه‌ها بزرگ شوند و به سن ازدواج برسند. دوباره برای هر کدام‌شان باید نذر و نیاز کنیم، خون دل بخوریم، دعا و توسل کنیم، صبر و حوصله به خرج دهیم، توکل کنیم، تلاش کنیم و آستین بالا برنیم. تا همه ازدواج کنند و به خانه‌ی بخت بروند. آن وقت خواهید دید که در دوران میان‌سالی و پیری هر چه فرزند و نوه نتیجه‌هایتان بیش‌تر باشند، عزت و احترام‌تان بیش‌تر است و زندگی شیرین‌تری خواهید داشت. هر چه دور و بر پیرزن‌ها و پیرمرد‌ها شلوغ‌تر باشد، خوش‌حال‌ترند. اما آن زندگی خوب و عزت‌مندانه‌ی دوران پیری، یک عمر استقامت بر فرزندآوری و تربیت خوب فرزندان می‌خواهد. پول و ثروت و شهرت برای مردان هم بی‌مزه می‌شود، چه رسد به زنان. آن چه مایه‌ی دل‌خوشی و سعادت و حال خوب زن و مرد در دوران میان‌سالی و پیری است، دیدن خانواده و فرزندان و نوادگانش است.

۱. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۴۷.

۲. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۸۹.

هرازگاهی یکی از بازیگران یا خوانندگان مشهور و نسبتاً پول‌دار زن ایران و جهان مصاحبه می‌کند و از این که در جوانی بیش‌تر وقت خود را بر کار متمرکز کرد و خانواده تشکیل نداد و فرزنددار نشد، اظهار پشیمانی می‌کند. یعنی این همه پول و شهرت و رفاه و خانه دیگر به چشمش نمی‌آید. خانه‌ی خالی بی‌بچه و تک و تنها به چه درد می‌خورد؟

اسلام به ما توصیه کرده است که بر ناملايمات روابط خانوادگی صبر کنیم و با این وضع بسازیم. این صبر در درازمدت کلی خیر و برکت به همراه دارد. در روایتی آمده که سه گروه از زنان را خدا از عذاب قبر معاف می‌کند و با حضرت زهرا علیها السلام محشورشان می‌کند؛ اولی زنی است که نسبت به غیرت شوهرش صبر کند و به محدودیت‌های اعمال شده از سوی شوهرش به خاطر غیرتی که دارد تن می‌دهد. دومی زنی است که با بد اخلاقی‌های شوهرش کنار می‌آید. و سومی زنی است که مهرش را به شوهرش می‌بخشد. خدا به هر کدام شان ثواب هزار شهید می‌دهد و یک سال عبادت در نامه‌ی اعمال شان می‌نویسد؛ «ثَلَاثٌ مِنَ النِّسَاءِ يَرْفَعُ اللَّهُ عَنْهُنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ وَيَكُونُ مَحْشَرُهُنَّ مَعَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ علیها السلام امْرَأَةً صَبَرَتْ عَلَى غَيْرَةِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةً صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا وَ امْرَأَةً وَهَبَتْ صَدَاقَهَا لِزَوْجِهَا يُعْطِي اللَّهُ تَعَالَى لِكُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ يَكْتُبُ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُنَّ عِبَادَةَ سَنَةٍ». <sup>۱</sup> بله؛ قطعاً اگر زنی در رابطه‌ی با شوهرش گریه را دم حجله کشت و کاری کرد که حساب کار دستش بیاید، همان لحظه و شاید تا چند روز کیف خواهد کرد و لذت خواهد برد. ولی این لذت دیری نمی‌پاید. زنی که بی‌صبری کند و ابهت و صلابت شوهرش را خورد کند، اولین کسی که ضرر خواهد کرد، خود اوست. این شوهر دیگر تکیه‌گاه خوبی برای خانمش نخواهد بود.

اول ازدواج زن و شوهر، با عیوب هم‌دیگر آشنا می‌شوند که تحملش برای‌شان سخت است. خب باید چه کرد؟ باید صبر کنند، آن هم از جنس استقامت. یعنی سال‌ها باید این ناملایمات را تحمل کنند و با مدارا با هم‌دیگر برخورد کنند. آن وقت رفته رفته محبت و انسی خیلی عمیق‌تر از روزهای اول نصیب‌شان می‌شود و زندگی‌شان شیرین می‌شود.

انگار سنت و قاعده‌ی خداست که آقاپسرها اول زندگی‌شان چندان چیزی از مال و منال دنیا نداشته باشند. در قرآن هم خدا پیش‌فرض را همین گرفته است. فرمود: دختر و پسرهای‌تان را ازدواج بدهید. اگر فقیر باشند خدا بی‌نیازشان می‌کند؛ **﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِمُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾**.<sup>۱</sup> زندگی ده‌ها و صدها میلیون زن و شوهر همین طوری بود. آقاپسر وقتی به خواستگاری آمد چندان چیزی نداشت، ولی کار پیدا کرد، چند جا کار عوض کرد، وام گرفت، قرض جور کرد، قسط داد، خانه خرید، ماشین خرید، بعد خانه و ماشینش را به‌تر کرد و وضعش بهتر شد. ولی این مسیر پر فراز و نشیب که پر از درس و تجربه و خاطره و تلخی و شیرینی است، صبر و استقامت زن و شوهر را می‌خواهد. زن اگر همان روز اول، بی‌تابی کند و به خاطر نداری، طلاق بگیرد، شیرینی بعد از صبر را نخواهد چشید. با عجله چیزی حاصل نمی‌شود.

البته عجله در طبیعت انسان است. انگار آب و گل انسان را با عجله سرشتند؛ **﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَجٍ﴾**.<sup>۲</sup> ولی باید خودش را کنترل کند، وگرنه نمی‌تواند استقامت کند.

۱. نور: ۲۳.

۲. انبیا: ۳۷.



## سبک زندگی فست‌فودی ضد استقامت است

متأسفانه سبک زندگی امروز ما در اثر این همه پیش‌رفت و تکنولوژی خیلی فست‌فودی شده است. با چندتا لمس و تیک از راه نرم‌افزار موبایلی ناهار و شام را تا در خانه برای مان می‌آورند. باز به همین شکل، تاکسی تا در خانه می‌آید. آب در چند ثانیه با چای‌ساز می‌جوشد. غذا در چند ثانیه در مایکروویو گرم می‌شود. معاملات پولی و بده‌بستان‌ها را راحت با گوشی کارت به کارت می‌کنیم. چیزی بخواهیم بخریم، می‌توانیم از خانه سفارش بدهیم تا با پست بفرستند. شبکه‌های اجتماعی ما را عادت دادند به محتواهای ساندویچی و لقمه‌ای یکی دو دقیقه‌ای. همان دو دقیقه را هم حوصله نداریم گوش بدهیم و ۵ ثانیه‌ی اول کلیپ اگر کمی قلابش قوی نباشد، با یک اشاره‌ی انگشت ردش می‌کنیم و می‌رویم سراغ کلیپ بعدی. کم‌تر حوصله می‌کنیم کتاب بخوانیم. کم‌تر حوصله می‌کنیم یک سخن‌رانی کامل گوش بدهیم. اگر پادکستی هم گوش بدهیم، می‌گذاریمش روی دور تند.

کسی مخالف تکنولوژی نیست. ولی باید بدانیم که هر سرعتی لزوماً خوب نیست. اگر یک سبک زندگی سریع، انسان را بی‌حوصله و بی‌صبر کند و قدرت تمرکزش را از او بگیرد و استعدادش را برای استقامت نابود کند، بد است و باید چاره‌ای برایش اندیشید. کسی با ماشین و هواپیما مخالف نیست، چه این که قبلاً هم اسلام هرگز با اسب و شتر مخالف نبود، اما اجر پیاده‌روی به سوی کربلا و مسجد و حرم اهل بیت علیهم‌السلام را به صورت خیلی متفاوت حساب کرد. انگار جسم و جان ما گاهی می‌طلبد که یک راهی را قدم به قدم برداریم و چه به‌تر از راه کربلای حسین علیه‌السلام.

در صدر اسلام رستوران و فست‌فود در کار نبود، اما بعضی‌ها آرد آماده می‌خریدند و زحمت آسیاب‌کردنش را به خود نمی‌دادند. اما همین را اسلام



مکروه دانست و یکی از عوامل کم شدن رزق معرفی کرد. امام صادق علیه السلام فرمودند: خرید گندم فقیرزدا است، و خرید آرد فقراور است، اما خرید نان نابدکننده است! «شِرَاءُ الْجَنْطَةِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَشِرَاءُ الدَّقِيقِ يُنْشِئُ الْفَقْرَ وَشِرَاءُ الْخُبْزِ مَحْقٌ». <sup>۱</sup> این که اهل بیت علیهم السلام اصرار داشتند که نان در خانه پخته شود، شاید به خاطر این باشد که این تیکه از سبک زندگی سنتی و عالی، تأثیری عالی روی صبر و استقامت اهل خانه می‌گذارد. بچه‌ای پروسه‌ی سخت و چند ساعته‌ی آرد کردن گندم و خمیر کردن و پخت نان را دیده و تجربه کرده، جور دیگری به زندگی نگاه می‌کند تا بچه‌ای که همیشه همه چیز را با یک سفارش حاضر و آماده در برابر خود دیده است.

کمی باید در برابر زندگی فست‌فودی مقاومت کنیم. گاهی باید خودتان با بچه‌ها ترشی درست کنید اگر چه انواع ترشی‌های آماده در بازار هست. گاهی باید خودتان سبزی بخرید و با بچه‌ها پاک کنید، اگر چه آماده و پاک شده‌اش هست. گاهی باید با خانواده چند کیلومتر پیاده‌روی کنید، اگر چه ماشین داشته باشید. گاهی باید موبایل را کنار بگذارید و کتاب بخوانید. نگذارید در این دنیای پر سرعت علم‌زده تبدیل به یک انسان عجول بی‌حوصله و بی‌تاب بشوید و رفته رفته قدرت استقامت را از دست بدهید.



سوزهای سخن



خاطره شهید



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه

## جلسه دهم

﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾

سوره حج، آیه ۴۰

و قطعاً خدا به کسانی که [دین] او را یاری  
می دهند یاری می رساند؛ مسلماً خدا نیرومند  
و توانای شکست ناپذیر است.



اذِنَ لِلَّذِينَ يُقَتَّلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَالِمُونَ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ  
 ﴿٣٩﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا  
 رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتِ  
 صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ  
 كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ  
 عَزِيزٌ ﴿٤٠﴾ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ  
 وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ  
 وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْأُمُورِ ﴿٤١﴾ وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ  
 قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ ﴿٤٢﴾ وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ  
 لُوطٍ ﴿٤٣﴾ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ  
 ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٤﴾ فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ  
 أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْسَ  
 مُعْتَدِلَةٌ وَقَصْرِ مَشِيدٍ ﴿٤٥﴾ أَقَلَمَ يَسِيرُونَ فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ  
 لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا  
 لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ﴿٤٦﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

## نتیجه‌ی جنگ بین حق و باطل معلوم است

بین حق و باطل و بین اسلام و کفر، همیشه دعوا بوده و هست. ولی آن جبهه‌ای که آخر کار و سرانجام می‌برد جبهه‌ی حق است. چون خدا قول داده که تنه‌ایش نگذارد و نصرتش دهد. تیم‌های قوی دنیا هوادار پیدا می‌کنند. چون آدم دوست دارد از تیمی طرف‌داری کند که قوی باشد و معمولاً ببرد. از این جهت هواداری از جبهه‌ی حق کار جذاب و جالبی است. و از این جهت یاری دین خدا خیلی خیلی به نفع آدم تمام می‌شود، چون خدا بارها قول داده که هر کس یاری‌اش کند، پشتش می‌ایستد و هوایش را خواهد داشت. فرمود: خدا حتماً کسی را که یاری‌اش کند یاری خواهد کرد؛ **﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ﴾**<sup>۱</sup>. در آیه‌ی دیگری به مؤمنین فرمود: اگر خدا را یاری کنید یاری‌تان می‌کند و قدم‌هایتان را ثابت و پابرجا نگه می‌دارد؛ **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾**<sup>۲</sup>. در آیه‌ی دیگری فرمود: بر عهده‌ی ماست که مؤمنین را یاری کنیم؛ **﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾**<sup>۳</sup>. چنین نیست که خدا ما را در میدانی سخت انداخته و رها کرده باشد. قرار نیست در این جنگ تاریخی تمدنی از بین برویم و نابود شویم، حتی اگر در میانه‌ی راه باشیم و در دوران غربت مان به سر ببریم.

## جام جهانی از آن ماست

فرض کنید به اعضای تیم ملی فوتبال کشورمان خبری قطعی و یقینی داده شود که در این دوره از مسابقات جام جهانی، تیم ملی ما جام جهانی را خواهد برد، چه حسی به اعضای تیم ملی دست خواهد داد؟ این که تیم ملی جام جهانی را خواهد برد، قطعی و یقینی است، اما این

۱. همان.

۲. محمد: ۷.

۳. روم: ۴۷.





که تا آخر مسابقات همه‌ی این بازی‌کنان، اعضای تیم خواهند بود یا نه، معلوم نیست. چون اگر کسی کم‌کاری کند جای‌گزین خواهد شد. قطعاً در چنین شرایطی همه با اعتماد به نفسی بالا تمرین خواهند کرد و مسابقه خواهند داد. در چند سال مانده تا مسابقات جام جهانی، در مسابقات مقدماتی، در تمرین‌ها، در اختصاص بودجه، در پرداخت قراردادهای، در تعیین مربی و هزار و یک موضوع دیگر، ممکن است مشکل‌های سخت و کمرشکن پیش بیاید. گاهی ممکن است تیم باخت‌های سنگین بدهد. ممکن به‌ترین گل‌زن تیم مصدوم شود و نتواند ادامه دهد. ممکن است مربی به خاطر ندادن حق قراردادش قهر کند و کنار بکشد. ممکن است بین مربی و کاپیتان تیم، اختلاف سنگین پیش بیاید. ممکن است تیم در آستانه‌ی حذف قرار بگیرد. همه جور اتفاق ناامیدکننده ممکن است پیش بیاید، ولی کسی که به این مزدهی قطعی و یقینی باور دارد، خیالش راحت است و دلش قرص، که بالأخره جام مال ماست. نگرانی‌اش بیش‌تر سر این است که نکند من کم‌کاری کنم و از تیم اخراجم کنند.

اتفاقاً خدا به تیم ملی ما که نه، ولی به جبهه‌ی حق ما چنین مزدهی قطعی و بی‌بروبرگردی داده است. فرمود: ما اراده کردیم که مستضعفان عالم را وارثان جهان کنیم و زمام قدرت را به دست آن‌ها بسپاریم؛ **﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾**<sup>۱</sup>. فرمود: آخرش سربازان ما پیروزند؛ **﴿وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْعَالِبُونَ﴾**<sup>۲</sup>. فرمود: حزب الله یعنی دوستان خدا و رسول و بندگان مؤمنش پیروزند؛ **﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْعَالِبُونَ﴾**<sup>۳</sup>.

۱. قصص: ۵.

۲. صافات: ۱۷۳.

۳. مائده: ۵۶.



## راه‌کارهای غلط‌انداز خدا

برای دریافت نصرت الهی یا بگو رسیدن به موفقیت و پیروزی، باید خدا را یاری کرد. خدا که نیاز به کمک من و شما ندارد؛ باید دین خدا را یاری کرد. یعنی در واقع باید همان راهی را رفت که خدا می‌گوید. باید همان راه‌کاری را در پیش گرفت که خدا پیش نهاد می‌دهد.

داستان مادر موسی علیه السلام را یادتان هست حتما. در آن فضای خفقان و ملتهد و امنیتی که هر پسری که به دنیا می‌آمد دار و دسته‌ی فرعون سر می‌بریدند، موسی علیه السلام موسی را به دنیا آورد و حالا نمی‌داند چگونه حفظش کند. خدا راه‌کار به او داد. به او الهام کرد که اول شیرش بده. سپس بینداز در رود و غمت نباشد؛ برش می‌گردانیم! **«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَحْزَنِي وَلَا تَحْنَبِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»**<sup>۱</sup>.

خب این آیه چه درس و پیامی دارد برای ما؟ لابد درس و پیامی دارد که در قرآن آمده است. خب پیامش چیست؟ آیا به مادران یاد می‌دهد که چطور از کودکان‌شان مراقبت کنند؟! آیا یک نکته‌ی امنیتی دارد که مثلا شخصیت‌های مهم کشوری و لشکری ما را دودستی بدهیم به دشمن که خدا حفظ‌شان کند؟! چه نکته‌ی همیشگی ماندگار می‌تواند داشته باشد که در قرآن قرارش داد.

شاید این آیه به چنین حقیقتی اشاره می‌کند که برای رسیدن به هر سعادت و هدف و آرزو و موفقیتی در دنیا و آخرت، باید راه‌کارهای خدا را در پیش گرفت. اما راه‌کارهای خدا همان طور که می‌بینی غلط‌انداز است و بیش‌تر به راه هلاکت می‌ماند تا راه نجات! موسای نوزاد را به دوروش می‌شد کشت. یکی این که بیندازی اش در رود و دیگر این که دودستی تحویلش دهی به فرعون، قاتل پسران بنی اسرائیل! و خدا ترکیب کرد هر دوروش را!

## خدای ما همان خدای مادر موسی است

خدا برای همه‌ی نیازها و اهداف و آرزوهای مان راه‌کار دارد، اما بیش‌تر راه‌کارهایش از این دست است. به همین خاطر کسی اعتماد نمی‌کند و سراغ راه‌کارهای خدا نمی‌رود. مثلاً یکی از راه‌کارهای زیادی رزق و روزی را خمس و زکات دادن قرار داد؛ «وَالزَّكَاةَ زِيَادَةً فِي الرِّزْقِ».<sup>۱</sup> یکی از راه‌کارهای زیادی روزی را غذا دادن و سفره‌داری قرار داد. پیام‌بر ﷺ فرمود: کسی که اطعام می‌کند، روزی به او سریع‌تر از سرعت فرو رفتن کارد در کوهان شتر می‌رسد؛ «الرِّزْقُ أَشْرَعُ إِلَى مَنْ يُطْعِمُ الطَّعَامَ مِنَ السَّكِينِ فِي السَّنَامِ».<sup>۲</sup> صدقه دادن را راه‌کاری را برای کسب روزی دانست. امام صادق علیه السلام فرمود: روزی را با صدقه دادن جذب کنید و فرو بیاورید؛ «وَاشْتَرُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ».<sup>۳</sup> حتی خرید جنس‌های مورد نیاز را اگر چه گران باشند، راه‌کاری برای جذب روزی دانست. امام صادق علیه السلام فرمود: بخرید اگر چه گران باشد، چون روزی با خرید می‌آید؛ «اشْتَرُوا وَإِنْ كَانَ غَالِيًا فَإِنَّ الرِّزْقَ يَنْزِلُ مَعَ الشِّرَاءِ».<sup>۴</sup> و جالب است که همه‌ی این کارها در نگاه ما برعکس، پول ما را به باد می‌دهد و زندگی‌مان را در این گرانی و تورم و با این قیمت دلار نابود می‌کند.

برای این که بزرگ شویم و به مقام و جاه و جلال برسیم، راه‌کارش تواضع نسبت به خداست. که پیام‌بر ﷺ فرمود: هر کس برای خدا تواضع کند خدا مقامش را بلند می‌کند؛ «مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ».<sup>۵</sup>

برای کسب امنیت و عزت، راه‌کار خدا این است که باید به دشمن چنگ و دندان نشان داد و خط و نشان برایش کشید و هر وقت پایش

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸.

۲. کافی، ج ۴، ص ۵۱.

۳. کافی، ج ۴، ص ۳.

۴. کافی، ج ۵، ص ۱۵۰.

۵. الزهد، ص ۵۵.

بیفتند باید با او درافتاد و پنجه در پنجه اش انداخت و با او جنگ کرد. اصلاً راهش صلح با دشمن و لبخند به او نیست. به هیچ وجه از قرآن و نهج البلاغه نسخه‌ای به نام کنار آمدن با دشمن مستکبر و ظالم و مدارا با او در نمی‌آید. قرآن می‌فرماید: در مقابل دشمن هر چه می‌توانید قوی‌تر شوید که بت‌رسانیدش؛ نه این که خاطر جمعش کنید که ما با تو کاری نداریم و خیالت از جانب ما راحت باشد! «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»<sup>۱</sup> آن جایی که باید با دشمن درافتاد و به او زد، باید زد. وگرنه امنیت و عزت نمی‌آید هیچ، به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام بدتر خدا لباس ذلت بر تن ما می‌پوشاند و ما را دچار بلا می‌کند؛ «فَمَنْ تَرَكَهُ رَغْبَةً عَنْهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ تَوْبَ الذُّلِّ وَ شِمْلَةَ الْبَلَاءِ»<sup>۲</sup> این در حالی است که خیلی‌ها فکر می‌کنند، این کار ما را نابود می‌کند و راه، فقط مذاکره و گفتگو و تنش‌زدایی و آرام کردن اوضاع است.

### خدای مادر موسی برای زنان چه راه‌کارهایی دارد؟

زن دوست دارد و حق دارد که در جامعه نقش ایفا کند. اما راه‌کار خدا برای همین هدف زن این است که بیش‌تر در خانه مادری و هم‌سری کند و ره‌بران و سرداران و مصلحان جامعه را تربیت کند. نقشه‌ی مهم‌ترین و عمیق‌ترین و ماندگارترین تأثیر زن در جامعه را خدا به این سبک طراحی کرد؛ گرچه ورود مستقیم زن به جامعه را هم نفی نکرد. اما به اندازه‌ی مادری و هم‌سری تشویقش نکرد.

از حضرت زهرا علیها السلام داناتر و باکمالات‌تر و هنرمندتر و متخصص‌تر و بااستعدادتر که نداریم. با این حال، امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام

۱. انفال: ۶۰.

۲. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۷.

و حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام روزی خدمت پیام‌بر صلی الله علیه و آله آمدند تا نقش هر کدام را معین کند و به قولی تقسیم کار کند. حضرت پیام‌بر صلی الله علیه و آله فرمودند: کارهای بیرون خانه با علی علیه السلام و کارهای داخل خانه با زهرا علیها السلام. وقتی حضرت زهرا علیها السلام این را شنید، فرمود: جز خدا کسی نمی‌داند که از این تقسیم کار چقدر خوش حال شدم، چون رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا از کار مردان معاف کرد؛ «تَقَاضَى عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي الْخِدْمَةِ، فَقَضَى عَلِيٌّ فَاطِمَةَ بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ، وَ قَضَى عَلِيٌّ عَلِيٍّ مَا خَلْفَهُ. قَالَ: فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كَفَائِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله تَحْمَلُ رِقَابَ الرِّجَالِ.»<sup>۱</sup> ولی خیلی‌ها فکر می‌کنند این تقسیم کار، نقش زن را در جامعه از بین می‌برد. حتی شاید خیلی‌ها فکر می‌کنند این نوع تقسیم کار، دختران و زنان جامعه را افسرده می‌کند. طبیعی است؛ راه کار خدا برای مادر موسی علیها السلام هم به ظاهرش می‌خورد که به کشته شدن موسی علیه السلام بینجامد نه نجاتش! شاید در روز قیامت که روز بر ملا شدن همه‌ی واقعیت‌های در پس توی پشت پرده است، روشن شود که مؤثرترین زنان عصر حاضر، زنانی مادران بزرگانی مانند امام خمینی ره، مقام معظم رهبری، سید حسین نصرالله و حاج قاسم سلیمانی‌اند، که از قضا نه اسم‌شان چندان معروف است و نه تصویرشان! خدا عمیق‌ترین و ناب‌ترین مدل تأثیرگذاری زن در جامعه را از این طریق قرار داد، اما با نگاه ساده چنین می‌نماید که انگار ته این راه، به انزوای زن و کنار گذاشتنش از متن جامعه می‌انجامد. حال این که درست برعکس است.

### استراتژیک‌ترین جای دنیا

وقتی سراغ بزه‌کاران، تبه‌کاران، معتادان، جنایت‌کاران، اراذل و اوباش جامعه می‌رویم، می‌بینیم بیش‌ترشان خانه‌ی خوب و مادر خوبی

۱. قرب الإسناد، ص ۵۲.



نداشتند. مثلا مادر نداشتند، یا مادرشان مهربان نبود، یا همیشه بین پدر و مادر دعوا بود، یا مادر همیشه بیرون بود و وقت کافی برای بچه‌هایش نمی‌گذاشت، یا مادر معتاد بود. در مقابل خوبان، صالحان، علما، دانش‌مندان، شهدا و مصلحان قریب به اتفاق‌شان در دامن مادری مهربان و فداکار. پس ریشه‌ی تغییر و تحول و اصلاح، و هم‌چنین ریشه‌ی جنایت و فساد و تبه‌کاری را در خانه باید دنبال کرد. پس منبع همه‌ی این اتفاقات مهم دنیا، چه خوب و چه بدش، خانه است. و خدا خانه را به زن سپرد و او را به نگه‌داشتن این سنگر مکلف کرد. اما غرب تشویقش کرد که خانه را رها کند و مستقیم وارد کسب و کار و اشتغال شود. ظاهر کار، در نگاه ساده و سطحی این است که غرب، مقام زن را ارج نهاد و اسلام محدودش کرد، اما در واقع برعکس است. چون در هیچ مغازه و اداره و شرکت و کارخانه‌ای، زن نمی‌تواند به اندازه‌ی مادری و همسری‌اش در خانه، در جامعه نقش ایفا کند.

خارج کردن خانه از جامعه یک مغالطه‌ی فاحش است. بر چه اساسی زنی که در آشپزخانه‌ی یک پیتزایی آش‌پزی می‌کند که چند تومانی درآمد داشته باشد، دارای نقش در جامعه است، اما زنی که برای هم‌سر و فرزندان‌ش در خانه آش‌پزی می‌کند، دارای نقش نیست؟! بر اساس کدام ملاک، زنی که شیشه‌ی مغازه را دست‌مال می‌کشد و زمین رستوران را تی می‌کشد، دارای نقش در جامعه است، اما زنی که خانه‌ی خودش را آب و جارو می‌کند، فاقد نقش است؟! بر اساس کدام منطق، زنی که در دفتر کار یا مطب، برای فلان دکتر و بهمان مهندس منشی‌گری می‌کند، دارای نقش است، اما زنی که در خانه به هم‌سر و فرزندان‌ش خدمت می‌کند، فاقد نقش است؟!

## نقشه‌ی راه خدا برای موفقیت زن

امروز، در رسانه‌های غربی و غرب‌زده زن موفق شاد با نشاط زنی است که رئیس یک شرکت، یا مالک یک کارخانه، یا کارآفرینی موفق در فلان جا، با کلی نیروی زیر دست و هزار مسئولیت و مشغله باشد. و در غیر این صورت اگر فقط خانه‌دار باشد و هم سری و مادری کند لابد بدبخت است! در حالی که امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمود: به زن مسئولیتی بیش خودش و آن چه به خودش مربوط است نسپار، که این برایش به‌تر است و این گونه خیالش راحت‌تر و ذهنش آسوده‌تر و زیبایی‌اش ماندگارتر خواهد بود. چون زن گل است نه حساب‌دار خرج و دخل؛ «لَا تَمْلِكُ الْمَرْأَةُ مِنْ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَأَرْحَى لِبَالِهَا وَأَدْوَمُ لِحَمَالِهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»<sup>۱</sup>. قطعاً درباره‌ی این حدیث و احادیث دیگری از این دست، بیش‌تر باید فکر و تأمل کرد. چون این احادیث غالباً دست‌نخورده و بکر، باقی مانده‌اند و یا با انکار، یا با تعارف و ماست‌مالی از کنارشان گذشتیم و ندید گرفتیم. اما جای کار و تأمل و تفکر دارند و قطعاً پنجره‌های جدیدی را برای تفکر به روی مان باز خواهند کرد.

برای فهم این مدل روایات باید بدانیم که زن و مرد با هم فرق دارند. اگر چه در فضائل و خصال و کمالات انسانی با هم یک‌سانند، ولی نه در جسم‌شان، نه در علاقه‌های‌شان، نه در ذهن‌شان، نه در استعداد‌های‌شان، و نه در عواطف و احساسات‌شان در هیچ کدام‌شان با هم یک‌سان نیستند. پس لزوماً هر هدفی که مردها را خوش حال می‌کند، زنان را خوش حال نمی‌کند. و لزوماً هر چیزی که برای مردان موفقیت به حساب می‌آید، برای زنان موفقیت نیست. و هر چیزی که برای مردان خوب است، لزوماً برای زنان خوب نیست. تشویق زیادی زنان به اشتغال و کسب درآمد و استقلال مالی، به این

معنی است که کار پرزحمت زن در خانه ارزشی ندارد و از او قبول نیست! و در کنار آن کارها باید کار هم بکند و پول دربیاورد. این فرهنگ و عرف وقتی جا بیفتد، نسل‌های آینده دیگر خانه‌داری و بچه‌داری را از زن قبول نمی‌کنند و آن را کافی نخواهند دانست. آن وقت زنی که فقط خانه‌دار باشد و بچه‌داری و همسر داری کند، احساس حقارت خواهد کرد و به مفت خوری متهم خواهد شد. زن باید در جامعه نقش اجتماعی داشته باشد، اما کسب و کار و درآمد و روانه‌ی بازار کار شدن و نان‌آوری برای خانه به هیچ وجهی وظیفه‌ی زن نیست. و اگر مزاحم نقش مادری و هم‌سری‌اش شد، بیش‌تر مضر است تا مفید.

در همه‌ی فرهنگ‌ها و کشورها و ادیان، دخر بچه‌ها خاله‌بازی و عروسک‌بازی می‌کنند، اما پسربچه‌ها توپ‌بازی و ماشین‌بازی و تفنگ‌بازی می‌کنند. بزرگ که می‌شوند، مردان وقتی دور هم جمع می‌شوند، درباره‌ی پول و بازار و سیاست و ورزش جرو بحث می‌کنند، اما زنان درباره‌ی خانه، اکسسوری، لباس، آشپزی و بچه‌های خودشان صحبت می‌کنند. یعنی غرب با رسانه دارد علاقه‌ای را به زور به خورد دختران و زنان جهان می‌دهد. و همین است که روز به روز افسردگی دختران و زنان در جهان بیش‌تر می‌شود. نگاه سطحی و ساده‌فکر می‌کند، سبک‌زندگی غربی به عزت و جاه و جلال زن نزدیک‌تر است تا سبک‌زندگی اسلامی. مثلاً امروز فضای مجازی غرب زده‌پراست از راه‌کارهای به‌ظاهر قشنگ که زن را تشویق می‌کند به این که حد هم‌سرش را نگه دارد؛ به این که نگذارد هم‌سرش پررو شود؛ گریه‌رادم حجله سر ببرد؛ زیادی محبت نکند؛ همیشه پایه نباشد؛ همیشه دم دست نباشد و گاهی دست‌نیافتنی باشد. تازن عزیزتر و دوست‌داشتنی‌تر بماند. یا این که دور و برش را شلوغ نکند و جوجه‌کشی راه نیندازد! ساده‌که نگاه کنی، می‌بینی پربیراه نمی‌گویند! ولی شناخت انسان و روابط انسانی مگر به این سادگی‌ها است؟! راه‌کارهای خدا اصلاً این‌طور نیست و تقریباً برعکس است. پیام‌بر





اعظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: به‌ترین زنان شما کسی است که زیاد بچه بیاورد، خیلی اهل محبت باشد، اهل عفت باشد، کسی که نزد خانواده‌ی خودش عزیز است، اما با شوهرش ذلیل و فروتن، کسی که نزد شوهرش اهل آرایش کردن و لباس خوب پوشیدن و جلوه‌گری است، اما بیرون که می‌رود و با غیر از شوهر، پوشیده است، کسی که حرف شوهرش را گوش می‌کند و دستورش را اطاعت می‌کند، و وقتی با او خلوت می‌کند هر چه می‌خواهد در اختیارش می‌گذارد؛ «عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ الْوَدُودُ الْعَفِيفَةُ الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الدَّيْلَةُ مَعَ بَعْلِهَا الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانُ عَلَى غَيْرِهَا الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَتُطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا بَدَلَتْ لَهُ مَا يُرِيدُ مِنْهُ.»<sup>۱</sup>

شاید بعضی‌ها از نسخه‌ی پیام بر عَلَيْهِ السَّلَامُ بدشان بیاید. شاید در نگاه اول، زن خوبِ الگو در این روایت یک کلفتِ پرپچه‌ی بشور بروپِ بله‌قربان‌گو به نظر بیاید. اگر کسی چنین حسی از این روایت گرفت و بدش آمد، یاد راه‌کار خدا برای مادر موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ بیفتد. پس شاید این راه‌کار هم از همان راه‌کارهای غلط‌انداز خداست که ظاهرش تلخ است و باطنش شیرین!

کمی فکر کنیم. الگوی زن مدرن مثلاً موفقِ غربی چه گلی به سر زنان دنیا زده است؟! چرا هر چه زنان مستقل‌تر، آزادتر، شاغل‌تر و بر اساس ملاک‌های غربی موفق‌تر می‌شوند، آمار طلاق و افسردگی و خودکشی زنان بیش‌تر می‌شود؟! بگذریم.

قطعا بعضی از این کارها، گاهی برای زن سخت و تلخ می‌شود.

### شرط خدا برای نصرت

برگردیم به آیه‌ی مورد بحث مان. خدا نصرت می‌دهد. اما کسی را که راه او را برود و راه‌کار او را عمل کند؛ منظورم همین راه‌های غلط‌اندازی است که

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۲۴.



آدم در نگاه اول فکر می‌کند تهش نابودی است! این راه، از جنس همان راه حضرت موسی علیه السلام است که نظاره‌گران بیرونی و درونی همه فکر کردند، اصحاب موسی علیه السلام نابود شدند در محاصره‌ی گازانبری دشمن و طبیعت! **﴿فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ﴾**<sup>۱</sup> اما موسی علیه السلام که شگرد و ترفندهای خدا را بلد بود و می‌دانست خدا نقشه‌ی نصرتش را جلو جلو نمی‌دهد و غافل‌گیرانه عمل می‌کند، با آرامش گفت: هرگز خدا هوای مرا دارد و هدایت می‌کند؛ **﴿قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ﴾**<sup>۲</sup>.

ولی مشکل این جاست که ما آن قدرها هم به خدا اعتماد نداریم. در نتیجه می‌رویم سراغ بی‌راهه‌های به ظاهر زودبازده و مثلاً نجات‌بخش. تهش هم چیزی جز خسارت نیست. دروغ گفتن برای کسب روزی به ظاهر میان بر است، ولی بی‌راهه‌ی بی‌حاصل است. جهاد نکردن و نابجا مذاکره کردن به ظاهر میان بر است، ولی جز تلف کردن وقت و سرمایه‌ی یک ملت حاصل دیگری نداشت. در زندگی فردی شاید دختری فکر کند اگر آرایش نکند و حجابش را کمی کنار نگذارد خواستگاری سراغش نمی‌آید، ولی اگر طبق نقشه‌ی راه خدا جلو برود، به‌تر و شاید حتی سریع‌تر ازدواج خواهد کرد. راه میان‌بری جز تقوا و نصرت دین خدا و عمل به نقشه‌ی راه خدا وجود ندارد. باید به خدا اعتماد کرد و با او بر مدار تقوا معامله کرد. آن‌گاه خدا غافل‌گیرانه و خلاقانه و بدیع، نصرتش را شامل حال مان می‌کند؛ آن هم جوری که اصلاً فکرش را نمی‌کردیم و به ذهن مان خطور نمی‌کرد.



سوزه‌های سخن



خاطره شهید



پویانمایی



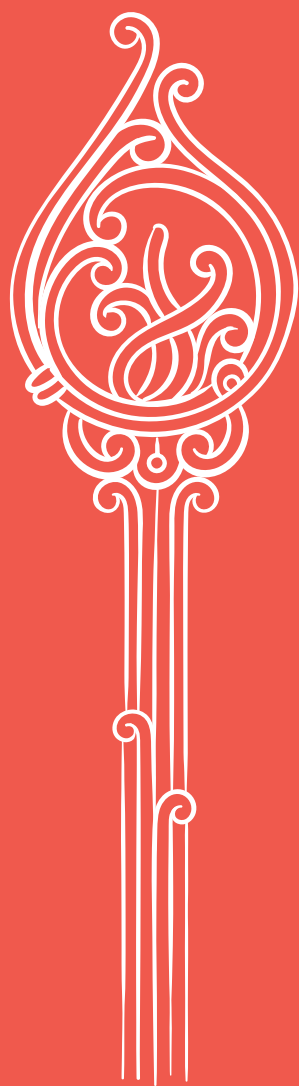
پادکست صوتی



تبیین آیه

۱. شعراء: ۶۱.

۲. شعراء: ۶۲.





۱. قرآن کریم.
۲. إرشاد القلوب إلى الصواب، حسن بن محمد الديلمي (۵۸۴۱)، نشر الشريف الرضي، قم، ۱۴۱۲ق، الطبعة الأولى.
۳. ایران بین دو انقلاب، یرواند آبراهیمیان، ترجمه‌ی کاظم فیروزمند - حسن شمس‌آوری - دکتر محسن مدیرشانه‌چی، نشر مرکز، تهران، ۱۴۰۲ش، چاپ بیست و نهم.
۴. بحار الأنوار، محمدباقر المجلسي (۱۱۱۰هـ)، تحقیق جمع من المحققین، نشر دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۳، الطبعة الثانية.
۵. بصائر الدرجات في فضائل آل محمد ﷺ، الصفار محمد بن حسن (۲۹۰هـ)، تحقیق محسن بن عباس علی کوچه‌باغی، نشر مكتبة آية الله المرعضي النجفي، قم، ۱۴۰۴، الطبعة الثانية.
۶. بنویس تا اتفاق بیفتد، هنریت کلاوسر، ترجمه‌ی گیتی شهیدی، نشر دیلماج، تهران، ۱۳۹۴، چاپ دهم.
۷. بیندیشید و ثروت‌مند شوید، ناپلئون هیل (۱۸۸۳ - ۱۹۷۰م)، ترجمه‌ی د. مهدی نکوئی، نشر نگاه نوین، تهران، ۱۴۰۲ش، چاپ یازدهم.
۸. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود العیاشی (۳۲۰هـ)، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، نشر المطبعة العلمية، طهران، ۱۴۲۲هـ، الطبعة الأولى.

۹. دشمن شديد(دفتر اول)، مهدى طائب، نشر انتشارات شهيد كاظمى، قم، ۱۳۹۴ش، چاپ اول.
۱۰. جادوى فكر بزرگ، ديويد جوزف شوارتز، ترجمه‌ى ژنا بخت‌آور، نشر فيروزه، تهران، ۱۳۹۶ش، چاپ چهل و سوم.
۱۱. الزهد، حسين بن سعيد الكوفي الأهوازي، تحقيق غلام رضا عرفانيان يزدى، المطبعة العلمية، قم، ۱۴۰۲هـ، الطبعة الثانية.
۱۲. صحيفه‌ى امام، امام خمينى(۱۳۶۸ ش)، نشر مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى علیه السلام.
۱۳. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد البرقي، تحقيق المحدث جلال الدين، نشر دار الكتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱هـ، الطبعة الثانية.
۱۴. كتاب سليم بن قيس، سليم بن قيس الهلالي(۷۶ هـ)، محمد الأنصاري الزنجاني الخوئيني، نشر الهادي، قم، ۱۴۰۵هـ، الطبعة الأولى.
۱۵. عيون أخبار الرضا عليه السلام، محمد بن علي ابن بابويه(۳۸۱ هـ)، تحقيق مهدي اللاجوردي، نشر جهان، طهران، ۱۴۲۰هـ، الطبعة الأولى.
۱۶. غررالحكم ودرر الكلم، عبد الواحد بن محمد التميمي الأمدي(۵۵۰ هـ)، تحقيق السيد مهدي رجائي، نشر دار الكتب الإسلامية، قم، ۱۴۱۰هـ.
۱۷. الغيبة، النعماني، ابن أبي زينب محمد بن إبراهيم(م ۳۶۰)، تحقيق على اكبر غفارى، نشر الصدوق، طهران، ۱۳۹۷هـ، الطبعة الأولى.
۱۸. قاموس قرآن، على اكبر قرشى بنائى، نشر دار الكتب الإسلامية، طهران، ۱۴۱۲هـ، الطبعة السادسة.
۱۹. قرب الإسناد، عبد الله بن جعفر الحميري، تحقيق مؤسسة آل البيت عليه السلام، نشر مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، ۱۴۱۳هـ، الطبعة الأولى.
۲۰. الكافي، الكليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق(م ۳۲۹)، تحقيق على اكبر غفارى و محمد آخوندى، نشر دار الكتب الإسلامية، طهران، ۱۴۰۷هـ، الطبعة الرابعة.
۲۱. الشريعة، منسوب إلى الإمام الصادق(۱۴۸ هـ)، نشر الأعلمي، بيروت، ۱۴۰۰هـ، الطبعة الأولى.
۲۲. من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، محمد بن علي بن بابويه(م ۳۸۱)، تحقيق على اكبر غفارى، دفتر انتشارات اسلامى، قم، ۱۴۱۳ق، الطبعة الثانية.
۲۳. نهج البلاغه، الشريف الرضى، محمد بن حسين(م ۴۰۶)، تحقيق صبحى صالح، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، الطبعة الأولى.